

۲۱

سال پنجم

۱۳۸۲

مرداد تا آبان

۵۷۶۴

آو ۶۳ - حشوان

۲۰۰۳

آگوست - نوامبر

אפר
בינה
ד

سنة

فرهنگی - اجتماعی - خبری
ارگان انجمن کلیمیان تهران



- یهودیان ایران و جامعه جهانی یهود
- گزارشی از فعالیت‌های نماینده ایرانیان کلیمی در مجلس شورای اسلامی
- حضور هیئت ایرانی در همایش جهانی فرهنگ یهود (سوئد)
- زندگی و آثار یوسفوس فلاویوس
- یهودیان هلند
- مقایسه الفبایک زبانهای سامی (عبری و عربی)

Steinfeld Kalman 1941 اسامی تعدادی از کشته شدگان
 Steinfeld Berta 1941 هولوکاست (کشتار یهودیان به دست نازیها)
 Steinfeld Bertha 1941 که روی سنگ حکاکی شده اند (۸۵۰۰ نفر)
 Steinfeld Irma 1941 سویتا کیسوا استکهلم
 Steinfeld Herta 1920 Moravska Ostrava 1941
 Bachrach Dora

Zimmerman

Zimmerman

Zimmerman

Zimmerman

Zimmerman

Zimmerman

Zimmerman

Zimmerman

Zimmerman

Zimmerman

Zimmerman

Zimmerman

Zimmerman

Zimmerman

Zimmerman

Zimmerman

Zimmerman

Zimmerman

Zimmerman

Zimmerman

Zimmerman

Zimmerman

Zimmerman

Zimmerman

Zimmerman

Zimmerman

Zimmerman

Zimmerman

Zimmerman

Zimmerman

Zimmerman

Zimmerman

Zimmerman

Zimmerman



Auschwitz
 Auschwitz
 Auschwitz
 Auschwitz
 Auschwitz

1939-1945
 1939-1945
 1939-1945
 1939-1945
 1939-1945

1943 Auschwitz
 1943 Auschwitz
 1943 Auschwitz
 1943 Auschwitz
 1943 Auschwitz

1943 Auschwitz
 1943 Auschwitz
 1943 Auschwitz
 1943 Auschwitz
 1943 Auschwitz

1943 Auschwitz
 1943 Auschwitz
 1943 Auschwitz
 1943 Auschwitz
 1943 Auschwitz

1943 Auschwitz
 1943 Auschwitz
 1943 Auschwitz
 1943 Auschwitz
 1943 Auschwitz

1943 Auschwitz
 1943 Auschwitz
 1943 Auschwitz
 1943 Auschwitz
 1943 Auschwitz

1943 Auschwitz
 1943 Auschwitz
 1943 Auschwitz
 1943 Auschwitz
 1943 Auschwitz



FORGET US NOT 1944

The Memorial Of The Holocaust Victims 1944

6 Million European Jews Were Murdered 1944

By The Nazis. 8500 Of Their Names Are

Engraved On This Monument

ساخت

آفک
בִּינָה

فرهنگی - اجتماعی - خبری
ارگان انجمن کلیمیان تهران

سال پنجم - شماره ۲۱

مرداد تا آبان ۱۳۸۲ شمسی
آو ۵۷۶۳ - حشوان ۵۷۶۴ عبری
آگوست - نوامبر ۲۰۰۳ میلادی

مدیر مسئول : هارون یشایایی

سردبیر : آرشد آبائی

هیئت تحریریه :

دکتر یونس حمای لاله‌زار - فرهاد افرامیان

سیما مقتدر - ماهیار کهن‌باش

رحمن دلرحیم - لیورا سعید - سارا حی

بیژن آصف - الهام مؤدب - روبرت شیرازیان

مریم حناس‌زاده - آلبرت شادپور

شرکان انورزاده

امور مالی و اشتراک : فرهاد افرامیان

پشتیبانی رایانه‌ای :

مرکز کامپیوتر انجمن کلیمیان تهران

حروفچینی و صفحه‌آرایی :

نسترن جاذب

طراحی جلد: کادوس‌نگاره

عکس‌ها: داوود گوهریان

لیتوگرافی: رامین

چاپ : ابلاغ

نشانی نشریه : تهران

خیابان شیخ‌هادی

شماره ۳۸۵ - طبقه سوم

کد پستی ۱۱۳۹۷-۳۳۳۱۷

تلفن: ۶۷۰۲۵۵۶ - نمابر : ۶۷۱۶۴۲۹

نشانی الکترونیکی :

BINA@IRANJEWISH.COM

پایگاه اینترنتی:

WWW.IRANJEWISH.COM

♦ نشریه در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.

♦ نقل مطالب از نشریه با ذکر منبع و نویسنده

بلامانع است.

בִּינָה - در عبری به معنای

آگاهی و بصیرت است

سرمقاله : یهودیان ایران و جامعه جهانی یهود / هارون یشایایی / ۲

سخن سردبیر: تأملی بر رفتار جوان یهودی در ایران و جهان / آرشد آبائی / ۳

اخبار و رویدادها / ۵

گزارشی از فعالیت‌های نماینده ایرانیان کلیمی در مجلس شورای اسلامی / موریس معتمد / ۶

گزارش حضور هیئت ایرانی در همایش جهانی بنیاد یادبود فرهنگ یهود / آرشد آبائی / ۱۶

حکایتی دیگر از سوند / مرجان یشایایی / ۱۷

روی یک زمین، زیر یک آسمان: صلح و تفاهم پایدار میان ادیان توحیدی / ۱۹

گزیده شرح حال یشعیای نبی / رحمن دلرحیم / ۲۰

گذری بر زندگی و آثار یوسفوس فلاویوس / پیام خاکشور / ۲۱

یهودیان هلند / سیما مقتدر / ۲۴

مقایسه آلفابتیک زبان‌های سامی (عبری و عربی) / مزده صیونیت / ۲۷

صفحه دانشجو: حفظ «هویت یهودی»، چگونه؟ / ماهیار کهن‌باش / ۳۲

معرفی برخی پایگاه‌های اینترنتی در حوزه دین و فرهنگ یهود / ۳۳

یهودیان اصفهان (بخش دوم) / اکبر شیرانی / ۳۴

یهودیت از نگاه ادوارد سعید / ۴۰

عدالت و اخلاق در صهیونسم / اوراهام برگ / ۴۱

رسانه ملی و مبحث یهود / فرزاد طوییان / ۴۳

معرفی و بررسی دو کتاب جدید درباره یهودیت / مریم حناس‌زاده / ۴۴

گزارش تحقیقی کتابخانه مرکزی کلیمیان تهران / ۴۵

تار و پودی از جنس عشق (نقد فیلم فرش باد) / فرانک عراقی / ۴۶

داستان آقا عزیزالله تویسرکانی / هارون یشایایی / ۴۸

شعر / ۵۱

چگونه عزت نفس خود را افزایش دهیم؟ / لیورا سعید / ۵۲

گزارشی از مرکز موسیقی انجمن کلیمیان تهران / ۵۳

بخش نوجوان / سارا حی / ۵۴

بخش کودکان / سارا حی / ۵۶

عبری بیاموزیم / ۵۷

گزیده مقالات (انگلیسی) / ۵۹

تقاضای اشتراک نشریه افق بینا

نام / موسسه :

آدرس دقیق پستی :

کد پستی :

شماره فیش پرداختی :

برای اشتراک ۶ شماره مبلغ ۲۴۰۰۰ ریال و برای اشتراک ۱۲ شماره مبلغ ۴۸۰۰۰ ریال را به حساب جاری شماره ۲۴۸۹

بانک ملی - شعبه ملک (شیخ‌هادی) کد ۴۵۶ به نام «انجمن کلیمیان تهران» (قابل پرداخت در تمام شعب بانک ملی)

واریز کرده و فیش بانکی را به همراه تقاضای اشتراک به نشانی: تهران - خیابان جمهوری اسلامی - خیابان شیخ‌هادی

- شماره ۳۸۵ - طبقه سوم - کد پستی ۱۱۳۹۷-۳۳۳۱۷ ارسال نمایید. هرگونه تاخیر در ارسال مجله را با تلفن

۶۷۰۲۵۵۶ اطلاع دهید.

یهودیان ایران

و جامعه جهانی یهود

هارون یشایایی

دلایلی خاص در سال‌های اخیر حضور
نمایندگان جامعه کلیسی ایران را در
مجامع جهانی به یک ضرورت مبدل ساخته
است که مهمترین آن بی‌اثر کردن پافشاری
عده‌ای محدود از کج‌اندیشان برای
یک کاسه کردن همه جوامع و افراد
یهودی و تاکید بر پشتیبانی بی‌چون و چرای
آنها از سازمان‌های صهیونیستی و لابی یهودیان
آمریکا یا اروپا است

نیز موجب ملال خاطر می‌شود پندبرگردان حرف‌های بی‌اساس خود
ساخته و آن را وحی منزل می‌دانند و در عمل آن چه که از افراطی‌ترین
باند‌های صهیونیستی می‌خواهند، می‌گویند ...!

با این حال موضع‌گیری یهودیان آگاه و شرافتمند در سراسر جهان
علیه اقدامات ماجراجویانه باند نظامیان (مانند شارون و موفاز) و
خشونت‌های جاری در منطقه و ابراز تنفر از دور باطل کشتار مردم
بی‌گناه از هر دو طرف هر روز رستار می‌شود و اگر تحریک و توطئه
ظاهرا پایان‌ناپذیر امپریالیست‌ها و تعصبات ویران‌گر بعضی گروه‌ها از هر
دو طرف مجال دهد، زندگی صلح‌آمیز و برادرانه بین یهودیان، مسلمانان
و مسیحیان امکان‌پذیر و تاریخ‌ساز خواهد شد.

نشانه‌های فراوانی برای اثبات امکان زندگی صلح‌آمیز و برادرانه در
میان جامعه جهانی یهود و مردم اسرائیل بروز کرده است، از جمله این
که:

اخیرا (اواخر ماه سپتامبر ۲۰۰۳) شلومو بن عامی وزیر خارجه سابق
کابینه اسرائیل در مصاحبه با روزنامه «المستقبل» و «ها آرتص» در
مطلب جالبی می‌گوید: «منطقی نیست که گفته شود جنگ استقلال
ملی، را که به انگیزه خواسته‌های ملی اسلامی برافروخته شده در مقابل
امنیت خاموش کرد (امنیتی که فلسطینی‌ها نمی‌توانند آن را تامین کنند
مگر از راه یک جنگ داخلی)» و در جای دیگر (در مثالی که «شارون»
را به جادوگری تشبیه می‌کند که شیری را با تمام یال و کوپال روی
صحنه دود می‌کند) می‌گوید «بگذارید این بچه‌ها (اشاره به شارون و
سایر سیاستمداران نظامی اسرائیل) در برابر چشمان ما روی صحنه
اوهام بازی کنند تا بالاخره برای همگان روشن شود که همه روش‌های
دست راستی، همانگونه که در هر دموکراسی واقعی به چشم می‌خورد به
پایان راه رسیده است».

و این در حالی است که در اواخر همین ماه، ۲۷ خلیان اسرائیلی به
دلیل این که اقدامات نیروی هوایی اسرائیل را در بمباران اردوگاه‌های
فلسطینی غیرانسانی می‌دانند از انجام پرواز بر فراز مناطق اشغالی
خودداری کردند و به همین دلیل به اخراج از ارتش تهدید شدند.
همچنین صدها مقاله و عکس‌العمل نظیر این در میان یهودیان جهان و
یهودیان ساکن اسرائیل منتشر شده و بروز نموده که البته کج‌اندیشان در
برابر همه این وقایع به تکرار این مثل اکتفا می‌کنند که اینها همه

از تاریخ ۲۸ مرداد تا ۶ شهریور ۸۲ سه نفر به نمایندگی جوانان
کلیسی ایران در کنفرانسی در سوئد شرکت نمودند که گزارش آن در
همین شماره افق بینا آمده است.

این حضور از آن جهت که در راستای اقدامات انجمن کلیمیان
تهران برای برقراری ارتباط فرهنگی با بخش‌های غیرسیاسی جوامع
یهودی در نقاط مختلف جهان قرار دارد، بسیار حائز اهمیت است.
ایجاد این ارتباط با جامعه جهانی یهود به دلایل مختلف اهمیت
فراوان دارد که به دو مورد از مهمترین آنها می‌پردازیم.

اول این که مردم و مخصوصا یهودیان جهان بدانند که ایرانیان
یهودی مردمی متزوی و محصور در یک جزیره دورافتاده نیستند، بلکه
آنها میراث گرانمای ایرانی بودن و یهودی بودن خود را می‌شناسند و با
همه توان از تاریخ و اندیشه مشترک فرهنگ پرافتخار ایرانی و اصول
یهودیت نبوی پاسداری می‌کنند و خود را ایرانی و در عین حال بخشی
از جامعه جهانی یهود می‌دانند.

دوم این که فضای زندگی یهودیان و سایر اقلیت‌های دینی آن طور
که بعضی خارج‌نشینان و بلندگوهای تبلیغاتی عنوان می‌کنند تیره و تار
نیست، واقعیت مشهود این است که کنیساها در تمام شهرهای
یهودی‌نشین ایران دایر است و هیچ محدودیتی در انجام فرایض دینی
آنها وجود ندارد، علاوه بر آن، سازمان‌های مختلف و انجمن‌های
کلیمیان، مدارس، مهدهای کودک، باشگاه‌های جوانان، بیمارستان بزرگ
دکتر سپیر، سرای سالمندان یهودی، کشتارگاه‌های ذبح شرعی و
فروشگاه‌های فرآورده‌های گوشتی کاشر، دفاتر ثبت ازدواج شرعی و هر
آنچه نشانه هویت و لازمه جامعه یهودی است، در ایران وجود دارد و
جالب این که برخی از این امکانات برای یهودیان تعدادی از کشورهای
اروپائی وجود ندارد.

دلایلی خاص در سال‌های اخیر حضور نمایندگان جامعه کلیسی
ایران را در مجامع جهانی به یک ضرورت مبدل ساخته است که
مهمترین آن بی‌اثر کردن پافشاری عده‌ای معدود از کج‌اندیشان برای
یک کاسه کردن همه جوامع و افراد یهودی و تاکید بر پشتیبانی بی‌چون
و چرای آنها از سازمان‌های صهیونیستی و لابی یهودیان آمریکا یا اروپا
است. در این میان عده‌ای از آن گروه کج‌اندیش این دیدگاه و عقیده را
پایگاه تبلیغات خشن ضدیهودی‌گری نموده‌اند و اتهاماتی را که تکرار آن

سخن سردبیر

تأملی بر رفتار جوان یهودی در ایران و جهان

حضور در همایش جهانی جوانان یهودی در سوند (شهریور ۸۲)، فرصت ارزنده‌ای بود تا در حاشیه برنامه‌های رسمی آن، تأملی در تفاوت‌های رفتاری جوانان یهودی از نقاط مختلف جهان (۱۹ کشور از پنج قاره) داشته‌باشم.

یکم، تفاوت آشکار و چشمگیر جوامع شرق و غرب بود. صرف‌نظر از تبلیغات منفی درست یا نادرست درباره‌ی جهان غربی، به راحتی می‌شد موج انرژی و سرزندگی را در جوانان غربی (آمریکا، انگلیس، کانادا و استرالیا) مشاهده کرد و البته رتبه‌ی بعدی را نمایندگان افریقای جنوبی، فرانسه، دانمارک، سوند، کلمبیا و آرژانتین تشکیل می‌دادند و در دسته سوم جوانان روسیه و جمهوری‌های سابق شوروی، ترکیه، مراکش، چک و صربستان جای داشتند.

گسترده‌ی اطلاعات اجتماعی، تجربیات فراوان، مطالعه مداوم و هدفدار، ارتباطات گسترده، بهره‌وری بالا در اکثر کارها و «شادمانگی» از عمده خصوصیات مشترک اکثر افراد گروه اول بود، که این ویژگی‌ها در تمام شئون زندگی ده روزه با آنان - از صبح زود به هنگام مراسم نماز صبحگاه تا جلسات سخنرانی و بحث، فعالیت‌های تفریحی، وعده‌های صرف غذا و حتی آخرین لحظات قبل از خواب - قابل مشاهده بودند. به عنوان مثال، در ترتیب برنامه‌های خاص روز شنبه یا مراسم اختتامیه که به ابتکار جمع پیشنهاد، طراحی و اجرا شدند، بخش عمده - و گاه تمام - ایده‌های ابتکاری و خلاقانه و مدیریت آنها از سوی همین گروه اعمال می‌گشت (هر چند فعالیت‌ها و خلاقیت‌های سایر نمایندگان - از جمله نمایندگان ایران - که در موارد متعدد و غالباً در حوزه‌ای خاص قابل توجه بودند، و نیز تبحر در زبان انگلیسی به عنوان زبان مادری نمایندگان دسته اول که عامل انتقال سریعتر تفکراتشان بود را نباید از نظر دور داشت).

دوم، آزادی اندیشه و عمل جوان یهودی در اکثر جوامع غربی بود. «قرائت‌های مختلف دینی» که امروزه عنوان جدیدی در بحث‌های روشنفکری ایران به شمار می‌رود، در عمل در زندگی «او» کاربرد دارد و این جوان یهودی، آنچه را که از دین می‌فهمد و آن مکتب فکری (در حوزه یهود) را که با تفکر و روحیات خود هماهنگ‌تر می‌بیند انتخاب می‌کند. این آزادی فکری دینی حتی در میان استادها و ربای (حاخام)‌های حاضر در همایش نیز مشهود بود. در یکی از جلسات تفسیر و بحث دینی، «ربای شختر» با طرح چند تفسیر متفاوت از یک موضوع واحد، بدون سعی در همگرایی و یکسان سازی توجیه قضیه و یا تحمیل خط فکری واحد به مخاطبان، انتخاب خود را از میان تفاسیر

سروته یک کرباسند...! گو اینکه صدایشان در میان ملت بزرگوار ایران طنینی ندارد.

از طرف دیگر خوشبختانه در کشور خودمان و در میان هموطنان ایرانی طرز تفکری واقع‌بینانه، خلاق و متصفانه در جریان است که عقیده کج‌اندیشان را باطل می‌کند. به طور مثال در اواخر خرداد ماه جاری به دعوت وزارت امور خارجه دو نفر از روحانیون یهودی آمریکایی («ربای بن پورات» و عالم یهودی، «مارشال برگر») به تهران آمدند و در قم با روحانیون عالقدر شیعه ملاقات نموده و کنفرانس حقوق تطبیقی فقه یهود و اسلام را ترتیب دادند، همچنین در سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی حضور یافته و با نمایندگان جامعه کلیمی ایران نیز مراسم معارفه و گفتگو داشتند. مواردی از این دست قبلاً هم وجود داشته و انشالله ادامه خواهد یافت.

مردم و مخصوصاً یهودیان جهان بدانند که ایرانیان یهودی مردمی منزوی و محصور در یک جزیره دورافتاده نیستند، بلکه آنها میراث گرانبهای ایرانی بودن و یهودی بودن خود را می‌شناسند

در جلسه معارفه نمایندگان جامعه کلیمی ایران با روحانیون یهودی فوق‌الذکر موضوعی پیش آمد که بعضی گروه‌های خبری که از خارج از کشور و مخصوصاً از آمریکا می‌آیند نیز آن را مطرح می‌کنند، و آن این که در یکی از جلسات گفتگو، مسئولان جامعه کلیمی ایران از روحانیون یهودی درخواست کردند تا اوضاع و احوال جامعه کلیمیان ایران را آن گونه که دیده‌اند برای یهودیان آمریکا تعریف کنند. ربای بن پورات در نهایت صداقت چنین جواب داد: «مشکل ما این است که اگر آن چه در ایران از اوضاع و احوال جامعه کلیمی دیده‌ایم در آمریکا بگوئیم، کمتر کسی آن را باور خواهد کرد. وجود تشکیلات جامعه یهودی در ایران مانند مدارس، کنیسها، کسروت و اجتماعات مختلف را خود ما هم باور نمی‌کردیم...!». در همان جلسه، ربای بن پورات مدیران دولتی ایران و به همان نسبت مسئولین جامعه کلیمی را مقصر دانست که نتوانسته‌اند واقعیت زندگی کلیمیان ایران را برای جهانیان منعکس سازند و با استفاده از همین نارسائی، دستگاه‌های تبلیغاتی در آمریکا نتوانسته‌اند اوضاع زندگی اقلیت‌های دینی - از جمله یهودیان ایران - را سیاه و طاقت‌فرسا ترسیم نمایند. نمایندگان جامعه کلیمی نیز در همان جلسه قول جبران کوتاهی‌های گذشته را دادند.

این مطلب را با یادآوری مسئولیت متولیان جامعه کلیمی ایران در انعکاس واقعیات زندگی یهودیان ایران به مخاطبان داخل و خارج کشور پایان می‌دهم، با توضیح این مطلب که امکان مناسبات و ارتباطات سالم و برادرانه با هموطنان و مسئولین جمهوری اسلامی ایران برای جامعه کلیمی ایران وجود دارد و ما برای برطرف کردن بعضی تبعیضات و مشکلات جاری کلیمیان از مجاری قانونی تبادل نظر و گفتگو می‌کنیم.

جوانان ما در استکھلم قسمتی از این وظیفه را به عهده داشته و آن را به خوبی انجام داده‌اند، از آنها متشکریم... ■



مراسم کمی احساس غربت داشت و با گوشه‌گیری در کنیسا، در حفظ رسوم ایرانی یا سفارادی خود سعی می‌کرد، در شب و روز شنبه که قرائت و اجرای بخش‌هایی از مراسم به وی سپرده شد، علیرغم تمام آن تفاوت‌ها، اکثر حاضران از آن اجرا به عنوان «بخش‌هایی جالب و به یاد ماندنی» نام بردند. و یا در موردی دیگر، در یک جلسه گفتگوی آزاد که سرودهای ملی را بررسی می‌کردند، از من به عنوان یک عضو ایرانی خواستند که سرود ملی کشورم را بخوانم. هنگامی که نوای آن را برایشان زمزمه کردم، اصرار کردند که حتماً آن را «با کلام» بخوان! این که سرود جمهوری اسلامی با زبان فارسی چه لطفی برای آنان دارد، مرا بسیار متعجب کرده بود، اما آنها با توجه خاصی به این نوا و کلام بیگانه - برای آنها - گوش سپردند و از آن به عنوان یک صدای جدید لذت بردند، احساسی که معمولاً کمتر در موارد مشابه به ایرانیان دست می‌دهد.

منظور از سطور فوق، اشاره به تأثیر متقابل جامعه و جوان یهودی بر یکدیگر است. در حالی که به نظر می‌رسد جوانان جامعه ما غالباً در حالت انفعال و تکیه به مدیران و نسل پیشین خود قرار دارند، در دیگر جوامع یهودی - به خصوص آنها که در کشورهای توسعه یافته قرار دارند - جوان بدون تکلیف یا کسب دستور از «بزرگان»، پویایی و شوق ایفای نقش و تأثیرگذاری در امور اجتماعی و فرهنگی را در خود احساس کرده و با پای گذاردن و بازی کردن در این عرصه، گاه حتی از مشکلات و وقایع ناشناخته نیز در جهت رشد بهره می‌برد، و البته مدیران آن جوامع نیز لابد بستر لازم را برای او فراهم می‌سازند.

هر چند جوان ایرانی کلیمی از فضای عمومی کشور - که بی‌تفاوتی اکثر جوانان در آن آشکار است - اثر می‌پذیرد، اما باید توجه کرد که در فضای کوچک و محدود جامعه کلیمی ایران، اندکی تحرک و ذره‌ای فعالیت فکری در حوزه‌های اجتماع و فرهنگ، تأثیری چشمگیر برجای می‌نهد. شاید تنها در این صورت، محیطی را که در اثر مهاجرت‌های گسترده و مشکلات خاص جوامع کوچک و اقلیت، روز به روز «خاکستری»‌تر می‌شود، بتوان برای زندگی نسل‌های حاضر و آتی «سبز» و قابل تحمل‌تر نمود.

آرش آبائی

مذکور اعلام و حاضرین را به گزینش آزادانه از میان نظرات موجود دعوت می‌کرد. و یا در یکی از مراسم نماز صبحگاهی، همین ربای در گفتگویی با نگارنده، اظهار داشت که «من در بسیاری از موارد از پیشنهاد عقب می‌مانم، چون می‌خواهم کاملاً در عمق معانی یک بخش از مقدمات تفیلاً (مانند مرامبر داوود) تفکر کرده و با آن ارتباط برقرار کنم. و این روش من برای عبادت است»

به طور حتم جوانی که تحت این فضای فکری آزاد پرورش یابد، از اندیشه و افق فکری دینی بسیار گسترده‌ای برخوردار خواهد شد، امری که معمولاً عکس آن در جوامع سنتی یهودی - از جمله ایران - اعمال می‌شده است: یک تفسیر، یک مکتب فکری و یک روش، و لا غیر.

در زمینهٔ زندگی عملی و روش زندگی بر عدم وابستگی و اسارت در سدهای تاریخی که او را به پهنه‌های مختلف وادار به درجا زدن و زیستن در قالب‌های مصراسی شده توسط دیگران می‌سازند، به کرات دیده می‌شد. بسیاری از آنان در عین احترام به والدین و نهاد خانواده، آزادانه کشورها و جوامع گوناگون را برای اقامت یا کسب تجربه انتخاب کرده بودند. اکثر این انتخاب‌ها، نه به شکل مهاجرت‌های اجباری یا فرار از مشکلات، بلکه به جهت «تحقیق و انتخاب داوطلبانه محیط مطلوب زندگی و پیشرفت شغلی» بودند، که گاه با بازگشت به کشور مبدأ اما با گونه‌بازی از تجربه همراه بود. مانند آن که دختری یهودی از آمریکا، به نهایی کشور روسیه را برای کار و زندگی مناسب تشخیص داده و آن را «تجربه» کرده بود، حتی تعدادی از آنها از امکان سفر و زندگی در ایران نیز سؤال می‌کردند.

سوم، توجه فوق‌العاده به زیبایی و دلپذیر کردن محیط زندگی و حتی فضای معنوی و دینی در این نوع تفکر است. در همین مدت کوتاه همایش که تنها یک «شب» (شنبه) در آن قرار داشت، عده‌ای از «آنان» بر آن شدند که کیسای محل و سالن‌های اجتماعات و غذاخوری را برای شب و روز شنبه «زیبا» کنند، لذا به سرعت و با ابتکارهایی خاص، در و دیوار را آذین بستند و سفره را تزیین کردند، تا یک روز مقدس را با زیبایی و نشاط نوآم سازند.

تفیلاً (نماز)ها و مراسم دینی در این ایام به طبع مطابق با آنچه که در تمام کتب و احکام شرع آمده، اجرا می‌شدند، اما با شادی، با موزون کردن دعاها و بعضاً با قرائت‌های دستجمعی، همان متونی که گاه در کیسای ما به شدت ملال آور و تکراری به نظر می‌رسند، در فضا و مکانی دیگر با همت جوانان به هسته مشارکت جمعی در اجرای یک سرود روحانی و لذت بخش تبدیل می‌شدند.

چهارم، پذیرش تنوع و روش‌های تازه به عنوان دیگر خصوصیات اکثر «آنها» است. همان گونه که در گزارش این سفر آمده است، اکثر شرکت کنندگان از جوامع یهودیان «اشکنازی» بودند که لهجه و طرز تلفظ کلمات عبری و برخی جزئیات مراسم مذهبی آنان با یهودیان «سفارادی» - مانند ایران - متفاوت است. در حالی که نگارنده در این

اخبار و رویدادهای داخلی

برگزاری مجمع عمومی عادی سالانه

انجمن کلیمیان تهران



پیرو آگهی‌های نوبت اول و دوم مبنی بر تشکیل مجمع عمومی عادی سالانه انجمن کلیمیان تهران در روزنامه‌های اطلاعات ۸۰/۴/۲ و ۸۲/۴/۱۹، این جلسه ساعت ۱۰ صبح جمعه ۳ مرداد ماه در کنسای ابریشمی تهران با حضور نمایندگان وزارت کشور و عده کثیری از همکیشان کلیمی تشکیل شد. ابتدا دکتر ابراهیم برال با موافقت حاضران به عنوان رئیس سنی انتخاب گردید و با رای‌گیری، ادموند معلمی، شهاب شهابی‌فر، فرید یاشار، سپهر یعقوبیان و افشین سله به عنوان هیئت رئیسه مجمع عمومی انتخاب شدند.

طبق دستور جلسه، دبیر هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران حمیده مسجدی، گزارش سالیانه هیئت مدیره را ایراد نمود. سپس گزارش تراز مالی سال ۸۲-۱۳۸۱ انجمن کلیمیان توسط منوچهر عمرانی بازررس هیئت مدیره و گزارش بازرسان توسط سعید فروزانفر قرائت شد و مورد تصویب قرار گرفت. پس از انجام پرسش و پاسخ درباره عملکرد هیئت مدیره، با اخذ آرای کتبی، پرویز گرامی، منوچهر عمرانی و فرزاد طویبان به سمت بازرسان جدید هیئت مدیره انتخاب شدند.

هفته پلیس و ادیان توحیدی

به مناسبت هفته بزرگداشت نیروی انتظامی، روز سه‌شنبه ۱۵ مهرماه، همایشی با حضور روحانیون و مسئولان جوامع اقلیت‌های دینی و فرماندهان نیروی انتظامی در تالار اجتماعات ارامنه تهران برگزار شد.

در این جلسه که جمع کثیری از مدعوین ادیان توحیدی حضور داشتند، سردار طلایی، فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ به همراه جمعی از معاونین خود شرکت کرد.

سعید تقوی، مسئول اداره امور اقلیت‌های دینی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در آغاز مراسم طی سخنانی با اشاره به پایه‌گذاری سنت حسنه دیدار با اقلیت‌های دینی توسط سردار طلایی در سال گذشته، از تلاش‌های نیروی انتظامی به ویژه اداره کل اماکن که وظیفه نظارت بر جشن‌ها، مراسم، اعیاد و مناسبت‌های مختلف اقلیت‌های دینی را بر عهده دارد، به خاطر همکاری خوب با آن وزارتخانه و انجمن‌های اقلیت‌ها تشکر نمود.

آیدا هوانسیان، رئیس شورای خلیفه‌گری ارامنه تهران به عنوان اولین سخنران، ضمن تقدیر از تلاش‌های نیروی انتظامی، پیشرفت فرهنگی و اخلاقی جامعه را در گرو امنیت دانست که توسط پلیس تامین می‌گردد.

هارون یشایی، رئیس انجمن کلیمیان تهران نیز در سخنان خود، با تبریک هفته نیروی انتظامی به کلیه فرماندهان و پرسنل

فداکار این نیرو اظهار داشت: پلیس در سال‌های اخیر، به آن چه که حق او بود رسید و آن، احترام مردم به نیروی انتظامی است. ارزش پلیس ایران در آن است که از نیروی ملت بهره می‌گیرد. وی در ادامه سخنانش به «یوم کیپور» (روزه بزرگ کلیمیان در ۱۴

مهر) و حضور جمع کثیر یهودیان تهران در کنیساها اشاره کرد و گفت: در اکثر کشورهای اروپایی مانند سوئد که مظهر تمدن و امنیت غرب است، از کنیساهای یهودیان به شدت محافظت امنیتی صورت می‌گیرد و برای حضور در این اماکن باید از سلسله مراتب متعدد شناسایی و بازرسی عبور کرد. و این در حالی است که در «یوم کیپور» در ۲۳ کنسای تهران که مالا مال از جمعیت بودند، هیچ مشکل امنیتی وجود نداشت و کلیمیان با نهایت آرامش و آسودگی به اجرای مراسم دینی خود پرداختند. این امنیت خاطر اولاً برخاسته از روحیه احترام و مدارای مردم ایران است و ثانیاً ناشی از اقتدار پلیس می‌باشد. یشایی با ذکر حضور رئیس کلاتتری یوسف‌آباد (سرهنک رشیدی) و معاون عقیدتی سیاسی وی در مراسم کیپور در کنسای یوسف‌آباد تهران، آن را نمونه‌ای از ارتباط صمیمانه پلیس و مردم دانست و در پایان سخنان خود، اقتدار پلیس و حمایت از آن را به اجرای قانون و رعایت موازین اجتماعی از سوی مردم موکول کرد.

تشابه و وفاق ادیان توحیدی، محور آغازین سخنان سردار سرتیپ پاسدار مرتضی طلایی، فرمانده ناحیه انتظامی تهران بزرگ بود. وی اعتقاد به ارزش‌های توحیدی ادیان را عامل هماهنگی و همکاری مردم ایران و رویارویی آن‌ها در برابر اردوگاه ماده‌گرایی و ماتریالیسم دانست.

طلایی اظهار داشت: امروز این دشمن مشترک که به دنبال نفی مفهوم دین و اعتقادات توحیدی در هر شکل و قالبی است، با استفاده از ساز و کارهای فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی به نفی باورهای جوانان ما پرداخته است.

هدف از برپایی این نشست با متولیان و پیروان دیگر ادیان هموطن، آن است که میان پلیس و آنها یک گفتگو و تبادل افکار

گزارشی از پایگاه‌های تابستانی دانش‌آموزان کلیمی

پایگاه‌های آموزشی - تفریحی دانش‌آموزان کلیمی در تابستان ۸۲ با شرکت حدود ۳۰۰ دانش‌آموز در مقاطع ابتدایی و راهنمایی در ماه‌های تیر و مرداد در ۴ حوزه برگزار شد. بنابه گزارش مهندس روبرت خالدار، سرپرست پایگاه‌ها، استقبال از کلاس‌ها



و برنامه‌های تفریحی در سال جاری، مطلوب بوده و تعداد شرکت‌کنندگان نسبت به سال گذشته حدود ۲۵٪ رشد داشت. کلاس‌ها در روزهای فرد هر هفته از ساعت ۹/۳۰ الی ۱۲/۰ تشکیل شده و روزهای پنجشنبه به گردش و بازدیدهای تفریحی و فرهنگی شامل حضور در سینماها، تئاتر کانون پرورش فکری، گردش در پارک‌ها و نیز بازدید از کتابخانه مرکزی کلیمیان اختصاص یافته بود.

پایان‌بخش این برنامه ۲ ماهه، جشن شاد با حضور دانش‌آموزان، مسئولان و دبیران پایگاه‌ها در تالار اجتماعات مجانب بود. در ادامه، شرح مختصری از فعالیت پایگاه‌ها به تفکیک می‌آید:

۱- کنیسه‌ای ابریشمی و مجتمع موسی بن عمران :

این پایگاه به عنوان بزرگترین حوزه، پذیرای تقریباً نیمی از کل دانش‌آموزان تابستانی بود. به علت شروع تعمیرات داخلی این کنیسه، فعالیت پایگاه از اوایل مرداد ماه به بخش دبستان مجتمع موسی بن عمران منتقل شد.

کلاس‌های این پایگاه عبارت بودند از:

آموزش عبری مبتدی (رونیت خلیلی) - آموزش عبری سطح متوسط (ادنا اسحاقیان) - قرائت سیدور (کتاب نماز) مبتدی (بورام هارونیان) - قرائت نماز در سطح متوسط (سینا طوطیان) - ترجمه سیدور و متن نمازها در سطح پیشرفته (نیما رنگ‌کار) - تعلیمات دینی و فرهنگ یهود سطح پیشرفته (شهریار گرامی و

انجام شود تا بتوانیم با یک جهاد فکری و فرهنگی، امنیت و آرامش و انسجام اجتماعی را تحکیم بخشیم.

فرمانده پلیس تهران با اشاره به نظریه «امیل دورکیم» جامعه‌شناس معروف، گفت: مبنای نظم و امنیت اجتماعی، عامل اخلاقی است نه سیاسی و اقتصادی. نظم و امنیت فرآیندی غیرارادی است که از درون جامعه خودبخود می‌جوشد. آن چه که حافظ نظم و امنیت است، اخلاق می‌باشد و چنین نظام اخلاقی‌ای، منحصر به ادیان توحیدی است ... لذا ما معتقدیم دین قادر به اداره نظام سیاسی اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی کارآمد در جامعه است و این، رویکرد پلیس کشور نسبت به محیط اجتماعی است.

سردار طلایی، با اعلام شعار امروز پلیس مبنی بر «امنیت، مشارکت و توسعه پایدار»، متذکر شد که امنیت اجتماعی یک فرآیند تولید از سوی مردم و جامعه است و این فرآیند از کوچکترین و اصلی‌ترین سلول اجتماع یعنی خانواده آغاز می‌شود و وظیفه پلیس، حفظ پاسداشت نظم و امنیتی است که از عملکرد مردم ایجاد شده است. لذا امروز هر نمره‌ای که به پلیس برای برقراری امنیت بدهیم، در حقیقت آن نمره را به خود و مردم داده‌ایم.

وی در پایان، با ابلاغ سلام و ادب به تمام پیروان ادیان توحیدی ایران، از آنها خواست که پلیس کشور را در انجام وظایف خود یاری و همراهی نمایند.

در این مراسم، روحانیون چهار اقلیت کلیمی، زرتشتی، آشوری و ارمنی لوح‌های تقدیر را به فرماندهان نیروی انتظامی اهدا کردند که لوح ویژه رئیس پلیس تهران از سوی حاکم یوسف همدانی‌کهن، مرجع دینی کلیمیان ایران به سردار سرتیپ طلایی تقدیم شد.

در این همایش از سوی جامعه کلیمی، مهندس موریس معتمد نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی، هیئت مدیره و پرسنل انجمن کلیمیان تهران، مسئولین نهادهای جوانان، دانشجویان و بانوان یهود، مسئولین کانون فرهنگی هنری اجتماعی کلیمیان، دبیران تعلیمات دینی یهود تهران و جمعی دیگر از متولیان امور دینی و اجتماعی جامعه حضور داشتند.

تبریک

سرکار خانم دکتر شیرین عبادی

دریافت جایزه نوبل صلح برای یک بانوی هموطن ایرانی، موجب افتخار ایرانیان کلیمی است. هموطنان یهودی این واقعه خجسته تاریخی و ملی را به شما و ملت شرافتمند ایران تبریک می‌گویند.

انجمن کلیمیان تهران
سازمان بانوان یهود ایران

برنامه‌های سازمان دانشجویان یهود ایران

- ۲ مرداد- نهم آو و مشکلات جامعه یهودی: آرش آبانی
- ۹ مرداد- بحث و گفتگو با دکتر متخصص پوست و زیبایی
- ۲۳ مرداد- جشن سالگرد سازمان دانشجویان: گفتگو با هارون یشایایی (رئیس انجمن کلیمیان)
- ۲۸ مرداد- کنسرت موسیقی در تالار اجتماعات محبان
- ۳۰ مرداد- نظری بر گستره علم نانو تکنولوژی: نغمه عربزاده
- ۶ شهریور- جنگ شاد و مسابقه
- ۱۳ شهریور- اندر باب خدمت و خیانت روشنفکران: مهندس فرشید مرادیان
- ۲۶ شهریور - جشن سالگرد سازمان دانشجویان و میزگرد «دانشجوی یهودی: دیروز، امروز، فردا» با حضور هارون یشایایی
- ۲۴ مهر - جشن سوکا با برنامه موسیقی و پذیرایی

گزارش سازمان جوانان یهود گیشا

سازمان جوانان یهود گیشا تابستان امسال نیز مانند سال‌های گذشته کلاس‌های آموزشی خود را در رشته‌های آموزش سخت‌افزار کامپیوتر، آموزش Office، آموزش انگلیسی، آموزش عبری و عروسک‌سازی برگزار نمود. این کلاس‌ها با استقبال خوب همکیشان گرامی مواجه شد و با وجود کمبود امکانات آموزش و درخواست‌های مکرر، مسئولان این سازمان توانستند رضایت خاطر مخاطبان خویش را فراهم آورند.

در تاریخ دوشنبه ۳۱ شهریور یک تور دسته‌جمعی به مقصد جنگل‌های ۳۰۰۰ و ۲۰۰۰ تنکابن برگزار شد. جشنی نیز به مناسبت روش‌هشانا و سالگرد افتتاحیه سازمان گیشا سه‌شنبه ۱۹ شهریور در محل سازمان گیشا برگزار شد. این برنامه که شامل موسیقی، مسابقه و دکلمه و نمایشنامه طنز (کنسای ما) بود، با استقبال همکیشان مواجه شد.

سازمان گیشا قصد دارد به زودی برنامه‌های جنبی - تفریحی دیگری نیز برگزار نماید و علاقه‌مندان می‌توانند به محل سازمان مراجعه نموده از برنامه‌های آتی این نهاد مطلع شوند.

فعالیت ستاد خیریه کوروش

به مناسبت فرا رسیدن ایام روش‌هشانا و کپور سال ۵۷۶۴، ستاد خیریه کوروش با همکاری انجمن کلیمیان تهران طبق روال هر سال، اقلامی مانند برنج، روغن، گوشت، قند، شکر، تخم‌مرغ، خرما و ملزومات سفره شب‌های روش‌هشانا را در اختیار ۳۵۰ خانوار نیازمند کلیمی در تهران و شهرستان‌ها قرار داد. یعقوب یعقوب‌زاده، رحمت‌اله شیبته‌ای و اسکندر میکائیل، از دست‌اندرکاران این امر خیر بودند.

روبرت خالدار- گل‌آرایی (الیزا سله) - بخش کتابخانه (زرگر). سرپرستی این پایگاه به عهده مهندس روبرت خالدار بود.

۲- پایگاه مجتمع سرابندی:

کلاس‌های آموزش زبان عبری مبتدی و متوسط (نازنین عاقل - ساندرا خلیلی) - تعلیمات دینی و قرائت سیدور (پروین نطن باخما) - کلاس‌های هنری (مهناز یمینیان- بهاره میکائیل). سرپرستی این پایگاه را نغمه عاقل به عهده داشته است.

۳- پایگاه باغ‌صبا:

آموزش عبری و تعلیمات دینی دانش‌آموزان ابتدایی (شهین نکویی) - قرائت سیدور و تفیلا (نماز) با ترجمه همراه با آموزش عبری دانش‌آموزان مقطع راهنمایی (رحمن دلرحیم) - آموزش قرائت سیدور و تورات در مقطع راهنمایی (رامین سخایی) - کلاس‌های هنری (ژیبا نهانودی). سرپرستی این پایگاه را ژیلای یزدان‌پور به عهده داشت.

۴- پایگاه کنسای کوروش:

کلاس‌های این پایگاه شامل زبان عبری، قرائت سیدور و روایات مذهبی بودند. بخش ابتدایی توسط مریم نصرتی و بخش راهنمایی توسط پری حنوکایی که در ضمن سرپرستی این پایگاه را نیز برعهده داشت، اداره می‌شد.

جشن تقدیر از دانش‌آموزان ممتاز کلیمی



به همت کمیته فرهنگی و با همکاری کمیته جوانان انجمن کلیمیان، طبق روال هر ساله، جشن تقدیر از دانش‌آموزان ممتاز کلیمی به تفکیک مقاطع تحصیلی سه‌گانه، در سه شب (۱۳ تا ۱۵ آبان) در تالار اجتماعات کلیمیان (تالار محبان) برگزار شد.

در این مراسم که حدود ۴۰۰ نفر دانش‌آموز ممتاز با همراهی خانواده‌ها حضور داشتند، جمعی از مسئولان جامعه و دبیران تعلیمات دینی جوایز آنها را اهدا کردند.

گزارش کمیته جوانان

- اجرای برنامه توسط گروه موسیقی سنتی

در تاریخ اول مهرماه گروه موسیقی سنتی سازمان دانشجویان در تالار محبان چند برنامه موسیقی و آوازخوانی جهت همکیشان عزیز اجرا نمود که بسیار مورد توجه قرار گرفت. در این شب همگان شاهد پیشرفت چشمگیر این گروه در اجرای برنامه‌های خود بودند.

- پیروزی درخشان تیم والیبال گیبور

روز یکشنبه ۱۲ مرداد تیم والیبال گیبور در یک بازی دوستانه در سالن ورزشی همام موفق شد تیم آرات ارامنه را با نتیجه ۳-۰ شکست دهد.

اسامی بازیکنان تیم گیبور:

بیژن گل‌بهری، رامین اسحق، هوشنگ نفیس‌پور، دیویدحکاک، شهرام حوری‌زاده، شهریار حوری‌زاده، شهرزاد حوری‌زاده، شاهرخ حوری‌زاده، هومن پنیریان، شیمعون دانایی، سامان نامدار، دان یشاریم.

مربی: کامران تبریزی

سرپرست: رامین اسحق

- تشکیل تیم بسکتبال دختران

کلاس‌های بسکتبال دختران از اوائل شهریور ماه امسال و با همت دختران ورزشکار در باشگاه ورزشی گیبور کلیمیان تشکیل شده و روزهای یکشنبه و سه‌شنبه با حضور منظم ورزشکاران تمرینات انجام می‌گیرد. مربی‌گری تیم به عهده مهناز مرغزار و سرپرستی آن به عهده آزاده تشخیصی است.

- جشن سوکا در خانه جوانان یهود تهران

چهارشنبه ۲۳ مهر جشن سوکا (عید سلیه‌بان‌ها) در خانه جوانان با حضور عده کثیری از جوانان و خانواده‌های آنان برگزار شد. این مراسم که در محوطه بازسازی شده این نهاد اجرا شد با پذیرایی از جوانان و مسئولان جامعه توسط بوفه آن و نیز موسیقی زنده همراه بود.

- سایر فعالیت‌ها

سازمان دانشجویان در تاریخ‌های ۲۸ مرداد و اول مهرماه دو برنامه هنری در تالار محبان اجرا نمود که بسیار مورد توجه قرار گرفت، همچنین اعضای خانه جوانان علاوه بر برنامه‌های هفتگی خود اقدام به تأسیس بوفه در حیاط خانه جوانان نمودند که خوشبختانه مورد توجه همکیشان عزیز قرار گرفت و محل مناسبی برای گردهمایی جوانان و خانواده‌های آنان به وجود آورد تا ساعتی را در کنار یکدیگر و در یک محیط دوستانه به سر برند.

علاوه بر این جوانان سازمان یهود گیشا با اجرای چند برنامه هنری و برگزاری مسافرت‌های دسته‌جمعی امکانات مناسبی برای نزدیکی جوانان و خانواده‌های آنان بوجود آوردند. در شرق تهران نیز جوانان سازمان باغ‌صبا با اجرای چند برنامه در محل باغ‌صبا و برگزاری گردش‌های دسته‌جمعی کوشش نمودند تا ساعات خوبی را برای جوانان عزیز فراهم آورند.

روبرت شیرازیان،

مربی بسکتبال باشگاه‌های پرسپولیس

و بانک ملت

اوایل تیر ماه گذشته، به دعوت حسن میرزا آقا بیگ، مدیر و سرمربی تیم بسکتبال پرسپولیس تهران، روبرت شیرازیان، ورزشکار و مربی کلیمی و عضو باشگاه گیبور کلیمیان، به عنوان یکی از مربیان این باشگاه انتخاب و مشغول به کار شد. این تیم خود را برای مسابقات بزرگسالان دسته اول باشگاه‌های تهران آماده می‌کند.



همچنین به دعوت مسئولان ورزشی بانک ملت، شیرازیان به عنوان مربی بسکتبال جهت آموزش نونهالان و نوجوانان کارکنان این بانک در تابستان ۸۲ برگزیده شد. در مراسم اختتامیه این دوره آموزشی در ۱۶ شهریور ماه، از این مربی جوان کلیمی توسط مسئولان بانک ملت تقدیر به عمل آمد.

گزارش فعالیت مهدهای یلدای ۱ و ۲

وابسته به سازمان بانوان یهود ایران

مهد یلدای ۱: مهدکودک و آمادگی یلدای ۱ از آغاز سال تحصیلی ۱۳۸۱ ثبت‌نام و کار آموزش و تربیت کودکان همکیش یهودی سه مقطع مهد و پیش‌آمادگی و آمادگی با تعداد نفرات بیش از چهل نفر را شروع نمود. برنامه‌های آموزشی و تفریحی و تربیتی که در مهد برای کودکان انجام شد بدین قرار است:



- ۱- «برگزاری جلسه اولیا و مربیان با سرفصل ساماندهی به وضعیت کتابخانه و اتاق بازی مهدکودک» - بهمن ۸۱
- ۲- اجرای نمایش خلاق توسط بچه‌های هر سه مقطع در محل مهدکودک - بهمن ۸۱
- ۳- مراسم فارغ‌التحصیلی بچه‌های آمادگی و نمایش‌های خلاق هر سه مقطع در تالار محبان - خرداد ۸۲
- ج (تفریحی):
- ۱- برگزاری جشن تولد دسته‌جمعی بچه‌ها در مهدکودک (در چندین نوبت)
- ۲- پیک‌نیک دسته‌جمعی (پارک لاله) - اردیبهشت ۸۱
- ۳- شرکت کلیه بچه‌ها در تئاتر عروسکی فرهنگسرا - آذر ۸۱
- ۴- برگزاری جشن مذهبی ایلاتوت - دی ماه ۸۱
- ۵- شرکت کلیه بچه‌ها در برنامه سینما (فیلم شاد کلاه قرمزی و سروناز) - بهمن ۸۱
- ۶- موسیقی شاد و زنده و اجرای نمایش عروسکی برای بچه‌های مهدکودک در محل ساختمان سرابندی به مناسبت عید نوروز - اسفند ۸۱
- ۷- عکس‌های یادگاری با لباس‌های بالماسکه و حیوانات، از محل آرشیو لباس‌های مهدکودک - اسفند ۸۱
- د (بهداشت روانی):
- ۱- عناوین جلسات سخنرانی برگزار گردیده در این سال و نیز کارگاه‌های آموزشی برای والدین در ماه‌های مختلف به شرح زیر می‌باشد:
- ۲- سخنرانی روان‌شناسی افزایش روحیه و شادی‌آفرینی در کودکان - اردیبهشت ۸۱
- ۳- سخنرانی روان‌شناسی با عنوان رویارویی با رفتارهای خشم و پرخاشگری در کودکان - اردیبهشت ۸۱
- ۴- کارگاه آموزشی روش‌های یادگیری و آموزشی ریاضی به کودکان - آبان ۸۱
- ۵- جلسه پاسخگویی درخصوص مشکلات رفتاری و عاطفی کودکان - آذر ۸۱
- ۶- سخنرانی روان‌شناسی با عنوان چگونه هوش کودکانمان را بارور سازیم - دی ماه ۸۱

- ۱- آموزش‌های مختلف از جمله آموزش عبری و انگلیسی و پلی‌کپی‌های آموزش و موسیقی و شعر و نقاشی و کاردستی در واحدهای کار مختلف.
- ۲- برگزاری جشن‌های تولد و جشن‌های مذهبی و اعیاد.
- ۳- گردش‌های دسته‌جمعی و نمایش عروسکی در مهدکودک و خارج از مهد.
- ۴- دعوت از مشاوره روانشناسی به طور رایگان در مهد.
- ۵- برگزاری جشن نوروز ۱۳۸۲ در ۱۲ اسفند ماه ۱۳۸۱ در تالار محبان.
- ۶- برگزاری جشن پایان دوره آمادگی کودکان ۶ ساله در ۱۰ تیر ماه ۱۳۸۲ در سالن مهدکودک.
- برنامه‌های تابستانی شامل شنا و سفال و گردش‌های دسته‌جمعی بوده است.
- قابل ذکر است که سرویس در تمام مسبرهای زیر آماده ایاب و ذهاب کودکان می‌باشد:
- ۱- مسبر گرگان - پل چوبی - سپاه - حقوقی - فرصت - فردوسی - ولیعصر - بیمارستان مهر - جمهوری - دانشگاه.
- ۲- گرگان - میدان نامجو - باغ‌صبا - ملک - سلیم - شریعتی - سهرودی.
- مهد یلدای ۲:
- مهد کودک و آمادگی یلدای ۲ در سال تحصیلی ۸۱-۸۲ با فعالیت‌های معمول که مشتمل بر: کلاس‌های آموزشی (عبری، انگلیسی، سفال، نقاشی، ژیمناستیک، رقص و موسیقی) و نیز ارایه مفاهیم طبقه‌بندی شده فارسی، ریاضی و علوم در قالب واحدهای آموزشی توسط مربیان مجرب، برای هر سه مقطع مهد، پیش‌آمادگی و آمادگی، در خدمت کودکان عزیز یهودی بود. همچنین فوق برنامه‌های مهد کودک که به صورت طبقات کلی پنجگانه آموزشی، پرورشی، تفریحی، بهداشت روانی و بهداشت جسمانی برای این سال برنامه‌ریزی شده بود به قرار زیر اجرا گردید:
- الف (آموزشی):
- ۱- «بازدید بچه‌های آمادگی از مدرسه موسی بن عمران»، به منظور آشنا نمودن آنها با مفاهیم مدرسه، معلم و قوانین - اردیبهشت ۸۱
- ۲- «بازدید از کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان»، همزمان با برگزاری واحد آموزشی کتاب - دی ماه ۸۱
- ۳- فروشگاه اسباب‌بازی «بازدید از نمایشگاه شهر کتاب»، و خرید کتاب توسط خود بچه‌ها - خرداد ۸۲
- ب (پرورشی):
- ۱- «اجرای مراسم مذهبی براخای تورا به صورت دسته‌جمعی توسط بچه‌های آمادگی در کنسای یوسف‌آباد - اردیبهشت ۸۱
- ۲- «اجرای برنامه جمع‌آوری اسباب‌بازی‌های خشن و مروج خشونت (طرح یونیسف) در محل مهد کودک - اردیبهشت ۸۱
- ۳- «اجرای نمایش آموزشی احترام به والدین» در محل مهدکودک - دی ماه ۸۱

اخبار خارجی

نشست بزرگترین خاخام یهودیان با نمایندگان ایران و عربستان

سایت «بازتاب» گزارش داد: خاخام بزرگ اسرائیل، موضوع تبادل اسیران حزب‌الله و اسرائیل را با نمایندگان ایران و عربستان در قزاقستان به بحث و مذاکره می‌گذارد. برپایه این گزارش، خاخام «یونا متسیگر»، رئیس طایفه اشکنازی، ضمن اعلام این مطلب گفت: موضوع اسیران اسرائیل و حزب‌الله را در دیدار با نمایندگان عربستان و ایران در اجلاس قزاقستان بررسی خواهد کرد. وی مدعی شده در حاشیه نشست بزرگ یهودیان همچنین اختلافات جهان اسلام با رژیم اسرائیل، پیگیری پرونده «رون آراده»، خلبان مفقود شده اسرائیل در لبنان (۲۰ سال پیش)، مساله تروریسم و تبادل اسرای فلسطین و رژیم صهیونیستی را به بحث و گفت‌وگو خواهد گذاشت.

ایران ۸۲/۷/۳

جمعیت یهودیان آمریکا ۵ درصد کاهش یافت

جمعیت یهودیان آمریکا با ۵ درصد کاهش در ده سال گذشته به ۵/۲ میلیون نفر رسیده است. به گزارش ایرنا طبق آخرین بررسی که نتایج آن شهریور ماه در روزنامه نیویورک تایمز به چاپ رسید، پایین آمدن نرخ مولید در میان خانواده‌های یهودی و همچنین ازدواج‌های خویشاوندی باعث کاهش جمعیت یهودیان شده است. گزارش سنچس ملی جمعیت یهودی که در آمریکا منتشر شد و شش میلیون دلار هزینه صرف آن شده است، برای جامعه یهودی آمریکا حائز اهمیت می‌باشد. این سنچس، میزان موفقیت یهودیان در تلاش خود برای انتقال هویت مذهبی و نژادی از یک نسل به نسل دیگر را منعکس می‌سازد. نتایج به دست آمده در این سنچس حاکی است، یهودیان ساکن غرب آمریکا که ۲۲ درصد از کل جامعه یهودی را تشکیل می‌دهند، در مقایسه با سایر یهودیان به ویژه ساکنان شمال شرقی آمریکا علاقه کمتری نسبت به شرکت در مراسم مذهبی، ازدواج با هم‌مسلمانان خود و شرکت در جشن‌های مذهبی نشان می‌دهند.

نگرانی دیگری که این سنچس برای جامعه یهود به وجود آورده، این است که دو سوم از فرزندان افرادی که با پیروان ادیان دیگر ازدواج کرده‌اند، از دین یهود پیروی نمی‌کنند. جمعیت یهود آمریکا در مقایسه با سال ۱۹۹۰ با وجود هجوم مهاجران

- کارگاه آموزشی مشکلات یادگیری، دقت و تمرکز در کودکان - اردیبهشت ۸۲

- سخنرانی روان‌شناسی با عنوان «پرورش جنسی کودکان و نوجوانان» - خرداد ۸۲

هـ) بهداشت جسمانی:

درخصوص رسیدگی به وضعیت جسمانی کودکان عزیز یهودی، مهدکودک با دعوت از متخصصین مربوطه و معاینه کلیه بچه‌ها از جمله ویزیت دندانپزشکی، غربالگری، متخصص گفتار درمانگر و حرکت درمانگر، سعی در رسیدگی به وضعیت‌های طبی و پزشکی کودکان داشته است.

در پایان شایان ذکر است که مهدکودک‌های یلدا ۱ و ۲، با برنامه‌های گسترده متنوع مورد تأیید سازمان بهزیستی، آماده ثبت‌نام از کودکان عزیز یهودی هستند.

تسلیت

درگذشت یک خادم جامعه کلیمی

یحیی طالع، از فعالان دلسوز جامعه کلیمی و عضو هیئت مدیره پیشین انجمن کلیمیان تهران، همراه گذشته دارفانی را وداع گفت. هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران و نهادهای وابسته، این ضایعه را به فرزندان و وابستگان ایشان تسلیت می‌گویند و تعالی روح آن مرحوم را آرزومندند.

هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران

تسلیت

آقای اسحق کهن‌صدق

درگذشت برادر گرامیتان، یوسف کهن‌صدق را به حضرتعالی و وابستگان تسلیت گفته و برای آن مرحوم آمرزش طلب می‌کنیم.

هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران

تسلیت

فقدان یک هنرمند کلیمی

استاد عبدالله طالع همدانی آهنگساز و شاعر کلیمی ۱۸ آبان پس از عمری فعالیت هنری دارفانی را وداع گفت. این ضایعه را به بازماندگان آن مرحوم و جامعه هنری ایران تسلیت می‌گوییم.

هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران

پایگاه اینترنتی انجمن کلیمیان تهران

WWW.IRANJEWISH.COM

* مطالب و مقالات برگزیده مجلات افق بینا

* تاریخچه ایرانیان کلیمی

* بخش انگلیسی با گزیده مقالات بخش فارسی

این در حالی است که در نظرسنجی چهار ماه پیش دانشگاه یاد شده، ۵۸ درصد آنان خواستار قطع عملیات شهادت طلبانه بودند.

وی افزود: مردم فلسطین از زمان تشکیل رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ برای دستیابی به حقوق پایمال شده‌شان جنگ و مبارزه کرده‌اند و اکنون به آتش‌بس و صلح نیاز دارند تا در پرتو آن به اوضاع اقتصادی و اجتماعی خود سروسامان دهند.

این کارشناس لبنانی خاطرنشان کرد: بیشتر نهادهای اجتماعی، آموزشی و نیز سیاسی وابسته به دولت خودگردان فلسطین که در جریان یورش‌های ارتش رژیم «اسرائیل» به شهرهای فلسطینی از بین رفته‌اند، به زمان و بودجه کافی برای بازسازی نیاز دارند. به گفته «ابوفخر» از آغاز انتفاضه در سپتامبر سال ۲۰۰۰ میلادی تاکنون نهادها و موسسات آموزشی شامل مدارس و دانشگاه‌ها بیشترین زیان را دیده‌اند و دانش‌آموزان و دانشجویان فلسطینی در این مدت به دلیل سیاست نظامی‌گری «اسرائیل» از ادامه تحصیل محروم مانده‌اند.

وی اضافه کرد: مردم فلسطین برای گرفتن حق از دست رفته خود راه‌ها و سازوکارهای گوناگونی در اختیار دارند که شامل مبارزه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و رسانه‌ای است و نباید پنداشت که مبارزه تنها در بعد نظامی و عملیاتی آن خلاصه می‌شود.

از سال ۲۰۰۰ میلادی تاکنون گروه‌های فلسطینی ۲۴۲ عملیات انجام داده‌اند که سهم حماس ۸۹ عملیات، جنبش جهاد اسلامی ۵۹ عملیات، جنبش فتح ۵۸ عملیات و جبهه خلق برای آزادی فلسطین ۸ عملیات بوده و ۲۸ عملیات نیز به وسیله سازمان‌های دیگر اجرا شده است.

پاسخ‌نو ۱۲/۵/۲۶

امتناع گروهی از خلبانان اسرائیلی از شرکت در عملیات ترور

گروهی از خلبانان نیروی هوایی رژیم اسرائیل اعلام کردند، از شرکت در عملیات‌هایی که جان غیرنظامیان را در نوار غزه و کرانه باختری به خطر بیاندازد، خودداری می‌کنند. روزنامه گاردین نوشت، ۲۷ تن از خلبانان نیروی هوایی اسرائیل در نامه‌ای به فرمانده این نیرو از انجام وظایف‌شان امتناع کردند. این خلبانان در عملیات‌های ردگیری و کشتار در نوار غزه و کرانه باختری شرکت می‌کردند. موشه یعالون، رئیس ستاد مشترک ارتش اسرائیل در این رابطه اعلام کرد که این خلبانان به دلیل انتشار بیانیه غیرقانونی و ممنوع می‌توانند تنبیه شوند.

شرق ۱۲/۷/۵

یهودی از کشورهای عضو شوروی سابق، ۳۰۰ هزار نفر کاهش یافته است. براساس این سنجش، یهودیان آمریکا همچنین تمایل به ازدواج در سنین بالاتر داشته، در مقایسه با سایر مردم آمریکا نرخ مولید آنها کمتر و میزان تحصیلات آنها بالاتر است. این گزارش همچنین حاکی است با وجود کاهش جمعیت یهود، تعداد فرزندان که در مدارس یهودی ثبت‌نام می‌کنند و همچنین تعداد کسانی که روابط عاطفی قوی با اسرائیل دارند، افزایش یافته است.

دو سوم افراد بزرگسال احساس وابستگی شدید عاطفی با اسرائیل دارند، در حالی که تنها ۳۵ درصد از آنها به اسرائیل سفر کرده‌اند.

مشمهری ۱۲/۶/۲۵

مسابقات تیم‌های اروپایی یهودیان

نمایندگان تیم‌های ورزشی یهودیان از سی کشور اروپایی در رشته‌های ورزشی فوتبال، والیبال، تنیس، کاراته، بسکتبال و اسکواش با یکدیگر به رقابت پرداختند. این رقابت‌ها طی یک هفته (از ۱۳ تا ۳۰ تیرماه) در شهر آنتورپ بلژیک برگزار شد. در این مسابقات ترکیه مقام سوم را کسب نمود، آلمان مدال نقره و فرانسه به مدال طلا دست یافت.

(Jüd.Allg./2003)

انجمن کلیمیان اتریش و مشکلات اقتصادی

با وجود اینکه سال‌ها انجمن یهودیان اتریش از جمله ثروتمندترین انجمن‌های اروپا شمرده می‌شد، هم اکنون با مشکلات اقتصادی شدیدی روبروست. این انجمن به طور متوسط سالانه ۲/۷ میلیون یورو کسر بودجه دارد و عامل اصلی آن مخارج زیاد امنیتی است. تنها سالانه ۲ میلیون یورو برای محافظت از کنیساها، مدارس، خانه سالمندان و سایر اماکن متعلق به یهودیان در این کشور هزینه می‌شود. علاوه بر آن عدم پرداخت خسارت مربوط به دوران جنگ جهانی دوم توسط دولت، به این کسری دامن می‌زند.

(Jüd.Allg./ 2003)

۷۲ درصد فلسطینی‌ها

با عملیات شهادت طلبانه مخالفند

مهر ابوفخر کارشناس سیاسی مسائل اسرائیل و فلسطین گفت: براساس نظرسنجی تیرماه ۸۲ دانشگاه «بیرزیت» ناپلس در کرانه باختری رود اردن، ۷۲ درصد فلسطینیان با عملیات شهادت طلبانه مخالفند.



گزارشی از فعالیت‌های

نمایندہ ایرانیان کلیمی

در مجلس شورای اسلامی

دینی کشور داشته و قول مساعد داد که به محض وصول لایحه به مجمع، اولویت رسیدگی به آن تعلق گیرد. مهندس معتمد معتقد است که به جهت وجود فضای مثبت در مجمع، این لایحه به تصویب خواهد رسید و به زودی شاهد ابلاغ آن به محاکم قضایی خواهیم بود.

نمایندہ کلیمیان به همراه تنی چند از دیگر نمایندگان مجلس در ۲۷ اردیبهشت ماه با آیت‌الله خامنه‌ای، مقام معظم رهبری دیدار نمود. وی در فرصتی که برای سخنرانی داشت، ابتدا از عنایات خاص رهبر جمهوری اسلامی در عفو و آزادی زندانیان یهودی شیراز تشکر نمود. معتمد در ادامه، ضمن طرح برخی مشکلات موجود برای جامعه کلیمیان ایران، برخی تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌های روا داشته شده نسبت به کلیمیان به ویژه برداشت و تلقی بعضی از قضات در مورد حقوق اقلیت‌های دینی بدون توجه به اصل ۱۳ و سایر اصول قانون اساسی و مخصوصاً تبعیض در مواردی که پرونده ایرانیان کلیمی مطرح می‌باشد را در دادگاه‌های انقلاب متذکر شد. همچنین خدمت مقام رهبری عرض شد که متأسفانه در برخی موارد، قضات دادگاه‌ها، اقلیت‌های دینی به رسمیت شناخته شده در قانون اساسی کشور را در زمره کفار محسوب کرده و اقدام به صدور رای برخلاف منافع شهروندان اقلیت می‌نمایند. در خاتمه، مهندس معتمد از آقای خامنه‌ای تقاضای ترتیب دیدار مسئولان و نمایندگان نهادهای جامعه کلیمیان ایران با ایشان را طرح کرد که رهبر انقلاب با این

شرع، اعتراض نمود که رئیس قوه قضاییه در این زمینه قول مساعدت داد.

تقاضا و پیگیری لایحه برابری دیه اقلیت‌های دینی رسمی کشور با اکثریت هموطنان از عمده فعالیت‌های نماینده کلیمیان و سایر نمایندگان اقلیت‌ها در ماه‌های اخیر بوده است. این لایحه، در دو نوبت در صحن مجلس طرح شد و در هر دو نوبت با حداقل ۸۰٪ آرا به تصویب رسید. لایحه مذکور در شورای نگهبان مورد مخالفت قرار گرفت و به تصویب نرسید. بنا به درخواست نمایندگان اقلیت‌های دینی مبنی بر ارسال لایحه به مجمع تشخیص مصلحت نظام، این مورد در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس بررسی شد و اعضای کمیسیون به اتفاق آرا، ارسال آن را به مجمع تصویب کردند.

خدمت مقام رهبری عرض شد که متأسفانه در برخی موارد، قضات دادگاه‌ها، اقلیت‌های دینی به رسمیت شناخته شده در قانون اساسی کشور را در زمره کفار محسوب کرده و اقدام به صدور رای برخلاف منافع شهروندان اقلیت می‌نمایند

در این ارتباط، نمایندگان اقلیت‌ها با حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت در اردیبهشت ماه ملاقات کرده و خواستار مساعدت مجمع در تصویب لایحه برابری دیه شدند. رئیس مجمع خوشبختانه دیدگاه مثبتی نسبت به اقلیت‌های

مهندس موریس معتمد، نماینده ایرانیان کلیمی در دوره ششم مجلس شورای اسلامی، از نمایندگان فعال مجلس است که در دو حوزه وظایف، اول به عنوان یکی از نمایندگان مردم ایران در پارلمان کشور و نیز وکالت جامعه یهودیان ایران در مجلس فعالیت دارد. وی که عضو کمیسیون انرژی است، علاوه بر بررسی‌های سیاسی و فرهنگی معمول، به پیگیری امور فنی و اقتصادی حوزه انرژی کشور در حیطه قوه مقننه نیز مشغول است. معتمد، گزارش فعالیت‌های خود را معمولاً هر ماه در کنسایش‌های بزرگ تهران به اطلاع مردم می‌رساند، ضمن آن که نطق‌های پیش از دستور وی به تفصیل در گزارش روزنامه‌ها و گاه در برنامه‌های سیمای جمهوری اسلامی ارائه می‌شود. گزارش حاضر، چکیده‌ای از فعالیت‌های نماینده کلیمیان در ۶ ماهه اول سال ۸۲ است که حاصل مصاحبه مجله بینا با اوست.

در فروردین ماه ۸۲، ملاقاتی از طرف نمایندگان اقلیت‌های دینی مجلس با آیت‌الله شاهرودی رئیس قوه قضاییه برای طرح برخی مسائل انجام شد. در این ملاقات، نماینده کلیمیان علاوه بر عنوان مشکلات جوامع اقلیت‌های دینی کشور در مراجع و محاکم قضایی، با اشاره به مشکلات اجرای اصول ۴۹ قانون اساسی و ۸۸۱ مکرر قانون احوال شخصیه، نسبت به رویه برخی قضات به ویژه در دادگاه انقلاب در کافر شناختن اقلیت‌های دینی کشور و صدور آرای خلاف عدالت و

• بنا به مراجعات مکرر سربازان کلیمی و خانواده‌های آنان مبنی بر مشکلات انجام فرایض دینی و تامین غذای کاشر در مناطق دورافتاده یا شهرهای غیر یهودی‌نشین، در ماه‌های اخیر ملاقات‌های متعددی با معاونت پارلمانی نیروی انتظامی به عمل آمد و در توافقی با نماینده کلیمیان در مجلس، قرار شد تربیتی اتخاذ شود تا مشمولان وظیفه کلیمی پس از طی دوره آموزشی بتوانند ادامه دوران خدمت را در شهرهای محل اقامت خود بگذرانند تا از نظر اجرای فرایض شرعی و تامین غذا دچار مشکل نگردند.

• در نیمه اول سال ۸۲، دو سفر خارج از کشور به عنوان ماموریت‌های پارلمانی توسط مهندس معتمد انجام شد. مورد اول، سفر به کشور استرالیا و بازدید از پارلمان‌های این کشور در شهرهای سیدنی، کامبرا و ملبورن بود. نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی، نایب رئیس هیئت دوستی پارلمان‌های ایران و استرالیا بوده و سفر مذکور در راستای انجام وظایف همین هیئت صورت گرفت. در این ماموریت، فرصتی پیش آمد تا نماینده کلیمیان ایران در جمع یهودیان و مسئولان انجمن کلیمیان سیدنی حضور یابد و با آنها به گفتگو بنشیند که این حضور با استقبال جامعه یهودیان استرالیا روبرو شد.

سفر دوم، ماموریتی از سوی کمیسیون انرژی مجلس بود که بازدید از تأسیسات نفتی دو کشور سنگاپور و مالزی و به ویژه بررسی تأسیسات نفتی شرکت «پتروناس» مالزی را در بر می‌گرفت.

• مهندس معتمد از زمان شروع به خدمت در مجلس به عنوان نماینده کلیمیان، هر هفته روزهای یکشنبه و سه‌شنبه از ساعت ۱۷/۳۰ الی ۲۱ در دفتر امور مردم و مجلس حضور یافته و پذیرای مراجعات مردمی بوده است. متوسط تعداد مراجعین در هر روز تقریباً ۷ نفر بوده است که در تمامی موارد، جهت حل مسائل و مشکلات موکلان، اقدام به ارسال نامه و یا پیگیری موارد شده است. ■

تقاضای دیدار و گفتگو با جامعه کلیمی ایران را نمود که رئیس جمهور با حضور در یکی از کنیسه‌های تهران در آینده نزدیک موافقت نمود.

مذاکراتی از سوی معتمد و بت‌کلیا (نمایندگان کلیمیان و آشوریان) با حاجی، وزیر آموزش و پرورش به عمل آمد و حاصل آن، موافقت وزیر با استخدام ۲۰۰ نفر از میان اقلیت‌های دینی بود

• روز یکشنبه ۶ مهرماه، در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، جاسم شدیدزاده، نماینده مردم اهواز در نطق پیش از دستور خود، تمامی مشکلات و مسائل قومی اعراب ساکن خوزستان را ناشی از فتنه یهودیان و دین یهود اعلام کرد و حتی اختلافات بین شیعیان و اهل سنت در منطقه را نیز متوجه یهودیت دانست. در این جلسه، نماینده کلیمیان به شدت به سخنان مذکور اعتراض کرد و طی سخنانی در صحن مجلس، با ذکر مختصر تاریخچه‌ای از حضور ریشه‌دار و کهن یهودیان در ایران و همراهی و هماهنگی آنان با سایر هموطنان خود در طول تاریخ و به ویژه در سال‌های پس از انقلاب، ادعاهای نماینده اهواز را کاملاً پوچ و بی‌اساس خواند و آن را مصداق پایمال کردن حقوق جامعه یهودی و خون شهدای کلیمی در جنگ تحمیلی ایران و عراق اعلام کرد.

سخنان اعتراض‌آمیز موریس معتمد با تشویق و حمایت اکثر نمایندگان حاضر در مجلس روبرو شد و حجت‌الاسلام کروبی، رئیس مجلس نیز ضمن تایید صحبت‌های نماینده کلیمیان، مجدداً بر جدایی یهودیت و صهیونیسم تاکید و با تبریک سال نوی عبری به کلیمان ایران، همراهی و وفاداری این اقلیت دینی را با ملت ایران خاطرنشان کرد. در پایان این جلسه، شدیدزاده با گفتگویی دوستانه با معتمد، سخنان خود را اصلاح کرد و خواستار رفع سوء تفاهم از سوی نماینده کلیمیان شد.

تقاضا موافقت کردند و انتظار می‌رود در ماه‌های آینده این دیدار انجام پذیرد.

• در ارتباط با مشکل استخدام دبیران کادر آموزشی اقلیت‌های دینی کشور در وزارت آموزش و پرورش که چندین سال است به دلایل خاص انجام نمی‌گیرد، مذاکراتی از سوی معتمد و بت‌کلیا (نمایندگان کلیمیان و آشوریان) با حاجی، وزیر آموزش و پرورش به عمل آمد و حاصل آن، موافقت وزیر با استخدام ۲۰۰ نفر از میان اقلیت‌های دینی بود. از جمله مشکلات اجرای این موافقتنامه، گذراندن آزمون ادواری استخدامی برای متقاضیان استخدام در ادارات دولتی بود که با توجه به اجرای آزمون در آذرماه سال ۸۱ و اخذ موافقت مذکور در اواخر سال ۸۱، با تلاش زیاد و مراجعات مکرر نمایندگان، این شرط حذف و تنها شرکت در یک آزمون ورودی به عنوان راه حل استخدام کادر آموزشی اقلیت‌های دینی طرح و تصویب شد. لذا امید می‌رود در ماه‌های مهر یا آبان، با درج آگهی استخدام در جراید، امتحان مذکور به طور همزمان در مراکز استان‌ها برگزار و دبیران اقلیت‌های دینی در این وزارتخانه به طور رسمی مشغول به کار شوند.

• با توجه به این که در دیدار نمایندگان اقلیت‌های دینی با ریاست جمهوری که در اوایل تیرماه انجام شد، نماینده کلیمیان به علت ماموریت خارج از کشور از سوی مجلس حضور نداشت، بنا به تقاضای وی دیدار ویژه‌ای با رئیس جمهور در مرداد ماه ترتیب داده شد. در این جلسه، ضمن طرح برخی مشکلات و گفتگو درباره رفع آنها، مهندس معتمد از مساعدت‌ها و موافقت ریاست جمهوری با تخصیص بودجه جهت اقلیت‌های دینی کشور، تشکر نمود (قرار است در سال ۸۲، از بودجه نهاد ریاست جمهوری یک ردیف ویژه برای فعالیت‌های فرهنگی، ورزشی و اجتماعی اقلیت‌های دینی کشور اختصاص داده شود). نماینده کلیمیان در ادامه، با قدردانی از حجت‌الاسلام سید محمد خاتمی به خاطر تلاش‌ها و مساعدت‌های قوه مجریه در رسیدگی به امور اقلیت‌های دینی، از وی



جمعی از شرکت‌کنندگان همایش

گزارش حضور هیئت ایرانی در همایش جهانی بنیاد یادبود فرهنگ یهود

(۲۸ مرداد - ۶ شهریور ۱۳۸۲، سوئد)

آرش آسانی

یهودی در قرن ۲۱»، آرش آسانی ضمن توضیحاتی درباره جهان اسلام و نزدیکی بسیاری از احکام و عقاید آن با یهود، بر لزوم ارتباط دینی و فرهنگی و گفتگو با اندیشمندان مسلمان تاکید نمود. وی نمونه‌هایی از اقدامات و مذاکرات مسئولان جامعه یهودی ایران با رهبران مذهبی-سیاسی جمهوری اسلامی را برای رفع سوءتفاهم‌ها و حل مشکلات جامعه برشمرد و آنها را نشانه اثر عمیق گفتگو و شناخت متقابل بر همزیستی مسالمت‌آمیز یک جامعه اقلیت مذهبی در کشوری اسلامی دانست.

مرجان یشایایی نیز در همین جلسه، ضمن تاکید بر قداست معنوی سرزمین و اماکن مقدس اسرائیل نزد یهودیان، موضع یهودیان ایران نسبت به وقایع سیاسی اسرائیل را تشریح نمود.

به طور بسیار خلاصه می‌توان گفت که حاصل و دستاوردهای این سفر در موارد زیر گنجانده می‌شوند:

- ۱- آموزش‌های دینی-اجتماعی نوین در تفکر یهودیان معاصر که بخشی از آنها قابل پیاده شدن در جامعه ایرانی است.
- ۲- آشنایی با فرهنگ و مشکلات یهودیان دیگر جوامع.
- ۳- آشنا شدن نمایندگان یهودیان دیگر نقاط جهان با وضعیت کلیمیان ایران.
- ۴- الگو گرفتن از تجربیات دیگر جوامع در آموزش و انسجام جوانان یهودی.
- ۵- ارزشیابی واقع‌بینانه از جایگاه و وضعیت جامعه یهودی ایران در مقایسه با دیگر جوامع.
- ۶- ارائه نظریات جدید درباره جهان اسلام از طرف هیئت ایرانی به حاضران.

چکیده‌ای از سخنرانی‌های ارائه شده در این برنامه به شرح زیر است:

(حدود ۴۰ نفر از کشورهای مختلف جهان)، برنامه‌ها از روز چهارشنبه ۲۹ مرداد آغاز شدند. برنامه‌های روزانه کلاً به ۳ قسمت تقسیم شده بودند: ۸ صبح تا ۱۲ ظهر: سخنرانی درباره موضوع‌های مختلف مذهبی و اجتماعی، ۲ تا ۷ بعدازظهر: کارگاه‌های آموزشی مطالعه متون دینی و بحث‌های اجتماعی، و جلسات گروه‌های کاری شناخت جوامع یهودی از ساعت ۸ الی ۱۰ شب.

لازم به ذکر است که ایرانیان برای اولین بار در این سمینار حاضر می‌شدند و لذا بسیار مورد استقبال و توجه سایر شرکت‌کنندگان قرار گرفتند. باورهای ایشان نسبت به وضعیت کلیمیان ایرانی بسیار دور از واقعیت بود که با توضیحات مفصل شرکت‌کنندگان ایرانی، واقعیات موجود به ایشان ارائه شد.

نیز تشکیل نمایشگاهی از آثار فرهنگی هنری یهودیان ایران مانند مجلات، کتب، فرش‌های کلیمی‌باف و عکس‌هایی از آثار مذهبی یهودیان ایران، به مدت ۴ روز توجه کلیه شرکت‌کنندگان را به خود معطوف داشته بود.

همچنین در تمام جلسات سخنرانی، بحث

گروهی و کارگاه‌های آموزشی، نمایندگان انجمن تهران حضور فعال داشته و در موارد لزوم، اظهار نظر کرده و یا با حاضرین و اساتید مدعو، به تبادل نظر می‌پرداختند.

در یکی از جلسات میزگرد با عنوان «چالش‌ها و مسئولیت‌های رهبران جوامع

سمینار سالانه فرهنگ یهود یک برنامه سالانه آموزشی تحقیقاتی است که به بنیاد یادبود فرهنگ یهود (Memorial Foundation for Jewish Culture) مستقر در نیویورک وابسته است. این بنیاد به منظور آشنایی جوانان و مسئولین جوان جوامع مختلف یهودی جهان با یکدیگر و تبادل تجربیات و بررسی مشکلات، هر سال برگزار می‌شود و کنفرانس سال ۲۰۰۳، دوازدهمین دوره این برنامه‌ها بود که در سوئد برگزار شد.

پس از فراخوان این سمینار، که پیش‌نیاز اصلی آن، تسلط به زبان انگلیسی و بهره‌مندی از آموزش‌های فرهنگی-دینی یهود بود، فرم‌های مربوطه برای ۱۰ نفر از جوانان تهران و شهرستان ارسال شد که در نهایت، مرجان یشایایی، آرش آسانی و فرهاد افرامیان از طرف انجمن کلیمیان به همایش اعزام شدند.

طبق قرار قبلی، کلیه شرکت‌کنندگان روز سه‌شنبه ۲۸ مرداد در فرودگاه استکهلم حاضر شده و به منطقه اردوگاهی «گلاستا» که متعلق به انجمن کلیمیان سوئد است و ۲ ساعت تا شهر فاصله دارد منتقل شدند.

پس از آشنایی با مسئولین و حاضران



دکتر هوشیار، مدیر اجرایی برنامه در کنار هیئت ایرانی



کتابخانه کسروانیو استکهلم

***پروفسور جانان سارنا^۱ روز**
چهارشنبه ۲۹ مرداد به بررسی وضعیت فعلی جوامع یهودی در سراسر جهان و رابطه یهودیان با هموطنان خود پرداخت. وی با ارائه آماری اظهار داشت که جوامع پراکنده یهودی پس از وقایع هولوکاست در جنگ جهانی دوم، تمایل به مهاجرت به کشورهای دارای قدرت اقتصادی بهتر و دارای رفاه اجتماعی بیشتر داشته‌اند و هم‌اکنون ۹۰٪ جمعیت یهودی در ۱۴ کشور متمرکز و منسجم شده است.

پروفسور سارنا ضمن طرح مسئله موروثی بودن یا اکتسابی بودن دین یهود، با اشاره به ازدواج‌های مختلط به عنوان مهمترین عامل تهدید جامعه‌های یهودی، گرایش به شکل انتخابی و اکتسابی عقاید دینی را در کنار آموزش‌های نوین مذهبی، راه‌حلی برای رفع خطر اضمحلال جوامع یهودی دانست.

این استاد دانشگاه در ادامه سخنان خود در روز پنجشنبه ۳۰ مرداد، به تفاوت مفهوم دیاسپورا (یهودیان در سرزمین‌های خارج از اسرائیل) در گذشته و حال پرداخت. معنای سنتی دیاسپورا، یهودیانی بودند که قادر به سازمان‌دهی و انسجام نبودند. به همین دلیل، احساس مخالفت و نفی تبعید^۲ همواره در میان یهودیان پراکنده وجود داشته است. اما با آغاز جنبش یهودیان نواندیش^۳ در سده ۱۹ میلادی، از دیاسپورا به عنوان یک برکت برای جامعه یهود جهانی یاد شد که فرصت حضور و کسب تجربه در سراسر جهان را از طریق آن پراکندگی اولیه بعد از ویرانی بیت‌المقدس پیدا کردند.

^۱ Prof. Jonathan Sarna

^۲ negation of diaspora

^۳ Liberal Progressive

بحث بعدی

پروفسور سارنا حول محور جایگاه کشور اسرائیل در جامعه یهود جهانی طرح شد که آیا اسرائیل به عنوان یک وطن مطرح است یا به عنوان یک سرزمین مقدس و زیارتگاه مذهبی؟ و این که آیا هر جامعه یهودی در هر نقطه‌ای از جهان مسئول

وضعیت و وقایع جاری در اسرائیل است یا نه؟

*پروفسور اوری سیمون^۴

سخنران روزهای جمعه و شنبه ۳۱ مرداد و اول شهریور ماه درباره نقش و حضور زن در تورات و سایر کتب مقدس یهود (عهد عتیق) بود. وی با برشمردن آیات و فصولی از کتاب مقدس، فضای زمان نگارش و نزول تورات را عامل نگاه خاص به زن دانست و لزوم رهبری مرد در خانواده و اجتماع را معطوف به آن اعلام نمود. پروفسور سیمون دیدگاه‌های متعدد تفکر سنتی و روشنفکری در یهودیت امروزی را درباره جایگاه زن توضیح داد.

*پروفسور شالوم روزنبرگ^۵

چکیده‌ای از فلسفه یهود و پست مدرنیسم در جامعه یهودی را در سخنان روز یکشنبه ۲ مرداد عنوان نمود.

او با ترسیم ارتباط انسان، خدا و جهان با مقوله‌های خلقت، وحی و نجات به بررسی دیدگاه‌های فلسفی یهود در این موارد پرداخت. در ادامه، وظایف انسان درباره سه مقوله خلقت، وحی و نجات، به ترتیب ایمان، صواب (میصوا) و امید (نگاه به آینده) ذکر شد. در دیدگاه‌های مدرنیستی، این سه وظیفه معنوی و دینی به شکل‌های دیگری تعبیر و تبدیل شدند، به طوری که ایمان به علم تبدیل شد، صواب و احکام دینی به ارزش‌های اخلاقی، و امید به نجات به اوتوپیا و آرمانشهر تعبیر گشت.

و سرانجام در دیدگاه پست مدرن، ایمان و علم به شک تبدیل، صواب و ارزش‌ها به کنترل نفس، و امید و آرمانشهر به یأس تعبیر گشتند.

^۴ Prof. Uri Simon

^۵ Prof. Shalom Rosenberg

*پروفسور زوی گیتلمن^۶

در همین روز به تشریح وضعیت یهودیان روسیه و جمهوری‌های سابق شوروی با ذکر آمار و نرخ مهاجرت ایشان پرداخت.

*دکتر ربای ژاکوب ج. شختر^۷

روز سه‌شنبه ۴ شهریور به بررسی آموزه‌های سنتی خاخامی یهود و مقایسه آن با زندگی دینی روزمره یهودیان پرداخت. وی با تأکید بر عبادت و انجام فرایض دینی توأم با رضایت و پذیرش درونی، اقتناع و درک شخصی از دستورات دین را بسیار مهم دانست. در ادامه، خانم پروفسور آدا آلبرت^۸ به بررسی برخی تفاسیر عرفانی آیات تورات پرداخت.

آخرین روز همایش (چهارشنبه ۵ مرداد) به میزگردی درباره چالش‌ها و مسئولیت‌های رهبران جوامع یهودی در قرن ۲۱ اختصاص یافت. در این میزگرد که دکتر استیون بایم^۹، خانم جون جاکوبز^{۱۰} رئیس برنامه بنیاد یادبود فرهنگ یهود، خانم هلنا رئیس انجمن کلیمیان استکهلم و دکتر پائول ترنر^{۱۱} نماینده جوانان همایش حضور داشتند، نکات زیر مطرح شدند:

- ۱- کاهش و تغییر ادبیات خشونت‌آمیز در ذکر تاریخ معاصر یهود و رویکرد به ادبیات ارزش‌های مشترک فرهنگی یهودیان و نیز تعریف مجدد و نوینی از هویت یهودی.
- ۲- ایجاد یک قرارداد مشترک اجتماعی واحد میان یهودیان با گرایش‌های مختلف مذهبی جهت مقابله با چالش‌های جهان یهود.
- ۳- توجه به این نکته که دغدغه‌ها و کنجکاوی‌های معمول یهودیان درباره ارزش‌ها و وضعیت جامعه یهودی رو به کاهش است.
- ۴- ازدواج‌های مختلط (با غیریهودیان) مهمترین عامل نگرانی رهبران اکثر جوامع یهودی است.
- ۵- تأکید بر اهمیت آموزش مبانی اعتقادی و ارزشی دینی یهود.

^۶ Prof. Zvi Gittelman

^۷ Dr. J. J. Schacter

^۸ Prof. Ada Rapoport-Albert

^۹ Dr. Steven Byrne

^{۱۰} Mrs. June Jacobs

^{۱۱} Dr. Paul Turner

آنها عضو انجمن هستند. عضویت انجمن با پرداختن حق عضویت میسر است که از آن طریق یهودیان می‌توانند از امکانات خبررسانی، رفاهی و اجتماعی و تا حدودی مذهبی انجمن استفاده کنند. علت عدم پرداخت حق عضویت از سوی نیمی از جامعه، بالا بودن درصد مالیات بر درآمد در سوئد (بیش از ۳۳ درصد حقوق) عنوان شد.

- از مشکلات عمده جامعه یهودیان استکهلم با دولت سوئد، منع «میلا» (ختنه مذهبی) و «شحیطا» (ذبح شرعی کلیمیان) بود که موضوع مورد مذاکره یهودیان و مسلمانان با مقامات این کشور است.

- در استکهلم، یک کنیسای کنسرواتو (یهودیان معتقد به برابری زن و مرد در تمام احکام و مراسم دینی) و دو کنیسای ارتودوکس (یهودیان اشکنازی پایبند به سنت‌های کلاسیک) وجود دارند. همچنین یک مدرسه یهودی نیز در مجاورت یکی از کنیساها دایر است.

- میزان آگاهی شرکت‌گذاشتگان درباره ایران و کلیمیان ایران بسیار محدود و ناچیز بود. حتی بسیاری از آنان از وجود آرامگاه‌های اثبای یهود (استر و مردخای، حقوق و دانیال نبی) در ایران بی‌خبر بودند و فعالیت‌های گسترده اجتماعی مذهبی کلیمیان و ارتباطات عادی و مستحکم ایشان با هموطنان

مسلمان و نیز مسئولان کشوری، اکثر آنها را به تعجب واداشته بود.

- در یکی از مراسم نیایش صبحگاهی، ۶ نفر از یهودیان روسیه و جمهوری‌های سابق شوروی که به علت حکومت قدیم کمونیسم، فاقد نام مذهبی عبری بودند، با حضور یک ربای (حاخام) و در مقابل تومار تورات، نام‌های عبری را برای خود برگزیدند و مراسم جشنی به همین مناسبت در آن کنیسا برگزار شد. ■



مراسم نامگذاری عبری برای جوانان جمهوری‌های سابق شوروی در کنیسای گلاست

فرهاد افرامیان شکل گرفت و مسابقاتی دوستانه نیز برگزار شدند.

- نظم فوق‌العاده و برنامه‌ریزی دقیق ۱۰ روزه در محیط همایش بسیار چشمگیر بود، به طوری که تمام سخنرانی‌ها، کارگاه‌ها، بحث‌های گروهی، ساعات صرف غذا و برنامه‌های رفت و آمد و استقرار افراد دقیقاً مطابق جدولی که از ۶ ماه قبل برای شرکت‌کنندگان ارسال شده بود، انجام شدند. تنها مورد استثناء، تهیه عکس دسته‌جمعی در فضای باز محوطه بود که به علت بارندگی شدید، دو روز به تعویق افتاد!

- در بازدیدی که از انجمن کلیمیان سوئد در استکهلم به عمل آمد، اعلام شد که جمعیت یهودیان استکهلم حدود ۱۰,۰۰۰ نفر است که تنها ۵,۰۰۰ نفر

۶- بررسی روابط یهودیان و هموطنان غیریهودی.

۷- مشکل پیر شدن جامعه در برخی جوامع یهودی که با پدیده‌های مهاجرت جوانان یا ازدواج‌های مختلط روبرو هستند.

۸- فعال نگاه داشتن اعضای جامعه یهودی برای اداره امور اجتماعی.

۹- رشد و تغییر شکل آنتی سمیتیسم (ضد یهودی‌گری) و راهکارهای مقابله با آن.

در حاشیه :

* - دکتر جری هوخباوم^{۱۲} مدیر اجرایی برنامه، در گزارش مکتوب خود به هیئت مدیره بنیاد یادبود فرهنگ یهود درباره برنامه اخیر، بارها به نام و فعالیت‌های اعضای هیئت ایرانی اشاره کرد و این حضور را نقطه عطف این همایش سالانه دانست.

- اجرای مراسم مذهبی شب و روز شنبه در کنیسای گلاست، با مشارکت هیئت ایرانی (شامل مقدمات، نماز شب و قرائت تورات در صبح) انجام شد که علیرغم تفاوت لهجه و رسوم یهودیان شرقی و غربی (سفارادی و اشکنازی)، این بخش بسیار مورد توجه و رضایت حاضران قرار گرفت.

- برنامه ۴ شب در این همایش، شامل نمایش فیلم درباره زندگی یهودیان و نقد و بحث و بررسی آن توسط پروفیسور شالوم روزنبرگ بود.

- از جمله فعالیت‌های جانبی همایش، تشکیل تیم‌های فوتبال بود که با ابتکار



نمایشگاه کلیمیان، ایران

¹² Dr. Jerry Hochbaum



حکایتی دیگر از سوئد

مرجان یشایی

(عضو هیئت اعزامی به دوازدهمین همایش جهانی جوانان یهود در سوئد)

تا تشکیلات و مدارس
یهودی، آزادی‌های
مدنی اقلیت‌های
مذهبی و خاطرات
زندگی ما در ایران به
خصوص در ارتباط با

ورود به فرودگاه استکهلم برای تیم سه نفره
ما که سه ماه در تدارک شرکت در همایش بنیاد
یادبود فرهنگ یهود بود، شروع کار محسوب
می‌شد. گرفتن ارتباط با گروه‌های نماینده از
کشورهای مختلف پنج قاره جهان، شناسایی
میزبانان و دعوت‌شدگان به کنفرانس قدم اول
حضور هیئت ایرانی بود. عاقبت بعد از مدتی
جمعی که در کافی شاپ نشسته بودند و برخی
کیا به سر داشتند نظر ما را به سمت خود جلب
کرد و بعد از معرفی معلوم شد که اشتباه
نکرده‌ایم. در طول یک ساعت گروه ما کم کم
بزرگتر می‌شد. افراد بیشتری اضافه می‌شدند که
بلافاصله نام و ملیت را می‌گفتند و مانند دوستی
جای خود را در جمع باز می‌کردند. با وجود تنوع
در ملت‌ها و حتی شکل ظاهری افراد یک عنصر
قوی وجه اشتراک همه ما محسوب می‌شد و آن
یهودیت بود.

انقلاب و جنگ تحمیلی مطالبی بودند که
همیشه چند نفری را برای شنیدن به طرف خود
جلب می‌کرد.

اتوبوسی که ما را سوار کرد به مقصدی در
حرکت بود که تنها اطلاعات ما از آن اسمش
بود: «گلاستا».

برای ما که در کلان شهر ۱۲ میلیونی
تهران زندگی می‌کنیم نظم و ترتیب و مقررات
بی‌چون و چرا اولین نکته قابل توجه بود. بعد از
حدود یک ساعت و ده دقیقه به مقصد رسیدیم.
گلاستا اردوگاهی وسیع با چند ساختمان و
خوابگاه و غذاخوری و فضاهای ورزشی و
امکانات اردوگاهی بود در قلب جنگل‌های فشرده
شمال اروپا که حدود ۱۵ دقیقه با یک جاده
خاکی از جاده اصلی فاصله گرفته بود و ما را که
از هوای داغ تابستان ایران آمده بودیم با خنکی
و باران ریز و سمج خود غافلگیر کرد.

برگزارکنندگان همایش به استقبال تازه
واردین آمدند. برخورد دوستانه و شاد مسئولان
که شاید چندین سال از شرکت‌کنندگان مسن‌تر
بودند باعث شد که همه ما احساس صمیمیت و
راحتی بیشتری کنیم. بعد از صرف غذا (که
ساعت سرو آن به وسیله صدای زنگی که در
همه اردوگاه می‌پیچید اعلام می‌شد)، معرفی
رسمی افراد و برنامه‌ها به ورود گروه دوم موكول
شد. ورود گروه دوم و تکمیل هیئت
شرکت‌کنندگان در بعدازظهر همان روز فضای
همایش را جدی کرد و از فردا صبح همایش
وارد دستورجلسات، سخنرانی‌ها و کارگاه‌های
آموزشی شد که ساعت، ترتیب و نام
اجراکنندگان آن‌ها با دقت از حدود ۶ ماه قبل
تعیین شده بود.

از منظر ما که نمایندگان یک جامعه یهودی
با تعداد قابل توجه (حدود ۲۵,۰۰۰ نفر) از تنها
کشور اسلامی حاضر در همایش بودیم جریان به
گونه دیگر نیز مطرح می‌شد. در واقع از سه ماه
قبل که تیم سه نفره ما زیر نظر رئیس انجمن
کلیمیان (آقای یشایی) در تدارک آماده‌سازی
خود بود، همه متفق‌القول بودیم که تجارب ما در
ارتباط با زندگی مسالمت‌آمیز با مسلمانان و
حضور دیرپای ما در یک جامعه اسلامی
خصوصاً بعد از انقلاب اسلامی و نقطه‌نظرات ما
در این زمینه، هسته اصلی صحبت‌های
هیئت‌های ایرانی را تشکیل می‌دهد و اکیدا
تصمیم گرفته بودیم که تنها شنونده نباشیم و با
دست پر و به عنوان گروهی کاملاً فعال پا به
همایش بگذاریم. برای ما که خاطرات زندگی
مشترک با مسلمانان از کودکی شیرازه اصلی
ارتباطات اجتماعی را تشکیل می‌داد و هر
بحرانی را با مدیریت و مدارا و حسن‌نیت توانسته
بودیم پشت سر بگذاریم، نقش سفیر صلح جهان
اسلام را به عهده گرفتن کار بی‌چیده و دور از
ذهنی نبود. البته ارائه این نقطه‌نظرات از این
دیدگاه، از آن جا که در یک کنفرانس جهانی
یهودی بار اول بود که با این صراحت و وضوح
مطرح می‌شد، خالی از اشکال نبود و گاه با
ناباوری و مخالفت برخی اعضا مواجه می‌شد و
دامنه بحث را به مسائل کلیدی اجتماعی از جمله
تعریف ملیت، وطن، زادگاه و روابط یهودیان
دپاسپورا (یهودانی که در جهان پراکنده هستند)
می‌کشاند. ولی به هر حال استقبال از ایرانی‌ها
پس از جلسات و صحبت در مورد دیدگاه‌های
مسلمانان حتی در فواصل کوتاه بین جلسات
طولانی، دلیلی بود بر این که جرقه زده شده

**تجارب ما در ارتباط با زندگی
مسالمت‌آمیز با مسلمانان و حضور
دیرپای ما در یک جامعه اسلامی
خصوصاً بعد از انقلاب اسلامی و
نقطه‌نظرات ما در این زمینه، هسته
اصلی صحبت‌های هیئت‌های ایرانی را
تشکیل می‌داد**

۳۳ نماینده یهودی از ۱۹ کشور مختلف
جهان گرد هم آمده تا تجارب و نقطه‌نظرات خود
را با یکدیگر در میان بگذارند. در این میان
حضور هیئت ایرانی که برای اولین بار در
کنفرانس با این ابعاد جهانی شرکت می‌کرد
چشمگیر و نقطه تمرکز و توجه بود. بعد از
معرفی اولیه باران سؤالات در مورد ایران شروع
شد. از جزئی‌ترین و کم اهمیت‌ترین وجوه
زندگی فردی تا سیاست‌های کلی که امروز تیترو
اول همه رسانه‌های جهان است. این کنجکاوی
صادقانه و دوستانه در تمام این ده روز تا لحظه
ترک فرودگاه استکهلم ادامه داشت. شکل
ظاهری و لباس تا وسیله تردد در خیابان، شیوه
ارائه موسیقی و برگزاری مراسم جشن و عروسی

یهودی فرسنگ‌ها فاصله داشت. وقتی که ما به هر حال با اشکال و عبور از موانع امنیتی توانستیم وارد انجمن کلیمیان سوئد شویم، فهمیدیم که ترسی از حمله تروریستی و نئونازی‌ها که به تازگی می‌روند در سوئد قدرت بیشتری بگیرند عامل این وسواس (به نظر ما بیش از اندازه) بود. مثل این که هر فرد یهودی اروپایی با احساس ترس از یهودی‌کشی به دنیا می‌آید و این کوله‌بار را با خود در تمام عمر خود همراه دارد.

وقتی که در روز کیبور (روزه بزرگ کلیمیان) درهای باز کنیساها با شرکت‌کنندگان انبوه حاضر در آن را در تهران و سایر شهرهای ایران می‌دیدم که داخل و خارج می‌شوند، گروه‌های جوانانی که به راحتی در پیاده‌روهای کنیساها یوسف‌آباد و ابریشمی (تهران) گپ می‌زنند و می‌خندند و کودکانی که قارغ از چشم مراقب دوربین‌های مدار بسته و ترس حملات تروریستی شادمانه به دنبال هم می‌دوند، احساس می‌کردم که در قضاوت راجع به هم‌میهنان من چقدر بی‌انصافی می‌شود و دنیای یهودیان گاه چه قدر از هم فاصله دارد. ■

شروع جریانی بود که ده روز تمام، شرکت‌کنندگان در همایش را به چالش طلبید. ما معتقد بودیم که اگر توانسته باشیم مباحث ملیت، وطن، نوع ارتباط عاطفی و فرهنگی یهودیان در کشورهای مختلف دنیا با اسرائیل به عنوان مرکز مذهبی و فرهنگی و تاریخی (و نه سیاسی) یهودیان مطرح کرده و نظر شرکت‌کنندگان را به آن جلب کنیم به هدف خود برای شرکت در این کنفرانس رسیده‌ایم. طبیعتاً این حرکت با همین قدرتی که شروع شده باید ادامه پیدا کند و هر چه پربارتر به بحث گذاشته شود.

تنها نقطه تنوع در این مسافرت حضور چند ساعته ما در استکهلم در انجمن کلیمیان سوئد بود. ساختمان زیبا و آراسته در جنب کنیسی مرکزی استکهلم که ابتدا جنبه خاصی نداشت ولی وقتی در اطراف ساختمان دقیق می‌شوی، انبوه دوربین‌های مدار بسته، وسایل الکترونیکی کنترل تردد در اطراف ساختمان که تصاویر خود را به اطاق کنترل می‌فرستادند و راه‌بندهای متعدد در اطراف انجمن و کنیسا بیشتر یک مرکز مهم نظامی را در ذهن تداعی می‌کرد که با درهای باز و تردد آزادانه ما در ایران به مراکز

است. توضیح مفاهیم پیچیده اجتماعی بعد از یک جلسه سه تا چهار ساعته به زبان بیگانه عاملی بود که خستگی ما را در طول این ده روز بیشتر می‌کرد. به خصوص در وقت نهار که یکمرتبه متوجه می‌شدی شروع جلسه عصر اعلام شده و تو همچنان با مخاطب یا مخاطبین خود در مقابل بشقاب غذایی که دست نزنده شده و باید آن را به حال خود بگذاری مشغول مباحثه هستی! (ساعت شروع و پایان سرو غذا جزو مقررات لایتنیر بود!)

ما قویا در مورد نقش برجسته ملیت در زندگی اجتماعی و فردی یهودیان تاکید می‌کردیم و معتقد بودیم که اصولاً شخصیت هر فرد یهودی دو جنبه دارد. یکی جنبه مذهبی که یهودی بودن است و دیگری جنبه ملی، که این وجه ملیت نه به عنوان یک عنصر منفی، بلکه به عنوان امکانی برای تنوع فرهنگی و فکری و تاریخی یهودیان می‌تواند و باید دارای بار مثبت تلقی شود. میراث دیاسپورا، میراث چندین هزار ساله قوم یهود است که نتیجه آن پدید آمدن رنگین‌کمانی زیبایی از آداب و رسوم و زبان‌ها و محصولات فرهنگی متعدد در سراسر دنیا است. این ارائه نظرات از طرف هیئت ایرانی در واقع



گفتگوی دینی با حضور رئیس انجمن کلیمیان

به مناسبت هفته گفتگوی ادیان (هفته اول سپتامبر)، دوشنبه ۱۰ شهریور ماه جلسه گفتگوی دینی در موسسه گفتگوی ادیان برگزار شد. سخنرانان این جلسه، حجت‌الاسلام سیدمحمدعلی ابطحی (رئیس موسسه گفتگوی ادیان) و هارون یشایایی (رئیس انجمن کلیمیان تهران) بودند.

حجت‌الاسلام ابطحی در سخنان خود با عنوان «واکنش‌های دینی به خشونت»، ضرورت پرداختن به گفتگوهای بین دینی را به خاطر رشد خشونت‌های ناشی از انگیزه‌های دینی، خاطرنشان کرد. وی منشاء این خشونت‌ها را نه دین، بلکه افراطی‌گری دینی دانست زیرا دین فلسفه‌ای و هدفی غیر از صلح ندارد.

ابطحی، بحران خشونت دینی را بدترین نوع خشونت‌ها دانست. زیرا در انواع خشونت‌های غیر دینی، به علت عدم وجود عنصر پس از مرگ، به خاطر امید به زندگی، خشونت‌ها در نقطه‌ای امکان توقف و خاتمه دارند. اما در خشونت‌های دینی، به علت وارد شدن عناصر معنوی و اخروی در بحران، پایان و توقف آنها بسیار بعید و مشکل می‌نماید. «ارزش‌ها و مبانی اخلاقی و معنوی مشترک ادیان»، عنوان سخنرانی هارون یشایایی بود. وی مبانی اخلاقی دینی را حول سه محور زیر بررسی کرد:

- ۱- پذیرش شرع الهی
- ۲- عقلانیت اخلاقی

۳- قراردادهای اجتماعی

یشایایی مبانی اخلاقی را- علیرغم تفاوت در شیوه اجرای آنها- در همه ادیان مشترک و تقریباً یکسان دانست. رئیس انجمن کلیمیان تهران با اشاره به اولین بند ده فرمان تورات مبنی بر لزوم آزادی انسان، هرگونه خشونت‌گرایی افراطی دینی را در تضاد این فرمان دینی و موهبت الهی اعلام کرد. در ادامه این جلسه که اندیشمندان مسلمان، یهودی و سایر ادیان در آن حضور داشتند، بحث و گفتگو درباره دو سخنرانی مذکور جریان گرفت که محور اصلی آن، جمع‌پذیری عقلانیت و دین با توجه به عنوان «اخلاق دینی» بود. ■



روی یک زمین ، زیر یک آسمان

بررسی راهکارهای دستیابی به
صلح و تفاهم پایدار میان ادیان توحیدی

می‌گردند تا نجاتشان دهند و در واقع فرصتی دهند به گناهکاران.

در مزامیر حضرت داوود (ع) می‌خوانیم این حضرت برای نابودی بدی دعا می‌کند نه نابودی بدکاران. در احکام یهود در مورد روابط انسانی ذکر می‌شود که مشکلات و سوءتفاهم‌ها در روابط بین انسان‌ها باید خارج از آیین کنیسا حل شود و ظلم به انسان‌ها با دعا و نماز برطرف نمی‌شود.

فرنگیس حصیدیم از طرف سازمان بانوان یهودی آخرین سخنران این برنامه بود که به شرح تاریخچه مختصر حضور یهودیان در ایران پرداخت. وی پس از برشمردن سازمان‌ها و نهادهای جامعه امروز کلیمیان، توضیحاتی درباره سازمان بانوان یهود به عنوان یکی از قدیمی‌ترین و فعال‌ترین NGOs در ایران ارائه کرد. تشریح شکل‌گیری بیمارستان دکتر سپهر در جنوب تهران توسط جامعه کلیمی و ارائه خدمات آن به شهروندان مسلمان، از جمله مصادیق همزیستی و تفاهم عملی میان پیروان ادیان بود که حصیدیم به عنوان مدیر آن بیمارستان، برشمرد.

(با استفاده از متون تنظیمی سارا حی و پاتند ادیب)

نمایندگان ادیان و مذاهب جهان در آلمان گردهم آمدند

نمایندگان ادیان و مذاهب مختلف جهان اواخر شهریور ماه به منظور انجام گفت و گو و همچنین دعا جهت تقویت صلح در شهر آخن آلمان گردهم آمدند.

بنابر گزارش مطبوعات آلمان در هفدهمین اجلاس بین‌المللی نمایندگان ادیان و مذاهب مختلف جهان بیش از ۵۰۰ نماینده از کلیه ادیان، مذاهب و فرقه‌های مختلف دینی شرکت داشتند. در این کنفرانس، پاپ ژان پل دوم رهبر کاتولیک‌های جهان با ارسال پیامی خواستار تقویت صلح و گفت و گوی بین ادیان و همچنین دعا برای دستیابی جامعه جهانی به صلح شد.

همشهری ۱۳/۲/۹۵

همواره تلاش یهودیت در جهت حفظ بقای خود بوده‌است. از نظر اعتقادی در اکثر آموزه‌های یهودی اعمال شخصی انسان است که بر جهان‌ش اثر می‌گذارد. اگر در جهان خشونت یا فساد هست، ناشی از درون انسان است که جهان را به واکنش وامی‌دارد. از معروف‌ترین تفاسیر در مورد طوفان نوح این است که علمای یهود می‌گویند در آن زمان انسان‌ها فاسد شدند و به همین دلیل خداوند تصمیم به عذاب آنها گرفت. اگر چنین است پس در این میان حیوانات و جمادات و گیاهان چه گناهی داشته‌اند؟

اعتقاد یهودیان بر این است که جهان هم بر اثر اعمال انسان فاسد شد، به عبارت دیگر وقتی انسان‌ها منحرف می‌شوند سیستم کامل خلقت را به هم می‌زنند.

لذا آنچه را که ما جنگ می‌نامیم انعکاسی از درون خودمان است. داعی هست در انتهای نماز یهودیان به نام «غوسه شالوم» یا این مضمون که «خدایی که در افلاک و مدارات آسمان صلح و نظم برقرار کرده، امید است که در میان ما انسان‌ها هم صلح برقرار کند».

مثال دیگر آن که تورات دو شهر «سدوم» و «عمورا» را ذکر می‌کند که چون مردم آن فاسد شدند خداوند می‌خواهد این دو شهر را فنا کند. حضرت ابراهیم با خداوند مذاکره می‌کند که شاید در این دو شهر ۵۰ نفر مرد صدیق و عادل باشد و خداوند این شهرها را به اعتبار آنها نجات دهد اما ۵۰ نفر با این صفات پیدا نشدند. تعداد را حضرت ابراهیم کم کرد تا ۱۰ نفر، اما ۱۰ نفر مرد عادل هم در این دو شهر پیدا نشد و آن شهرها ویران گشتند. یعنی خداوند و پیامبرانش به دنبال صلح هستند و حتی برای شهری که تمام ساکنانش فاسد هستند، به دنبال دلیلی

با تلاش انجمن نواندیشان پادیاوند، طرح «۴ روز با ادیان توحیدی» با هدف شناخت ادیان و آموزه‌های آنها در جهت دستیابی به صلح از ۱۵ الی ۱۸ شهریور ماه در مرکز سازمان‌های غیردولتی و فعالیت‌های داوطلبانه شهرداری تهران برگزار شد.

روز اول و در مراسم افتتاحیه طرح، حجت‌الاسلام سعید عدالت‌نژاد، رئیس بخش ادیان مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها به تشریح و بررسی دیدگاه اسلام درباره تفاهم میان ادیان پرداخت.

در دومین روز طرح، کشیش آشور نمرز سنگر از دیدگاه آشوریان مسیحی صلح را بررسی کرد و سپس هوویک بهیو، مشاور حقوقی آشوریان، سابقه تاریخی زندگی آشوری‌ها در ایران را شرح داد. تفاهم پایدار در میان ادیان از دیدگاه زرتشتیان، موضوع روز سوم همایش بود که با سخنرانی‌های دکتر وفاداری و آرمین هورمزدی بیان گشت.

آنچه را که ما جنگ می‌نامیم انعکاسی از درون خودمان است

آخرین روز همایش به بررسی محور مذکور از دیدگاه یهود اختصاص یافت. نخست آرش آبانی با ذکر چکیده‌ای از اعتقادات و مبانی فکری یهود، مقوله صلح و تفاهم را در آموزه‌های توراتی تشریح کرد. وی در بخشی از سخنان خود درباره صلح چنین گفت:

«آموزه‌های دین یهود نشان می‌دهد که این دین تأکید بر صلح دارد. یهودیت هرگز نه امکان و نه تمایل به جنگ داشته و اگر هم جنگی صورت گرفته، بیشتر نقش دفاع داشته است. که در بعضی شکست می‌خورد و در بعضی حکومت و جامعه خود را حفظ می‌کند».

یشعیای نبی 'שליה'

رحمن دلرحیم



خداوند می فرماید: «روزی خواهد آمد که هر کس بخواند بر کسی بطلبد یا سوگندی یاد کند، تنها نام خدای حق را بر زبان خواهند راند. سختی های گذشته به کلی فراموش شده، از بین خواهد رفت، زیرا من زمین جدید می سازم. هر چه در گذشته بوده کاملاً فراموش شده، دیگر به یاد آورده نخواهد شد. ... مومنان من دیگر زحمت هایشان بر باد نخواهد رفت و فرزندان شان رنگ مصیبت را نخواهند دید، زیرا هم آنان را و هم فرزندان شان را برکت خواهم داد. حتی پیش از آن که مرا بخوانند به آنان جواب خواهم داد و پیش از این که دعایشان را تمام کنند آن را اجابت خواهم کرد. مگر و بره با هم خواهند چربید، شیر مانند گاو گاه خواهد خورد و مار دیگر کسی را نبی نخواهد زد. در کوه مقدس من هیچ چیز و هیچ کس صدمه نخواهد دید و نابود نخواهد شد».

(یشعیا، فصل ۶۵)

می کند قوم را در اسارت تسلی بدهد. اسیران یهودی در بابل گرفتار بیم و یاس شدیدی بودند و احساس می کردند که خداوند آنها را رها کرده است. در این میان و در این حالت ناامیدی، یشعیای نبی با صراحت می گوید که خداوند تنها خالق آسمان و زمین است و غیر از او نجات دهنده ای وجود ندارد. وی می گوید درست است که قوم یهود گناه کرده ولی به خاطر توبه، خداوند گناهان آنان را بخشوده است (فصل ۴۰ آیه ۲ و فصل ۴۴ آیه ۲۲):

«گناهات را محو کرده ام، تقصیر هایت مانند شبنم صبحگاهی به هنگام ظهر ناپدید شده اند، باز گرد، زیرا بهای آزادی تو را پرداخته ام»

کردید و خانه های خود را با آن چه از مستمندان گرفتید پر کردید» (۱۴-۳)

«... زارع بینوا از سرزمینش رانده شد تا جای کافی برای ثروتمندان باز شود» (۹-۱۵).
ظاهراً تجارت با کشورهای بیگانه موجب شد که رسوم بت پرستی و یا لاقل موهوم پرستی در عقاید برخی اقشار قوم یهود نفوذ در بخشی از گفتارها کند. (فصل ۲ آیه های ۸ تا ۶)، یشعیا متذکر می شود که افراد، ساخته دستان خود را می پرستند.

این نبی الهی با تقدیم قربانی ها به درگاه خداوند طبق آیین یهود مخالفتی نداشته و همواره به معبد مقدس می رفته است ولی می گوید خداوند از این قربانی ها نفرت دارد زیرا دستان شما به ظلم و جور و جنایت آلوده است:

فصل ۱ آیه های ۱۶ و ۱۷:

«خود را پاکیزه کنید. پاک باشید، از اعمال بد خود دست بردارید، نیکی کنید، در فکر حقوق مردم باشید. بیچارگان را از گرفتاری رهایی بخشید. یتیمان را با عدالت قضاوت کنید و از حق بیوه دفاع کنید». «در این صورت است که شما از نعمات خوب زمینی لذت خواهید برد. در غیر این صورت با شمشیر کشته خواهید شد» (فصل اول آیه های ۲۰ و ۱۹)

یشعیا از خشمگین شدن خداوند و مجازات سخن می گوید. او می خواهد بدین وسیله به بزه کاران و متجاوزان هشدار بدهد شاید از اعمال زشت خود دست بردارند. آنگاه است که خداوند گذشت و بخشایش خود را نشان خواهد داد. وی پیش بینی می کند که تحول تاریخ موجب خواهد شد که مردم از جنگ دست بردارند و به صلح گرایش پیدا کنند. او ظهور «ماشیح» (منجی عالم) را پیش بینی می کند و می گوید که ماشیح از نسل یشای (پدر حضرت داوود) ظهور خواهد کرد و روح خداوند در او وجود خواهد داشت. وی طرفدار ستم دیدگان خواهد بود و آنان را از چنگ ظالمان نجات خواهد داد و حکومت عدالت و راستی را بر جهان حکم فرما خواهد نمود.

فصل ۱۱ آیه های ۱۰ تا ۱: «گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و بره پرواری با هم و طفل کوچک آنها را خواهد راند».

یشعیا پیش بینی می کند که بنی اسرائیل توسط بخت النصر به اسارت خواهند رفت و کوشش

«یشعیا» در زبان عبری به معنی نجات از طرف خداوند است که در ترجمه های فارسی به «اشعیا» تغییر یافته است (Isaiah). کتاب یشعیا یکی از مفصل ترین کتب بخش انبیای یهود در کتاب مقدس (عهد عتیق) است که ۶۶ فصل را در بر می گیرد. نام این نبی در خارج از کتاب خودش در جلد دوم کتاب پادشاهان (قصود ۱۹ و ۲۰) و جلد دوم تواریخ ایام (فصل ۲۶ آیه ۲۲) و (فصل ۳۲ آیه های ۲۰ و ۳۲) ذکر شده است. بنابر روایات «تلمود بابلی»، «اموص» پدر یشعیا و برادر امصیا پادشاه یهودا بوده است. یشعیا که معاصر میخای نبی بود، اندکی بعد از «هوشع نبی» و «عاموس نبی» که در شمال اسرائیل نبوت می کردند، می زیسته است.

شروع نبوت یشعیا (فصل ۶ آیه ۱) مقارن است با سال وفات عوزیاهو پادشاه اسرائیل در ۷۴۱ سال قبل از میلاد که دوره ای بسیار بحرانی در حکومت های اسرائیل و یهودا بوده است. حوادث آن زمان به یشعیا برای نبوت هایش موضوع می داد. اما بیشتر مطالب کتاب مربوط است به اوضاع داخلی قوم و نظم اجتماعی و وضع دینی آن. کتاب یشعیا اساساً به منظور هشدار دادن به قوم بنی اسرائیل نوشته شده است. خداوند از قوم بنی اسرائیل می خواهد که از کارهای قبیح و گناه آلود خویش دست بردارند و به سوی او بازگشت نمایند. موضوع دیگر کتاب یشعیا ظهور ماشیح (منجی عالم) است و نتایج این ظهور که عبارتست از بخشش گناهان، تسلی و امید. نبوت های یشعیا هنگامی شروع شد که مردم در رفاه و آسایش و نعمت فراوان زندگی می کردند و به تجمل گرایی پیدا کرده بودند. این نبی بنی اسرائیل متوجه شد که ثروت و رفاه مردم به قیمت ظلم و تعدی عده ای از مردم به دست آمده و فساد در مقامات بالا رخنه کرده است. در کتاب یشعیا (فصل ۱ آیه ۲۳) می خوانیم: «شاهزادگان با دزدان همدست شدند، حق یتیمان را ضایع می کنند و در برابر ناله های بیوه زنان کر هستند». یشعیا به گفته خود در زمانی می زیست که مجرمین متفرد تیرنه می شدند و با بی گناهان به عدالت رفتار نمی شد. او پیش بینی می کرد که «خداوند ظالمان را محاکمه خواهد کرد و به آنها خواهد گفت شما بودید که تاختان مرا خراب



گذری بر زندگی و آثار

یوسفوس فلاویوس

JOSEPHUS FLAVIUS

پیام خاکشور

بود، چرا که وی در مدارا با دشمنان و مهاجمان تا رسیدن یک لحظه بحرانی و تلاش برای صلح کاملاً توانا بود. در واقع وی، پس از شکست گالوس، که به عنوان آغاز شورش یهودیان تلقی گردید، به گالیل رفت.

موقعیت یوسفوس بسیار بحرانی بود زیرا رهبران محلی علاقه‌ای به قبول مردی که از طرف حکومت مرکزی آنها ترجیح داده شده، نداشتند. به این دلیل کشمکش‌ها و ستیزه‌های ممتدی میان او با آنان رخ می‌داد. به هر حال یوسفوس در گالیل ماند و بر رهبران محلی برتری یافت و این امر تا سال ۶۷ م. و رسیدن و سپاسیان (Vespasian - سردار رومی که از طرف امپراتوری مامور سرکوب انقلاب یهودیان شده بود) ادامه یافت. در این زمان کشور باستانی یهود به هیچ وجه برای رویارویی در یک جنگ تمام عیار آماده نبود. شهرهایی که یوسفوس قصد داشت استحکامات آنها را تقویت کند از یکدیگر جدا، بدون هر گونه همگرایی یا طرح و نقشه‌ای برنامه‌ریزی شده، و تنها قادر به دفاع از خود بودند. در واقع یوسفوس نه یک مدیر جنگی، که یک سیاستمدار بود و ناتوانی وی در انجام ماموریت و مدیریت نیروها یکی از علل شکست یهودیان در رویارویی با روم بود. با شروع جنگ، مناطق یکی پس از دیگری سقوط کردند و سرانجام نبرد نهایی در اطراف شهری که یوسفوس در آنجا مستقر بود درگرفت. وی به مدت شش هفته مقاومت کرد. هنگامی که شهر در اول ماه تموز سال ۶۷ م. سقوط کرد، یوسفوس با ۴۰ نفر از مردانش به غاری عقب‌نشینی کردند. در آنجا تصمیم گرفته شد هر مرد، هم‌رزمش را به قتل برساند تا هیچ کس به اسارت دشمن

امنیتی را برای رهایی تعدادی از پیشوایان مذهبی فراهم کند. آنها توسط گماشته رومی فلیکس (Felix) برای تسلیم مبلغ جریمه‌ای به امپراتور به ازای به اصطلاح جرمی که مرتکب شده بودند دستگیر و به روم منتقل شده بودند. وی احتمالاً به دلیل آشنایی با زبان یونانی برای این ماموریت انتخاب شده بود، که با کمک آلیتوروس (Aliturus) بازیگر یهودی، فرصت آشنایی با ملکه روم را یافت، و تلاش‌هایش مثمر ثمر واقع گردید و پیشوایان آزاد شدند. این دیدار تأثیر ژرفی بر یوسفوس گذاشت، یک دیدار با اثری محو‌ناشدنی از روم.

یوسفوس، فرمانده گالیل در جنگ با روم؛ به هنگام بروز جنگ یهودیان با امپراتوری روم (۶۶ م.) یوسفوس به عنوان فرمانده ناحیه گالیل (جلیل Galilee در شمال سرزمین اسرائیل) برگزیده شد، که احتمالاً مهمترین ماموریت نظامی در طول نخستین مرحله جنگ بوده است. با وجود این، به نظر می‌رسد او به گروه تجددگرایی که پس از پیروزی نیروهای یهودی در حمله گالوس (Gallus - سردار رومی) قدرت را به دست گرفته بودند، تعلق داشته و امید می‌رفته است در یک موقعیت بحرانی از نفوذ خود در میان رومیان برای دستیابی به مصالحه استفاده کند. ربان شیمعون بن گملیل (رهبر روحانی یهودیان و رئیس سهدرین، مجمع عالی ملی مذهبی یهود) کسی را برای این منظور مناسب‌تر از یوسفوس نیافته

یوسفوس تمامی وقایع معاصر زندگی خود

و چگونگی تسخیر سرزمین اسرائیل و اسارت یهودیان را

در سده اول پس از میلاد به رشته تحریر درآورد

اشاره: یوسفوس فلاویوس (۳۸ - ۱۰۰ م.)، از بزرگترین مورخین یهودی و نیز یکی از طایفه‌داران ادبیات و وقایع دوران روم باستان می‌باشد. در این گذر، نظری بر زندگی و آثار این مورخ و نویسنده می‌افکنیم.

کودکی و جوانی :

یوسفوس فلاویوس (یوسف بن متیتیا) سال ۳۸ پس از میلاد در اورشلیم (بیت‌المقدس) در خانواده‌ای اشرافی از کهنیم (کاهنان) به دنیا آمد. وی از نسل مادری نیز به سلسله حشمونانی‌ها (خانواده‌ای از کاهنان که پس از آزادسازی سرزمین تاریخی یهود از دست یونانیان سال ۱۶۵ ق.م به مدت ۸۰ سال حکومت کردند) تعلق داشت. یوسفوس درباره ایام جوانی خود می‌نویسد که چنان به دلیل علم تورات شهرت یافته بود که دانشمندان بلندمرتبه و مراجع شهر برای مشاوره درباره موضوعات «هالاخاه» (طریقه و جزئیات انجام فرامین تورات) به نزد او می‌آمدند. او همچنین به عنوان یک متخصص در «اگاداه» (حکایات و داستان‌های راجع به وقایع کتاب مقدس، که بخشی از تلمود را تشکیل می‌دهد) معروفیت داشته است. فلاویوس از ۱۶ سالگی به مدت سه سال به عضویت فرقه مذهبی استی‌ها درآمد بود و زندگی ریاضت‌کشانه‌ای پیشه کرده بود.

به سال ۶۴ م. یوسفوس در سن ۲۶ سالگی برای ماموریتی به روم فرستاده شد تا شرایط

نقش یوسفوس، تشویق یهودیان به تسلیم شدن بدون خونریزی در برابر امپراتوری روم بود

تسخیر نشده مانده بود و خود را برای مقاومت آماده می‌کرد. ولی خیر انتصاب امپراتور جدید همه وقایع را تحت‌الشعاع قرار داد و منجر به صلحی کوتاه‌مدت شد. ربان یوحنا بن زکای با درک فوری این مطلب که وسپاسیان امپراتور گردیده است، دریافت که یک فرمانروای جدید که با مشکلات عدیده‌ای مواجه است، احتمالاً در پی یک راه‌حل صلح‌آمیز برای این جنگ درخواهد آمد و این جنگ محلی را به یک پایان سریع خواهد رساند. پس با وی به صلحی کوتاه‌مدت دست یافت.

با تیتوس در اورشلیم:

هنگامی که وسپاسیان خود را در قیصریه (Caesarea) امپراتور خواند، یوسفوس که همراه او بود، از اسارت آزاد گردید و به اسکندریه رفت. هنگامی که تیتوس (Titus)، قیصر بعدی روم، فرمان تسخیر اورشلیم را به ارتش خود صادر کرد، یوسفوس وی را همراهی می‌کرد. وی بارها و بارها سعی کرد تا با میانجی‌گری میان یهودیان و امپراتوری روم مانع جنگ شود و یهودیان را قانع کند سلاح‌های خود را به زمین بگذارند، اما آنان با وی به خفت برخورد کردند و حتی در جریان یکی از این ترغیب‌ها او را زخمی کردند. موقعیت وی در اردوگاه رومیان نیز چندان جالب توجه نبود و آنان به وی به عنوان یک جاسوس، مشکوک بودند.

متأسفانه میانجی‌گری‌ها به نتیجه‌ای نرسید و تیتوس اورشلیم را تسخیر و غارت کرد و سپس به آتش کشید و تمامی یهودیان را به قتل رساند یا به اسارت برد. مقاومت یهودیان در برابر این حمله چنان مهیورانه بود که پس از تسخیر اورشلیم، تیتوس دستور ضرب سکه‌ای با عنوان «یهودای مُسخره» (Judea Capta) و نیز حک صحنه تاراج وسائل و شمعدان معبد مقدس یهود را بر طاق نصرت مشهور به نام وی صادر کرد. یوسفوس پس از تسخیر اورشلیم نیز همراه تیتوس بود و هنگامی که به وی اجازه داده شد هر چه می‌خواهد از ویرانه‌های اورشلیم همراه بردارد، وی یک تومار تورات (Sefer Torah) را همراه برداشت. املاک وی در نزدیکی اورشلیم مصادره گردید. و در عوض قطعه زمینی دیگر به وی داده شد. یوسفوس تمامی وقایع معاصر زندگی خود، و چگونگی تسخیر سرزمین اسرائیل و اسارت یهودیان را به رشته تحریر درآورد.

در اردوگاه وسپاسیان گردید، و با رسیدن خبر مرگ گالبا (Galba) به سال ۶۹ م. که خود را امپراتور خوانده بود، شورش‌ها به سرعت افزایش یافتند، زیرا افسران و نیروهای نظامی روپای برگزیدن امپراتوری از میان خود را در سر می‌پروراندند.

بهره‌برداری یوسفوس از شرایط:

یوسفوس با بهره‌برداری از شرایط به وجود آمده و اتفاقات و تبعات بعدی، از این موقعیت به عنوان فرصت آزادی استفاده کرد. وی از موقعیت خویش به خوبی آگاه بود، زیرا پس از تصرف قسمت شمالی سرزمین اسرائیل، اینک در یهودا (Judea) قسمت جنوبی سرزمین یهود و تمام مشرق زمین شایع شده بود که امپراتوری روم قصد پیشروی به سوی یهودا را دارد. در آن زمان بود که یوسفوس تصمیم گرفت از باور و اعتقاد یهودیان درباره ظهور منجی موعود (مائشیح Messiah) استفاده کرده و دعوت خود را گسترش دهد. خود یوسفوس نیز به این امر که پایه این رسالت خود خوانده مسیحایی بوده است، در کتاب جنگ یهودیان اشاره می‌کند. برای متقاعد ساختن رومیان، یوسفوس خصائل یک مرد پیشگویی مذهبی را که دلگرمی زیادی به سربازان می‌داد، به خود اختصاص داد. احتمالاً این امر در فاصله ۱۵ ژانویه ۶۹ میلادی تا اول ژوئیه آن سال، یعنی زمانی که وسپاسیان خود را در اسکندریه امپراتور خواند رخ داده است. در واقع نقش یوسفوس، تشویق یهودیان به تسلیم شدن بدون خونریزی در برابر امپراتوری روم بود. البته مانند سایر جنگ‌ها، میانجی‌گران، پس از پیروزی توسط فاتحان به نیکی پاداش می‌گرفتند. وسپاسیان نیز نقش یوسفوس را در تبلیغ و گسترش امپراتوریش در خاطر خود نگه داشته و به انتظار رخدادهای بعدی بود.

در حالی که تمامی این وقایع در اردوگاه وسپاسیان در حال وقوع بود، ارتش کشورگشای روم همچنان به تسخیر شهرهای یهودا ادامه می‌داد و به اورشلیم نزدیک و نزدیک‌تر می‌شد. اورشلیم به چند ناحیه تقسیم و فرماندهی آن به «شیمعون بن گبورا» (Simeon ben Giora) واگذار شد. اینک تنها اورشلیم و حومه آن

درنیا بود. به این ترتیب مردان یوسفوس با رشادت کشته شدند.

ماموریت یوسفوس از سوی وسپاسیان:

یوسفوس نقل می‌کند هنگامی که به اسارت رومیان درآمد، از پیش می‌دانست که فرمانده رومی با وی به نرمی برخورد خواهد کرد، همان‌گونه که جانش را به وی بخشید و تنها وی را به زنجیر کشید. این گزارش بسیار حیرت‌انگیز است. همان‌گونه که در تلمود نیز چنین واقعه‌ای درباره «ربان یوحنا بن زکای» (Rabban Johanan ben zakkai) یکی از دانشمندان بزرگ یهود در زمان تصرف سرزمین یهود به دست وسپاسیان آمده است. وی با رساندن خود به نزد فرمانده رومی از او درخواست کرد که شهر یونه (Yavneh) که از مراکز تعلیم و تربیت و آموزش تورات و در آن زمان تحت محاصره بود، از قتل و غارت و ویرانی در امان بماند، و به وی نوید داد که امپراتور خواهد شد و در همان زمان خبر مرگ امپراتور روم و انتخاب وسپاسیان به امپراتوری از سوی سنا واصل گردید. فرمانده رومی نیز درخواست وی را اجابت نمود. ولی احتمالاً یوسفوس گزارشات اسارت را تحت نظارت رومیان و باب خوشایند آنان نوشته و مجبور به جعل و تغییر قسمت‌هایی از گزارش‌ها شده است. همان‌گونه که کتاب «جنگ یهودیان» اثر وی نیز تحت نظارت امپراتور به رشته تحریر درآمده و محتویات آن به نایب‌خاندان سلطنتی روم رسیده است.

یکی از این تحریفات، این موضوع است که زنده نگه داشتن یوسفوس و رفتن وی به روم، توسط خود یوسفوس و به درخواست وی صورت نگرفته است، زیرا وی در آن هنگام به عنوان فرمانده یک گروه جنگی شورشی مستحق مرگ، اسیر و زندانی شده بود، بلکه نجات جان وی ظاهراً نقشه وسپاسیان برای بردن وی به روم و استفاده از او برای ثبت پیروزی و کسب قدرت بوده است. یوسفوس به عنوان زندانی در یک اردوگاه رومی در طول لشکرکشی‌های وسپاسیان نگهداری می‌شد تا این که به سال ۶۸ م. خبر مرگ امپراتور وقت روم واصل گردید. این اطلاع بدون شک سبب ایجاد فعالیت‌هایی



۲- قدمت یهودیان یا

تاریخ باستانی یهود (The Jewish Antiquities)
این اثر حاصل شرایط بیرونی زندگی یهودیان در خارج از سرزمین یهود و در کشورهای بیگانه (گالوت یا پراکندگی The Diaspora) و نیز استیلاهای شخصی یوسفوس از تجربه زندگی در روم بود. جانی که یهودیان با وجود زندگی در یک محیط غیریهودی، همچنان هویت ملی فرهنگی و شریعت خود را حفظ می‌کردند.
هدف یوسفوس از نگارش این کتاب، روشن نمودن افکار غیریهودیان نسبت به این قوم و تاریخ و فرهنگ آنان، و در نتیجه اصلاح رفتار آنان با این قوم بود. وی در این کتاب وقایع کتاب مقدس (تورات و عهد عتیق) را بازگو می‌کند، ولی نه به صورتی که در این کتاب آمده است، وی به عنوان یک نویسنده هلنیست (پیرو ادبیات و فرهنگ یونان)، وقایع را با ذائقه خوانندگان و مخاطبین خود منطبق کرده در اغلب روایات، (مانند داستان یوسف و همسر پوتیفر-زلیخا)، کمی چاشنی یونانی گریانه اضافه گردیده است. البته وی قسمت‌هایی از تفاسیر اگادا (حکایات مربوط به وقایع کتاب مقدس و دوران پس از آن) را زینت‌بخش حکایات عهد عتیق کرده است. بعضی از این تفاسیر دارای منابع موثق موجود و شناخته شده می‌باشند ولی اغلب این تفاسیر در منابع دیگر موجود نیستند و تنها وی از آنها استفاده کرده است. وی در قسمتی از این اثر عظیم خود، بخشی را به احکام و طریقه اجرای مراسم یهود (هلاخا) در آن زمان اختصاص داده است. ■

مفید یافت و می‌خواست بدینوسیله به دشمنان احتمالی آینده روم بفهماند که این کشور هر نیروی سرکش دیگری را نیز درآینده منهدم خواهد نمود.

یوسفوس در مقدمه این کتاب اظهار می‌دارد که آن را در دو نسخه تنظیم کرده است. نسخه اول به زبان آرامی (Aramaic) یعنی زبان محلی رایج یهودیان در آن روزگار، و برای استفاده یهودیان ساکن در امپراتوری اشکانیان و نیز بابل، که نقش موثری در جنگ نداشته ولی پیرو عقاید مبارزان یهودی و مایل به همکاری آنان در انقلاب بودند به رشته تحریر درآورده، که حاوی نکات و حقایقی متفاوت با نسخه یونانی حاضر و حتی گزارش‌هایی نزدیک‌تر به واقعیت نسبت به نسخه دوم بوده که متأسفانه امروزه در دست نیست. ولی نسخه یونانی موجود، در هفت جلد تنظیم گردیده و در بسیاری دست نوشته‌ها با نام «تسخیر» (The Capture) یاد شده است. این کتاب شامل مبارزات یهودیان تا اشغال و ویرانی اورشلیم و معبد مقدس یهود (بیت‌همیقداش) و اسارت و پراکندگی یهودیان می‌باشد، و البته تحت نظارت امپراتوران زمان نگاشته شده و در نتیجه کاملاً منطبق بر واقعیت نمی‌باشد. ولی از نظر تاریخ و ادبیات از ارزش بالایی در ادبیات یهود و حتی بین‌الملل برخوردار می‌باشد. توصیفات این کتاب به معنای واقعی کلمه «حماسی» است. تمام صحنه‌ها به ظرافت و دقت تصویر شده و ترس و وحشت حاصل از جنگ و پس از آن تخریب اورشلیم و ویرانی معبد مقدس به نحوی تأثیرگذار به نگارش درآمده است. این امر که یوسفوس برخلاف سایر مستندنگاران که اغلب ناظر وقایع نبوده‌اند، خود عیناً شاهد رخدادها بوده و یا از اظهارات اسرای یهودی استفاده کرده، به اثر وی ارزشی اسنادی یا شبه اسنادی بخشیده است.

البته به احتمال زیاد زبان روان یونانی این اثر حاصل ویرایش دستیاران یونانی یوسفوس بوده است که اشکالات اثر را رفع می‌نمودند. این اثر هنگامی به چاپ رسید که یوسفوس ۴۰ ساله بود و با این اولین اثر، جای خود را در جهان ادبیات روم باز کرد. وی در ۵۶ سالگی اثر دیگر خود، «قدمت یهودیان» را برای تنویر افکار غیریهودیان درباره یهودیت و تصحیح قضاوت اشتباه آنان درباره این آیین نگاشت.

محبوب فرمانروایان روم و منفور یهودیان:

هنگامی که امپراتور به یوسفوس امتیاز شهروندی امپراتوری روم، دریافت مقرر از دربار و نیز اجازه اقامت در قصر امپراتور را اعطا کرد، وی به روم نقل مکان نمود. او دیگر هرگز سرزمین مادری خود را ندید، گرچه وی یکی از اعضای محبوب در هیئت‌های قضاوت دادگاه‌های دوران سلطنت و سپاسیان و تیتوس بود، ولی موقعیت وی در میان یهودیان بسیار تحقیرآمیز و تأسف‌آور بود. در داخل و خارج از روم، آنان وی را به خاطر گذشته‌اش تحقیر می‌کردند و سعی در آزار وی در هر فرصتی داشتند. در واقع آنان وی را به دلیل اشتباه در مدیریت و شکست و تسلیم در برابر رومیان، نیز به دلیل دوری از فرهنگ ملی و مذهبی و بومی خود، هرگز نبخشیدند.

زندگی خانوادگی ناموفق:

یوسفوس در زندگی خانوادگی نیز شخص ناموفقی بود، وی در طول زندگی خود چهار بار ازدواج نمود. همسر اول وی در طول محاصره اقامتگاه آنان توسط رومیان بدرود حیات گفت. دومین همسر یوسفوس که وی با آن زن به پیشنهاد و سپاسیان ازدواج کرد، او را ترک نمود. وی همسر سوم خود را در اسکندریه اختیار کرد که برای او سه فرزند به دنیا آورد. از این سه فرزند تنها هیرکانوس (Hyrcaanus) (تولد به سال ۷۲ یا ۷۳ میلادی) زنده ماند و بقیه جان سپردند. پس از طلاق همسر سومش، با یک زن اشرافی از اهالی کرت (Crete) - جزیره‌ای در دریای مدیترانه - پیوند زناشویی بست که برای او دو فرزند به نام‌های ژوستوس (Justus) و سیمونید-آگریپا (Simonides- Agrippa) به یادگار گذاشت. سال درگذشت یوسفوس نیز نامشخص است ولی احتمالاً پس از سال ۱۰۰ میلادی می‌باشد.

گذری بر دو اثر معروف یوسفوس

۱- جنگ یهودیان

(The Jewish War)

احتمال می‌رود که تصمیم یوسفوس برای نوشتن تاریخ جنگ یهودیان بر علیه امپراتوری روم، از این واقعیت سرچشمه گرفته باشد که وی مجری اهداف سیاسی فرمانروای روم بوده است، و حتی در ازای تاریخ‌نگاری به آزادی و دارایی رسیده باشد. و سپاسیان با آگاهی از استعداد سرشار یوسفوس در تاریخ‌نگاری، وی را برای اهداف داخلی و خارجی خود بسیار

منابع:

- دایره المعارف یهود Encyclopedio Judaica

- تاریخ قوم یهود: ژیلبرت و لیبی کلاپرس، ترجمه مسعود همتی.

یهودیان

هلند

سیما مقتدر



کنسای روتردام که در سال ۱۹۴۰ در بمباران آلمان‌ها ویران شد.

**هلاک یک کنسای در امرسفورت در
مورد وجود جو یهودستیزی
لیدگاهی بی طرف دارد و علت
تعلیمی حرکت ضدیهودی را
نقشی از مستیز میان
اسرائیل و فلسطین می‌داند**

در مکاتبات خود از زبان اسپانیایی استفاده می‌کردند.

انجمن پرتغالی‌ها هسته‌ای قدرتمند و ثروتمند داشت. بازرگانان یهودی اهل پرتغال به سیستم بازرگانی بین‌المللی راه یافتند و سهم به سزایی در شکوفایی اقتصادی دوران طلایی هلند داشتند. بازرگانان سفارادی در کارخانجات قند و شکر و در صنعت برش الماس، تولید ابریشم و تنباکو نقش مهمی داشتند. اما همکیشان اشکنازی آنها عموماً متمکن

ایالت، آنها مجاز به انجام فرائض مذهبی خود نیز بودند. هیچگاه در هلند محل خاصی برای یهودیان به نام

«گتو» وجود نداشته و داشتن علائم خاص ظاهری برای مشخص بودن مذهب آنها صورت نگرفته است. انجمن‌های یهودیان در ایالات مختلف از استقلال زیادی برخوردار بودند. یهودیان فقط از عضویت و همکاری در اصناف منع شدند.

یهودیان اکثراً در غرب هلند یا به عبارتی آمستردام، لاهه، میدلبرگ و روتردام و عده‌ای نیز بطور پراکنده در مناطق دیگر سکونت داشتند. تعداد یهودیان اشکنازی که پس از سال ۱۶۲۰ میلادی از لهستان و آلمان به هلند مهاجرت کردند، بیش از سفارادی‌ها بوده است. در سال ۱۶۳۵ انجمن مستقل یهودیان آلمانی که از فرهنگ بالایی برخوردار بودند تاسیس شد. تفاوت میان این دو گروه از یهودیان بسیار بارز بود: یهودیان اشکنازی به زبان ییدیش تکلم می‌کردند و یهودیان اسپانیایی - پرتغالی

مقدمه: کشور پادشاهی هلند با وسعتی حدود ۴۱۵۰۰ کیلومترمربع و جمعیتی نزدیک به ۱۶ میلیون نفر در اروپا واقع شده است. بیش از نیمی از سکنه این کشور پیرو مسیحیت هستند. حدود ۳۷ درصد آنها از مذهب خاصی پیروی نمی‌کنند و فقط چهار درصد پیرو مذاهب دیگر هستند. مردمان این کشور اروپایی، به زبان هلندی و فرزی تکلم می‌نمایند. این کشور دارای ۱۲ ایالت از جمله «اوترشت» است و پایتخت آن با جمعیتی بالغ بر ۷۲۵ هزار نفر، آمستردام است. مرکز حکومتی هلند «لااهه» است.

از حضور یهودیان در جنوب و شرق هلند در منابع مربوط به قرون وسطی مکرراً سخن به میان آمده است. حدود سال ۱۵۹۰ میلادی تعداد کثیری از بازرگانان اهل پرتغال در قسمت شمالی هلند سکنی گزیدند. این افراد به ظاهر مسیحی شده بودند ولی در حکومت جمهوری به یهودیت رجوع نمودند. در هلند هیچگاه قانون معتبر عمومی ویژه یهودیان وضع نشد بلکه هر ایالتی، خود راساً در مورد پذیرش یهودیان تصمیم می‌گرفت. به دنبال پذیرش یهودیان در هر

بیمارستان یهودیان به همراه جمع کثیری از سالمندان و معلولین در آمرسفورت به گلوله بسته شدند. گفته می‌شود نازی‌ها در مجموع ۱۰۶۰۰۰ یهودی هلندی یا به عبارتی هفتاد و شش درصد از جمعیت یهودیان هلندی را قتل عام نمودند.

در حال حاضر در هلند بالغ بر سی هزار یهودی ساکن هستند. اکثر آنها زیاد پایبند به اصول مذهبی نیستند، به همین جهت در حال حاضر در راستای تجدید حیات ارزش‌های یهودیت قبل از جنگ جهانی در هلند تلاش زیادی می‌شود. حاخام (رهبر مذهبی) آمرسفورت و همسرش هردو اهل هلند هستند. او می‌گوید: «در آمرسفورت قدیمی ترین یشیوا (مدرسه علوم مذهبی یهود) اروپای غربی فعالیت دارد و اخیراً دویست و هفتاد و پنجمین سالروز تاسیس آن جشن گرفته شده است.» او در ادامه در مورد چگونگی ساخت کنیسا می‌گوید: «در اکثر کنیساهای هلند، هخال (قبله) به سمت مشرق است. اما هخال در یشیوای مذکور که تاریخ تاسیس آن به اوائل قرن هجدهم برمی‌گردد به طرف جنوب شرقی یا به عبارتی بطرف اورشلیم بنا شده است. زیرا در آن زمان دستور العمل خاصی برای ساخت بناها وجود نداشت.»

پس از جنگ جهانی دوم از کنیسای آمرسفورت فقط یک نمای خارجی به جای مانده بود. نازی‌ها از ساختمان کنیسا استفاده کرده ولی تمام اجناس داخل آن را سوزانده بودند. این کنیسا به مرور مجدداً بازسازی شد. تنها درب محل نگهداری تومارهای تورات در امان مانده بود که در سه تکه مجزا در مناطق مختلف شهر پیدا شده و پس از تعمیر به محل اولیه خود در کنیسا بازگردانده شده است. در اواخر جنگ، سربازان کانادایی که در میان آنها سربازان یهودی نیز بوده در آمرسفورت مستقر بوده‌اند. گفته می‌شود آنها

روزمراه‌اش را به سبکی شیوا و در عین حال سوزناک در اندیشه آینده‌ای ایده‌آل پس از پایان آن دوران سخت به رشته تحریر درآورد. اما در اوت ۱۹۴۴ محل اختفای آنها توسط سربازان آلمانی کشف شد و همگی روانه بازداشتگاه شدند. یکسال بعد در مارس ۱۹۴۵ آنا فرانک که در آن زمان تنها ۱۶ سال داشت در پی ابتلا به تیفوس در بازداشتگاه بدرود حیات گفت. اما دست‌نوشته‌هایش به جای ماند و بعدها توسط پدرش، به عنوان تنها بازمانده خانواده او، با تیراژی بالغ بر ۱۵ میلیون جلد برای اولین بار منتشر شد.

یهودیان آمرسفورت در ایالت اوترخت
آمرسفورت شهر کوچک و آرامی از دوران قرون وسطی است که در ۳۵ کیلومتری جنوب شرقی آمستردام در میان جنگل‌های سرسبز واقع شده است. این شهر دارای ۱۲۴۰۰۰ سکنه است. در آمرسفورت و حومه آن در سال ۱۹۴۰ هنگام حمله نازی‌ها بالغ بر ۸۲۰ یهودی سکونت داشتند. تاریخ یهودیت در آمرسفورت از قدمتی بیش از چندین قرن برخوردار است.

تا قبل از شروع جنگ جهانی دوم سربازان هلندی در ساختمانی در نزدیکی ورودی شهر مستقر بودند. اما در اوت ۱۹۴۱ نازی‌ها این ساختمان را به تصرف خود درآوردند و از آن به عنوان زندانی برای نگهداری کمونیست‌ها، روحانیون پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها، زندانیان سیاسی و یهودیان آمرسفورت استفاده کردند. در آن زمان انجمن کلیمیان تلاش زیادی در جهت دفاع از حقوق یهودیان نمود. اما این تلاش‌ها موثر واقع نشد و در آوریل ۱۹۴۳ اکثر زندانیان یهودی به بازداشتگاهی در نزدیکی مرز آلمان و پس از مدت کوتاهی نیز به لهستان منتقل شدند. همزمان صدها یهودی در

نوبه و در کارهایی چون خرید و فروش چارپایان و ذبح اشتغال داشتند. بعد از سال ۱۷۷۰ میلادی در کشور هلند بر تعداد انجمن‌های کلیمیان افزوده شد. در سپتامبر ۱۷۹۶ به دستور حکومت فرانسه حقوق شهروندی یهودیان به رسمیت شناخته شد. اما این به رسمیت شناختن به قیمت از دست رفتن زبان رایج میان آنها تمام شد.

طی قرن نوزدهم همگن شدن یهودیان با جامعه اکثریت پیشرفت چشمگیری نمود. یهودیان در فعالیت‌های اجتماعی شرکت داشتند و فعالیت‌های خود را در رشته‌های هنری، چاپ و نشر و ادبیات آغاز نمودند. در این جو سوسیالیستی، جامعه کارگری یهود احساس امیدواری بیشتری نمود. در هلند صهیونیسم تا قبل از آغاز جنگ جهانی دوم هیچ‌گونه طرفداری نداشت. اما با آغاز حمله ارتش آلمان در اواسط سال ۱۹۴۰ میلادی، زندگی مشترک و صلح آمیز سیصد ساله یهودیان در هلند خاتمه یافت. از حدود ۱۴۰۰۰۰ یهودی که در آن زمان در هلند ساکن بودند بیش از ۱۰۶۰۰۰ تن روانه بازداشتگاه‌های هیتلر شدند. نمونه بارز و معروف این قتل عام «آنا فرانک» است که منزل او کماکان در آمستردام بعنوان مکانی دیدنی و تاریخی حفظ می‌شود.

«آنا فرانک» که به عنوان نویسنده مشهورترین دفترچه خاطرات شهرت دارد در سال ۱۹۲۹ در شهر فرانکفورت آلمان دیده به جهان گشود. وی در چهار سالگی به همراه خانواده‌اش و به امید رهایی از سرنوشت شومی که در انتظار یهودیان آلمان بود، این کشور را به سوی آمستردام ترک گفت. اما در آنجا نیز برای رهایی از مرگ به همراه جمعی از یهودیان، دو سال تمام در حیاط خلوت منزلی با شرایط بسیار سختی زندگی کرد. آنا فرانک در این فاصله زمانی خاطرات تلخ

نیمکت‌های جدیدی برای کنیسا تهیه کرده‌اند که تا سال‌های اخیر نیز از آنها استفاده می‌شده است. اما نه سال پیش هنگام تعمیر و تراش دیوارهای یشیوای شهر آمرسفورت رنگ اصلی ساختمان مربوط به ۲۷۵ سال پیش نمایان شد و کماکان نیز به جای مانده است.

حاکم آمرسفورت در تشریح وضعیت جامعه یهود هلند می‌گوید: «جامعه یهود هلند در خارج از آمستردام به مدینه فاضله معروف است و آمرسفورت با داشتن یکصدوسی عضو به عنوان بزرگترین انجمن موجود در این مدینه فاضله به شمار می‌آید.» در اعیاد و روزهای شبات با حضور جمعیتی از یهودیان اشکنازی بالغ بر ۳۰ تا ۴۰ نفر مراسم مذهبی در کنیسا به جای آورده می‌شود. تنها در آمستردام جمعی از یهودیان سفارادی حضور دارند که در شمال شرقی این شهر یک کنیسای اسپانیایی- پرتغالی نیز برپا نموده‌اند.

تعدادی از تومارهای تورات موجود در کنیسای آمرسفورت مربوط به دوران قبل از جنگ جهانی دوم است که در شیروانی یک بانک محلی به طور پنهانی نگهداری شده بودند.

حاکم این کنیسا در مورد وجود جو یهودستیزی در آمرسفورت دیدگاهی بی‌طرف دارد و علت تمامی حرکات ضدیهودی را ناشی از ستیز میان اسرائیل و فلسطین می‌داند.

یهودیان شهر جوان «آلمر»

هلند سرزمینی جلگه‌ای است و کم ارتفاع‌ترین کشور اروپایی محسوب می‌شود. به طوری که در قسمت‌هایی از آن که پایین‌تر از سطح دریا قرار گرفته، از طریق ایجاد سدهایی، جلوی نفوذ آب دریا به آن نواحی گرفته شده است. این نواحی مربوط به سواحل جنوبی آن

می‌گردد و حدود ۷ متر از سطح دریای آزاد پایین‌تر است که حوالی شهر روتردام قرار دارد.

«آلمر» پایتخت ایالت فلولند نیز در کنار دریا واقع شده است و در سال ۱۹۶۷ به دنبال احداث سد عظیمی از آب خارج شد. لذا انجمن کلیمیان این شهر به عنوان جوان‌ترین انجمن کلیمیان هلند یا به عبارتی جهان شمرده می‌شود. این شهر در ۳۰ کیلومتری آمرسفورت واقع شده و در سال ۱۹۷۵ تاسیس یافته است. با توجه به سیر صعودی جمعیت در این شهر به نظر می‌آید این شهر در سال ۲۰۰۵ پذیرای ۱۸۵ هزار سکنه یا به عبارتی جمعیتی بیشتر از جمعیت فعلی آمرسفورت باشد.

انجمن کلیمیان این شهر انجمنی منحصر به فرد در نوع خود می‌باشد. زیرا اکثر افرادی که در این شهر سکونت دارند در این شهر متولد نشده‌اند. در صورتیکه در اکثر انجمن‌های دیگر مثل آمرسفورت یا آمستردام افراد از چندین نسل قبل در این مناطق سکونت داشته‌اند. انجمن شهر آلمر به نوعی به نام انجمن‌های پیشگام معروف است که دارای بیش از یکصد عضو می‌باشد که رابطه زیادی هم با کنیسا ندارند. این انجمن در حال حاضر حدود ۱۵۰ عضو دارد که سی نفر آنها با حضور مرتب خود امکان برگزاری مراسم روز شبات را فراهم می‌کنند. اما مراسم شب شبات، ماهی یک‌بار به همراه صرف شام در منزل حاکم این شهر برگزار می‌شود. با توجه به سیر صعودی جمعیت در این شهر شاید تا سال آینده، هر جمعه بعد از ظهر مراسم شب شبات هم در کنیسا برگزار شود. حاکم این شهر در کنار همسر هلندی خود از ۴ سال پیش تاکنون در آلمر فعالیت خود را آغاز نموده است و جزء تعداد افراد انگشت‌شماری محسوب می‌شود که به طور کامل اصول مذهبی و کثروت را رعایت می‌نمایند.

کنیسای آلمر در مرکز شهر در یک ساختمان استیجاری قرار دارد. جامعه یهود این شهر تنها دارای دو جلد تومار تورات هستند که یک جلد آن نیز باید ترمیم شود و در حال حاضر شرایط لازم برای قرائت را دارا نیست. تومار تورات دوم نیز اهدایی از طرف انجمن کلیمیان آمرسفورت است. نفس اهداء تومار تورات توسط قدیمی‌ترین انجمن کلیمیان هلند به جوان‌ترین انجمن در هلند دارای معنایی خاص و سمبلیک می‌باشد. درب جایگاه نگهداری تومارهای تورات نیز از قدمتی یکصد ساله برخوردار است و توسط انجمن کلیمیان آلمر تهیه شده است. هر دو هفته یکبار حاکم این شهر در منزل خود برای اعضاء این انجمن جوان سخنرانی مذهبی می‌کند. در قسمتی از سخنرانی به تفسیر و بررسی متن تورات هفته (پاراشای هفته) پرداخته می‌شود و علاوه بر آن عبری نیز آموزش داده می‌شود.

حاکم شهر آلمر در مورد عکس‌العمل یهودیان به جای مانده از جنگ جهانی دوم می‌گوید: «عده زیادی از آنها در ابتدا هیچگونه تمایلی به یهودیت و یا ارتباط با انجمن کلیمیان نداشتند. اما انجمن سعی در جذب آنها دارد و تاکنون تا حد زیادی نیز موفق بوده است.»

وی در مورد آینده یهودیت در این شهر جوان می‌گوید: «اکثر اعضاء جامعه یهود این شهر زوج‌های جوانی هستند که به علت پایین بودن مخارج در این شهر در مقایسه با شهرهایی چون آمستردام، این منطقه را برای سکونت انتخاب کرده‌اند و حضور این افراد باعث ایجاد انجمنی قوی‌تر از دوره قبل از جنگ جهانی دوم خواهد شد.» ■

منابع:

- 1- Jüd.Allg./2003
- 2- Jewish Lexicon
- 3- Aktuell 2000

مقایسه آلفابتیک

زبان‌های سامی (عبری و عربی)

مژده صیونیت

اشاره:

مقاله حاضر یک تحقیق کتابخانه‌ای در مورد مقایسه آلفابتیک زبان‌های سامی است. تاریخ خط و پدیده ابداع آن یکی از شگفت‌آورترین و پیچیده‌ترین اختراعات بشر به شمار می‌رود به عقیده اکثر محققان پیدایش الفبا و خط حدود زیادی مدیون قوم سامی است. تقریباً تمام خط‌های جهان از انشعابات خط‌های سامی سرچشمه گرفته‌اند. پرداختن به تاریخ پیدایش الفبا و خط‌های جهان موضوع بسیار گسترده و پیچیده‌ای است که ذکر تمامی جزئیات آن در این مقوله امکان‌پذیر نیست. در این تحقیق سعی شده مطالب مهم در مورد تاریخ ایجاد خط‌های سامی به خصوص عبری و عربی در اختیار خوانندگان قرار گیرد.

الفبا چگونه بوجود آمد؟

ریشه الفبا و چگونگی بوجود آمدن آن، همواره مورد توجه و کنجکاوی انسان بوده است. در

اسطوره‌شناسی یونان عقیده بر این است که الفبا و خط نوشتاری برای اولین بار از «فینیقیه» به «یونان» آورده شد. این الفبا را یونانی‌ها پذیرفتند و رفته رفته پیشرفت‌هایی در آن به وجود آوردند. بعدها نیز یونانی‌ها ابراز داشتند که فینیقی‌ها هنر خط و نوشتن را از مصری‌ها فرا گرفته بودند.

اسطرخیلی	عبری اولیه	عبری	عبری	عبری	عبری	عبری
א ב ג ד ה ו ז ח ט י כ ל מ נ ס ע פ צ ק ר ש ת	א ב ג ד ה ו ז ח ט י כ ל מ נ ס ע פ צ ק ר ש ת	א ב ג ד ה ו ז ח ט י כ ל מ נ ס ע פ צ ק ר ש ת	א ב ג ד ה ו ז ח ט י כ ל מ נ ס ע פ צ ק ר ש ת	א ב ג ד ה ו ז ח ט י כ ל מ נ ס ע פ צ ק ר ש ת	א ב ג ד ה ו ז ח ט י כ ل מ נ ס ע פ צ ק ר ש ת	א ב ג د ه و ز ح ط י כ ל מ נ ס ע פ צ ק ר ש ת

جدول مقایسه بین الفباهای باستانی

ناشناخته‌ای بود که حدوداً به اواسط هزاره دوم قبل از میلاد مسیح مربوط می‌شد. اولین اقدامات برای بررسی و شناسایی این متون تصویری، ۱۲ سال بعد توسط «میرآلن گاردینر» انجام گرفت و معانی بسیاری از این لغات تصویری ناشناخته آشکار شد. دقیق‌ترین مطالعات در این مورد توسط شخصی به نام «و.ف. آلبرایت»

کتیبه‌های کنعانی‌های اولیه و خط میخی کنعانی‌ها

دوره جدید تحقیقات در مورد ریشه الفبا در سال ۱۹۰۵ م. آغاز گردید. این تحقیقات پس از کشف کتیبه‌های سینایی‌های اولیه توسط «میرفلیندرز پتری» در شبه جزیره سینا آغاز شد. آنچه کشف شده بود آثار عکس‌دار و تصاویر

صورت گرفت که عقیده داشت الفبای آن زمان را ۲۷ حرف تشکیل می‌داده و می‌توان ۲۳ حرف آن را در کتیبه‌های تصویری یافت. «سر آلن گاردینر» موفق

حروف زبان عبری و آرامی باستانی درست مثل الفبای یونانی از تغییر و تحول در همین خط «فینیقی»ها متولد شدند

شد در این کتیبه‌ها مشخص کند که تصاویر چه حروفی را نشان می‌دهند. به طور مثال تصویر چوب دستی به جای حرف «لامد» (در عبری) یا «لام» (در فارسی)، تصویر خانه برای حروف «بیت» (در عبری) یا «ب» (در فارسی) تصویر چشم به جای حرف «عین» (در عبری) یا «عین» (در فارسی)، تصویر چوب دستی به جای حرف «لامد» (در عبری) یا «لام» (در فارسی) و بالاخره علامت (+) «به علاوه» به جای حرف «تاو» (در عبری) یا «ت» (در فارسی) به کار می‌رفته است. به این ترتیب مجموع این تصاویر، این حروف را تشکیل می‌دادند:

(لامد-بیت-عین-لامد-تاو) = [در فارسی: لام - ب - عین - لام - ت] و این حروف کلمه‌ای را تشکیل می‌دادند که به معنای «اله» یا «ربه‌النوع» بود.

دست‌نوشته‌های فلسطینیان اولیه

چندین دهه تصور می‌شد که کارگران یا برده‌های سامی غربی، در اثر ارتباط هر روزه با حروف تصویری مصری‌های باستان، توانستند اولین نمونه‌های الفبای نوشتاری را ابداع کنند. به هر حال، در برخی مکان‌ها در فلسطین چندین اثر نوشتاری و تصویری مشابه یافت شد. قدمت اکثر آنها به بعد از آثار «سینایی‌های اولیه» مربوط می‌شود. ولی مشخص شده که این کتیبه‌های تصویری زودتر از دست‌نوشته‌های سینایی‌های اولیه به وجود آمده است. اولین دست‌نوشته‌ها که به حروف نوشتاری نزدیک هستند مربوط به اواخر عصر «برنز» تا اوایل عصر «آهن»

هستند که به حروف بسیار ابتدایی تبدیل شده است.

این حروف نوشتاری که الفبای کنعانی‌های اولیه نامیده می‌شود در شکل شماره ۱ مشخص است.

اسامی و ترتیب پیدایش الفباهای اولیه ارائه شده به این شرح است:

۱- حروف الفبای کنعانی‌های اولیه
الف- فلسطینی قدیم (قرن ۱۷ تا ۱۲ قبل از میلاد)
ب - سینایی اولیه (قرن ۱۵ قبل از میلاد)

۲- متون کنعانی به خط میخی
الف - یوگارتی (مربوط به قرن ۱۴ و ۱۳ قبل از میلاد)

ب - فلسطینی (قرن ۱۳ و ۱۲ قبل از میلاد)

اولین دست‌نوشته‌ها که به حروف نوشتاری نزدیک هستند مربوط به اواخر عصر «برنز» تا اوایل عصر «آهن» هستند

به نظر می‌رسد الفبای کنعانی‌های اولیه تقلیدی از بعضی حروف تصویری مصر باستان باشد (چیزی شبیه خط هیروگلیف مصری‌های قدیم). ابتدا بعضی از جمعیت‌های کنعانی، روش نوشتن را از حروف میخی «اکدی‌ها» یاد گرفتند و مثل خود آنها حروف را روی لوح‌های گلی می‌نوشتند یا حکاکی می‌کردند که رفته رفته آن را به الفبای جدیدتری تبدیل کردند. خط میخی «اکدی‌ها» در اواخر هزاره دوم به منظور مکاتبات بین‌المللی بین فرعون مصر و فرستاده‌هایش در فلسطین به کار می‌رفت. استفاده از این حروف میخی فقط به بخش شمالی کنعان محدود نمی‌شد. نوشته‌هایی به این خط در سه بخش دیگر از فلسطین یافت شده است. اما تا آنجایی که ما می‌دانیم الفبای میخی تا اوایل عصر آهن (قرن ۱۲ قبل از میلاد) استفاده می‌شد و

پس از آن دیگر مورد استفاده قرار نگرفت.

پس از آن بود که دستخط معروف به خط کنعانی‌های اولیه منبع اصلی تمام متون نوشتاری شد و بعدها در تمام دنیای باستان گسترش یافت. در قرن ۱۳ قبل از میلاد شاخه الفبای «عربی اولیه» از این حروف الفبا منشعب شد. این حروف «عربی اولیه» پدر تمام خطوطی است که در آثار باستانی بخش جنوبی سرزمین‌های عربی و نوشته‌های اتیوپی‌ها به چشم می‌خورد.

به هر حال اصلی‌ترین شاخه نوشتاری که از حروف و خط کنعانی‌های اولیه منشعب می‌شود، خط «فینیقی»ها است که در نهایت حروف زبان عبری و آرامی باستانی درست مثل الفبای یونانی از تغییر و تحول در همین خط «فینیقی»ها متولد شدند. در نمودار شماره یک این انشعابات مشخص شده‌اند.

کتیبه‌های الفبایی و حروف الفبای ابتدایی

حروف الفبا در دوران اولیه تولد خط با آنچه امروزه (به خصوص در مورد حروف الفباهای منشعب شده از لاتین) در اذهان است، تفاوت‌هایی دارد. امروزه در میان مردم کشورهای اروپایی و آمریکایی و ... (لاتین زبان‌ها) وقتی از سخن از الفبا به میان می‌آید، تصویر فهرستی از حروف صدا دار و بی‌صدا به ذهن خطور می‌کند. اما در آن زمان، الفبا به تعدادی حروف بی‌صدا اطلاق می‌شد. تعداد این حروف حدوداً بین ۲۰ تا ۳۰ حرف بود که در ترتیبی ثابت پشت سر هم قرار می‌گرفتند و هر یک به تنهایی ارزش خاصی نداشتند. تا آنجا که تا به امروز فهمیده‌ایم الفبای ابتدایی شامل حروف بی‌صدا بوده که حرکتی به آنها اضافه می‌شده تا بتوان حروف بی‌صدا را تلفظ کرد. افزودن حرکات (مثل - - - - -

حروف سبائی‌های اولیه مربوط به ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد Proto-Sinaitic, c. 1500 B.C.E.	حروف کنعانی‌های اولیه مربوط به فلسطینی‌های باستان مربوط به قرن ۱۱ تا ۱۳ قبل از میلاد Palestinian Proto-Canaanite inscriptions, 13-11 th cent. B.C.E.	حروف فنیقی‌ها مربوط به ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد Phoenician c. 1000 B.C.E. (Ahiram Sarcophagus)	حروف عبری جدید Modern Hebrew
א	א	א	א
ב	ב	ב	ב
ג	ג	ג	ג
ד	ד	ד	ד
ה	ה	ה	ה
ו	ו	ו	ו
ז	ז	ז	ז
ח	ח	ח	ח
ט	ט	ט	ט
י	י	י	י
כ	כ	כ	כ
ל	ל	ל	ל
מ	מ	מ	מ
נ	נ	נ	נ
ס	ס	ס	ס
ע	ע	ע	ע
פ	פ	פ	פ
צ	צ	צ	צ
ק	ק	ק	ק
ר	ר	ר	ר
ש	ש	ש	ש
ת	ת	ת	ת

و ...) به حروف بی صدا قدمی بسیار مهم و اساسی در خواندن حروف محسوب می شده است.

از این کتیبه ها می توان به کتیبه سالنامه ای یافت شده در «گمزر» (Gezer) متعلق به قرن دهم قبل از میلاد و نوشته های «غار سیلوآمی» در اطراف بیت المقدس متعلق به قرن هشتم پیش از میلاد اشاره کرد

کتیبه های فینیقی ها

الفبای کنعانی های اولیه و الفبای میخی (مثل عربی جنوبی و شمالی و کلاسیک) از ۲۷ تا ۳۰ حرف تشکیل می شدند.

نوشته های کنعانی های اولیه به صورت افقی یا به صورت عمودی بود و یا مانند آنچه که در بیشتر مکتوبات آنها دیده می شود، سبک نگارش شیوه یک خط از راست به چپ و خط دیگر از چپ به راست نوشته می شد. این روش در زبان لاتین Boustrophedon خوانده می شود. در قرن ۱۱ قبل از میلاد، با رواج یافتن حروف نوشتاری، روش نگارش از سمت راست به چپ بیشتر مورد استفاده قرار گرفت و حروف الفبا (حروف بی صدا) به ۲۲ حرف کاهش یافت. خط کنعانی های اولیه نیز تغییری نکرد و به خط «فینیقی» ها تبدیل شد و این خط رواج بیشتری یافت. به نظر می رسد که الفبای فینیقی ها شامل ۲۲ حرف بی صدا بوده است. اما الفبای عبری و آرامی بسیار کامل تر از زبان فینیقی ها بوده است. وقتی که عبرانی ها و آرامی ها با خط فینیقی ها آشنا و متوجه شدند که با استفاده از این خط نمی توانند تمام حروف را بنویسند، با ایجاد تغییر و تحولاتی، به تکامل این خط کمک کردند.

مردم فینیقیه در سرتاسر دنیای باستان به تجارت می پرداختند. به این ترتیب، خط فینیقی ها و کتیبه های آنها در نقاطی از جهان مثل سرزمین های اطراف خلیج فارس و اسپانیا یافت شده است. اما

بیشتر این دست نوشته ها در فینیقیه و قبرس وجود داشته است. رفته رفته این خط به شمال آفریقا نیز گسترش یافت.

ارتباط زبان های عبری و عربی

زبان های عبری و عبری مانند دو زبان برادر هستند که به خانواده زبان های سامی وابستگی دارند. زبان های سامی به تمام زبان هایی که از زمان های بسیار قدیم در جنوب غربی آسیا و شمال شرقی آفریقا رایج بوده، اطلاق می شود. امروزه بخشی از این زبان ها از بین رفته و بخش دیگر هنوز باقی مانده است.

پیوندهای استوار و محکمی در میان تمام زبان های سامی از نظر حروف، حرکات، اصول ماده و ترکیب جملات وجود دارد.

محققان بر این عقیده اند که تمام زبان های سامی از یک زبان واحد سرچشمه گرفته اند که می توان آن را زبان سامی مادر نامید.

اقوام سامی مثل اکدیان، بابلیان، آشوریان، کنعانیان، آرامیان، عبرانیان، اموریان، اعراب و غیره از زمان های بسیار دور در منطقه خاورمیانه سکونت گزیدند. هر یک از این اقوام با زبانی سخن می گفتند که با وجود شباهت های فراوان، با یکدیگر اختلافاتی داشتند. به این ترتیب این موضوع ثابت می کند زمانی که تمام این اقوام به یک زبان صحبت می کردند، به دوران بسیار دور و شاید حتی ماقبل تاریخ مربوط می شود. دامنه پیوستگی زبان های سامی با یکدیگر کمتر از ارتباط زبان های لاتین نیست، با این تفاوت که تاریخ انشعاب زبان های لاتین از چند صد سال پیش تجاوز نمی کند. به باور محققان، برخی خصوصیات ثابت و مشترک بین زبان های سامی وجود دارد که بی شک از زبان سامی مادر به ارث رسیده و همین خصوصیات با گذشت هزاران سال مانع از جدایی این زبان ها با یکدیگر شده است.

مشخصات زبان های سامی

۱- زبان های سامی فقط بر حروف تکیه دارند و حرکات که در لاتین همان حروف صدادار (Voyelles) یا (Vowet) هستند، در این زبان ها امر ثانوی شمرده می شود. (مثلاً -، -، - و ...) مانند زبان فارسی در زبان های سامی نیز حرکات محسوب می شوند، در صورتی که در زبان های لاتین حرکات وجود ندارند و این صداها و حرکات در حروف می گنجند: مثل e, o, I و ...

به این ترتیب می بینیم که سامیان، حرکات را با علاماتی که بالا و یا زیر حرف می گذارند، نشان می دهند. در حالی که آریایی ها آن را با حروف متمایز می کنند.

۲- در زبان های سامی فعل نقش بسیار مهم دارد: نمایه و اسمها متوجه فعل هستند و فعل محور کلمات است.

۳- در زبان های سامی مشتق شدن افعال و اکثر اسمها برحسب اوزان قیاسی ثابت و متشابهی می باشد که این امر باعث غنای فراوان این زبان ها شده است.

زبان های عبری و عربی، گرچه در شکل و قیافه حروف الفبایی شباهت نزدیکی ندارند، ولی در تلفظ، ریشه افعال و لغات، معنی و مفهوم کلمات، طرز جمله بندی و شیوه استفاده از ضمائر بسیار شبیه به هم هستند

طبقه بندی زبان های سامی:

دانشمندان معمولاً زبان های سامی را به سه گروه تقسیم می کنند:

- ۱- زبان های خاوری که عبارتند از اکدی - بابلی و آشوری.
- ۲- زبان های باختری که عبارتند از کنعانی - عبری - آرامی با لهجه هایشان.
- ۳- زبان های جنوبی که عبارتند از زبان عربی با تمام لهجه هایش و زبان حبشی.

ششم قبل از میلاد) از آنان به یادگار مانده در مقایسه با آثار دیگر ادبی آنها آسیب کمتری دیده است. از این کتیبه‌ها می‌توان به کتیبه سالنامه‌ای یافت شده در «گهزر» (Gezer) متعلق به قرن دهم قبل از میلاد و نوشته‌های «غار سیلوآمی» در اطراف بیت‌المقدس متعلق به قرن هشتم پیش از میلاد اشاره کرد.

خط عبری باستان پس از دوران اسارت آنها نیز در روی سکه‌های قدیمی به یادگار مانده است.

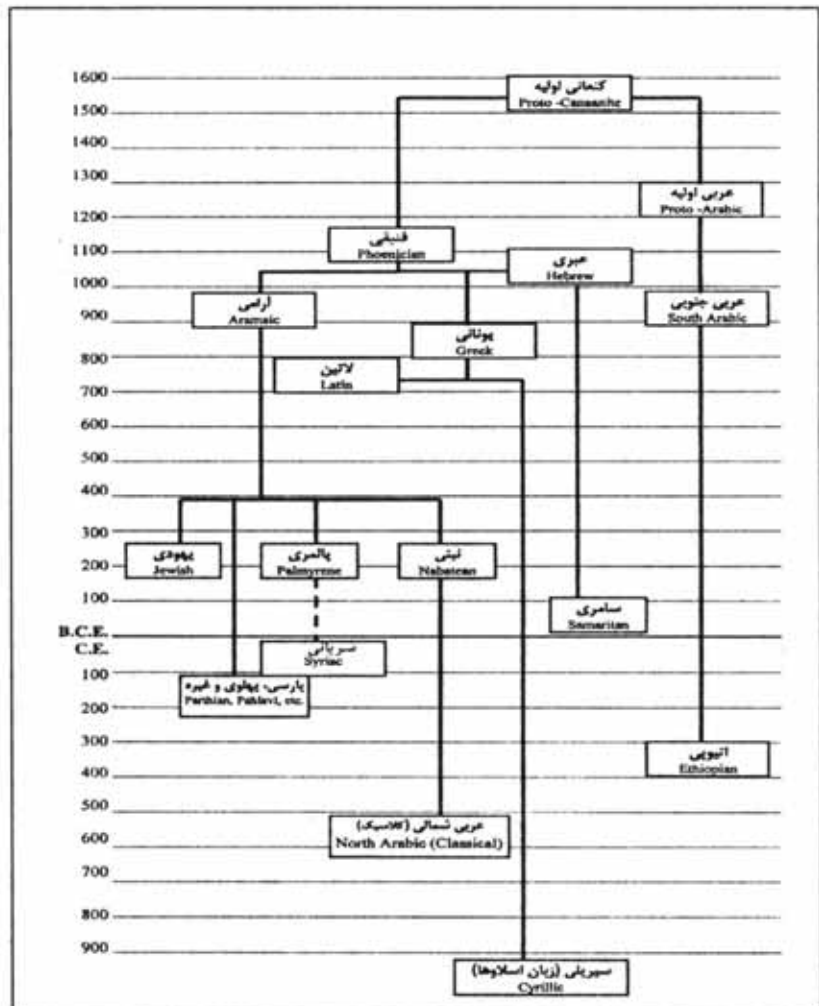
خط عربی جوان‌ترین شاخه خط الفبایی سامی به شمار می‌رود. این خط کمی پیش از ظهور اسلام مورد استفاده قرار می‌گرفت. قدیمی‌ترین نوشته آن متعلق به کتیبه ام‌الجمال (قرن ۶ میلادی) است.

اکنون می‌توان به ارتباط زبان‌های سامی از نظر تاریخی پی برد. امروزه نیز زبان‌های عبری و عربی، گرچه در شکل و قیافه حروف الفبایی شباهت نزدیکی ندارند، ولی در تلفظ، ریشه افعال و لغات، معنی و مفهوم کلمات، طرز جمله‌بندی و شیوه استفاده از ضمایر بسیار شبیه به هم هستند. ■

منابع:

- ۱- دایره‌المعارف Judaica بخش مربوط به پیدایش الفبای عبری
- ۲- تاریخ خط‌های جهان و سیر تحولات آنها از آغاز تا امروز نوشته فردریش یوهانس
- ۳- پیدایش الفبا نوشته مطران اندراوس صنا (رئیس انجمن زبان‌های سیرمانی در عراق) ترجمه: علی محدث
- ۴- A story of writing نوشته I.J.A Gelb
- ۵- The Origin of the writing and our alphabet نوشته S.Mercer
- ۶- دایره‌المعارف Britanica بخش‌های مربوط به الفبا

طراحی مجلد نمودارها: الهام آهانی



شاخه شدن الفبا

۳- خط عبری باستان که از آن

خط‌های موآبی، آدومی، عمونی و سامری زاده شده و از آنها به غیر از مقدار بسیار اندکی از خط سامری، اثری باقی نمانده است.

۴- خط آرامی که اکثر خطوط جهان از آن زاده شده و شاید ریشه تمام خطوط جهان است.

خط عبری

عبرانی‌ها، خط و ارزش‌های فرهنگی کنعانیان را در قرن ۱۱ یا ۱۲ قبل از میلاد مسیح به میان خود نفوذ دادند. آنها تا قرن نهم ق.م از خط رایج فینیقی‌ها استفاده می‌کردند تا این که رفته رفته خط ملی خود را ابداع کردند.

کتیبه‌های سنگی به خط عبری باستانی که پیش از اسارت عبرانی‌ها در بابل (قرن

۱- خط سامی جنوبی در جنوب شبه جزیره عرب انتشار یافت و از دریای سرخ به حبشه رسید و پس از آن بین قبایل جزیره‌العرب منتشر شد و خطوط دیگری از آن زاده شد. از این خط جز قلم حبشی چیز دیگری باقی نمانده است.

۲- خط فینیقی باستان که خط فینیقی جدید از آن متولد شده و با برخی تغییرات به شمال آفریقا و سواحل دریای مدیترانه انتقال یافته است.

قلم ایبری (اسپانیای قدیم) از آن به وجود آمده و همه خطوط دیگری که از آن زاده شده از بین رفته است. بسیاری از شرق‌شناسان بر این باورند که الفبای یونانی که ما در همه خطوط غربی است نیز از خط فینیقی اقتباس شده است.

حفظ « هویت یهودی » چگونه ؟

(بخش نخست)

ماهیار کهن‌باش

«... در میان دانشجویان متحصن در

دانشگاه تهران (سال ۱۳۳۹) ما چند نفر کلیمی

بودیم، که اتفاقاً هویت یهودی جمع ما هم با

یک سخنرانی تحسین برانگیز در آن تحصن

سیاسی مشهود و مشخص شد».

هارون یشایی

مردادماه ۱۳۸۲ - سازمان دانشجویان

۱- هدف از ذکر قسمت کوتاهی از خاطرات

«یشایی» که به سال‌های پیش از تاسیس

سازمان دانشجویان برمی‌گردد، این نیست که

جماعی برای تخطئه و یا حتی «نقد» اوضاع و

احوال فعلی سازمان دانشجویان یهود و در

گستره وسیع‌تر دانشجویان یهودی یافته باشم،

گرچه گاهی از موضع غرور، احساس «گنگ

خواب دیده» بودن می‌کنم اما حتی اگر «عالم

تمام کر» و «خلق از شنیدنش» عاجز نباشند

(که نیستند) «من عاجزم زگفتش». همچنین

قصد ندارم الگویی از گذشتگانی که درست یا

غلط عادت کرده‌ایم همواره به نیکی از آنان یاد

کنیم، تحویل دانشجویانی بدهم که در کشوری

زندگی می‌کنند که حکومتش، تقریباً دینی‌ترین

حکومت جهان است؛ حکومتی که برخاسته از

یکی از اسلامی‌ترین انقلاب‌ها و جنبش‌های

تاریخ (پس از صدر اسلام) است. انقلابی که با

هدایت یکی از موفق‌ترین رهبری‌های

کارزماتیک مذهبی در طول تاریخ به پیروزی

رسیده و ... حتی اگر از پشت سفیدترین عینک

دنیا نگاهی به انقلاب اسلامی ملت ایران

بیندازیم، تعارضات میان یک جنبش اسلامی

ارتدکس و اقلیت‌های مذهبی (خصوصاً یهودیان)

را گریزناپذیر و حتمی می‌یابیم. منظور این نیست

که لزوماً «حاکمیت اسلامی» تعرضی به

یهودیان کرده باشد، بلکه آن چه مشهود و

مشخص است صرفاً وجود بعضی

«تعارض» هاست که دشمنان و دوستان انقلاب

هم به آن اذعان دارند و البته دوستان، آن را

«گریزناپذیر» می‌دانند (مثل ما)، دانشجویان

یهودی میراث‌دار چنین کشور و چنین شرایطی

هستند. برای درک و شناخت تفاوت‌های آشکار

فضای سیاسی ایران در دهه ۲۰ و ابتدای دهه

۳۰ شمسی و آن چه امروز می‌بینیم و تا حدی

لمسش می‌کنیم نیازی نیست که تاریخ را «به

خوبی» بدانیم، آن دوران با امروز تفاوت‌های

بنیادی دارد و دقیقاً به همین خاطر است که

تحویل یک الگوی «وکیوم» شده از آن مدل

دانشجویان، به دانشجویان امروزی را خلاف

عقل و منطق می‌بینم. اصولاً «تسبیت» چنان

سایه‌ای بر این مباحث می‌افکند که خارج کردن

آنان از ظرف زمان و مکان و سنجش آنان در

خلا مطلق یک ذهن بسیار شجاع و مطمئن را

طلب می‌کند. خلاصه این که قصدم این نیست

که بگویم: دانشجویان یهودی در فلان سال‌ها

فعالیت سیاسی کرده‌اند، خوب است، امروز

نمی‌کنند، بد است. آن روزها مطالعات

ایدئولوژیک داشتند، خوب است، امروز ندارند بد

است. رادیکال بوده‌اند، خوب است، امروز

بی‌تفاوتند، بد است. به مباحث فکری و نظری

علاقه‌مند بوده‌اند، خوب است، امروز بی‌علاقه‌اند،

بد است و ...

۲- من به یاد نمی‌آورم، اما بوده است زمانی

نه چندان دور که اقلیت یهودی در ایران به

شکلی کاملاً ایزوله (البته در بعضی شئون) ولی

«میان» سایر ایرانیان زندگی می‌کرده، دلیل این

امر - یعنی وجود یک دیوار جدا کننده میان

ایرانیان یهودی و مسلمان را با دو رویکرد

می‌توان بررسی کرد.

نخست محدودیت‌هایی است که جامعه

اکثریت به هر دلیلی بر یهودیان تحمیل

می‌کرده، مانند ممنوعیت استفاده یهودیان از

بعضی اماکنی که کاربری عمومی دارند (به طور

مثال به دلیل عقیده برخی به نجاست یهودیان و

استعداد آب در انتقال آن به غیر یهودیان،

یهودیان ملزم بودند از حمام‌های مخصوص به

خود استفاده کنند).

دوم محدودیت‌هایی است که خود جامعه

یهودی به غلط یا درست برای خود ایجاد

می‌کرده و سعی داشته به نوعی خود را از جمع

اکثریت مسلمان - و گاه حتی سایر اقلیت‌های

دینی- جدا و ایزوله کند. پدر یهودی ترجیح

می‌داده پسرش را برای شاگردی به یک،

- مثلاً- قصاب یهودی بسپارد تا یک قصاب

مسلمان، بعدها هم که مدرسه آمد همان پدر

پسر را نه برای شاگردی که برای تحصیل علم

به مدرسه می‌فرستد، اما این بار هم اولویت یا

مدارس خاص یهودیان است. و نه به خاطر این

که مدارس دچار کمبود محصل بوده‌اند و امکان

تعطیلی آنان با عدم ثبت‌نام دانش‌آموزان یهودی

می‌رفته (آنچه امروز توسط مسئولان انجمن

کلیمیان برای حفظ این میراث جامعه کلیمی به

حق گوشزد می‌شود) بلکه به این خاطر که به هر

دلیل علاقه‌ای نداشته پسرش در میان

دانش‌آموزان مسلمان تحصیل کند.

امروز اما شرایط، در بعضی سطوح

دگرگونی‌های بسیاری را تجربه کرده، سخن

گفتن از حمام، محله، «گتو» و ... ویژه تاریخ

است و تقریباً مصداق امروزی ندارد، بیش از ۷۰

تا ۸۰ درصد دانش‌آموزان کلیمی در میان

هموطنان مسلمان خود تحصیل می‌کنند،

شاغلان خصوصی و یا دولتی یهودی همکاران

مسلمان دارند و مهمتر از همه «دانشگاه»، که

شاید بتوان «مخلوط کن» فرهنگ‌ها، ادیان،

ملیت و ... نامیدش، جای خود را به اندازه کافی

در ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی و

متعاقب آن جامعه یهودیان ایرانی باز کرده است.

اما یک نکته سفت و محکم پابرجاست،

گرچه زاویه و شیوه نمودش را تغییر داده و البته

در بعضی شئون هم ظاهر ستی‌اش را بدون

ذره‌ای تغییر حفظ کرده: یهودیان به طور

ناخودآگاه تمایل به «ایزوله» بودن از جامعه

اکثریت دارند و بعضی خط‌قرمزهای ارتباط با

جمع اکثریت را گر چه پاک کرده‌اند، بعضی

دیگر را پررنگ‌تر از گذشته حفظ کرده‌اند، تمایل

ناخودآگاهی که معلول تابویی است به نام «حفظ

هویت یهودی»...

(ادامه دارد)



معرفی برخی پایگاه‌های اینترنتی در حوزه دین و فرهنگ یهود

shamash.org

یکی از کامل‌ترین مراجع‌های اینترنتی برای معرفی سایت‌هایی است که درباره یهودیان و به ویژه آیین یهود فعالیت می‌کنند. این سایت یک فهرست موضوعی با ۳۰ عنوان دارد که در زیر هر عنوان سایت‌های مرتبط با آن عنوان به کوتاهی معرفی می‌شوند.

Aish

aish.com

این سایت یک شبکه اطلاع‌رسانی گسترده درباره آموزه‌های آیین یهود است. هدف گردانندگان این سایت یکپارچگی و نزدیکی میان یهودیانی است که با رویکرد صهیونیست‌ها چندان همراه و هم‌رای نیستند و زندگی در آرامش را در کنار پیروان آیین‌های دیگر خواستارند.

Torah.org

torah.org

این سایت بخش‌های گوناگونی دارد که بیشتر به تورات و تفسیرهای آن اختصاص دارد. مقاله‌های عمومی زیادی نیز درباره باورهای یهودی در این سایت ارائه می‌شود.

Jewish Culture and History

ddickerson.igc.org

یک سایت راهنما برای معرفی سرشناس‌ترین سایت‌های اینترنتی در زمینه فرهنگ و تاریخ آیین یهود است. در این سایت هر یک از سایت‌های دیگر به کوتاهی معرفی و سپس پیوندی به آنان ارائه می‌شود.

HEBREW UNION COLLEGE- JEWISH INSTITUTE
OF RELIGION

huc.edu

این سایت متعلق به موسسه یهودی دین در دانشگاهی عبری است. از جمله بخش‌های این سایت بخش کتابخانه، موزه‌ها و بایگانی است.

STEINHEIM-INSTITUTE

sti.uni-duisburg.de

در اینجا یک مرکز پژوهشی وابسته به یکی از ایالت‌های کشور آلمان معرفی می‌شود که به مطالعه و بررسی گسترش آیین یهود در قلمروهای آلمانی زبان می‌پردازد.

Temple Israel

temple-israel.com

این سایت نیز متعلق به یکی از مراکزهای آموزشی و پژوهشی یهودیان درباره آیین یهود است که تاحدودی گرایش صهیونیستی دارد. بخش‌های گسترده‌ای در سایت وجود دارد که از همه مهم‌تر بخش بایگانی مقاله‌ها و نوشته‌ها می‌باشد. گالری اینترنتی خوبی نیز در این سایت یافت می‌شود.

CENTER FOR JEWISH HISTORY

cjh.org

این نشانی اینترنتی متعلق به یک مرکز مطالعاتی در زمینه تاریخ قوم بنی‌اسرائیل و آیین یهود می‌باشد. بخش‌های بسیار گسترده و نوشته‌های گوناگونی در این سایت یافت می‌شود. این مرکز به شکل گسترده‌ای اقدام به برگزاری پیوسته همایش‌ها و سخنرانی‌هایی میان اندیشمندان یهودی می‌کند، بیشتر سخنرانی‌ها درباره موضوع‌های گوناگون و روزمره فرهنگی می‌باشند. یک روزنامه اینترنتی نیز توسط این مرکز به چاپ می‌رسد که کاربران می‌توانند آن را دریافت و مطالعه کنند.

Jewish Bible Association

jewishbible.org

انجمن یهودی کتاب مقدس یکی از مهمترین انجمن‌های پژوهشی درباره کتاب مقدس یهودیان، تورات، می‌باشد. در این سایت یک فصلنامه پژوهشی از مطالعه‌های انجام شده در این زمینه توسط این انجمن تهیه می‌گردد.

Jewish Theological Seminary of America

jtsa.edu

این سایت متعلق به مرکزی مطالعاتی است که در آن همایش‌های الاهیات یهودی در آمریکا برگزار می‌گردد.

The online Jewish Library

hobbes.jct.ac.il/efi/torah.html

این کتابخانه الکترونیکی یکی از سایت‌هایی است که به ارائه متن تورات و تفسیرهای شناخته شده از آن می‌پردازد. متن‌های تفسیری ارائه شده از مهمترین و با ارزش‌ترین متن‌های آیین یهود می‌باشند.

A page from the Babylonian Talmud

ucalgary.ca/~elsegal/Talmupage.html

این نشانی اینترنتی متعلق به یک نگارش الکترونیکی از متن تفسیری معروف یهودی به نام تلمود است. افزون بر تلمود، چند متن تفسیری بسیار مهم دیگر آیین یهود به قلم برجسته‌ترین مفسران آیین همچون ابن‌میمون، فیلسوف یهودی، نیز در این سایت ارائه می‌شود.

MENORAH

menorah.org

در این سایت می‌توانید با تفسیرهای یهودی از آموزه معاد و آخرت آشنا شوید. البته جدای از این موضوع متن‌های الکترونیکی زیادی نیز درباره دیگر آموزه‌های آیین یهود در سایت ارائه می‌شود.

My Jewish Learning

myjewishlearning.com

یکی از بهترین سایت‌هایی که درباره آموزش آیین یهود در اینترنت یافت می‌شود سایت بالا می‌باشد. در بخشی از این سایت آموزش زبان عبری به زبان انگلیسی با تمرین‌های بسیار ساده برای علاقه‌مندان وجود دارد. در بخش‌های دیگر سایت نیز تفسیرهای کتاب مقدس و نیایش‌های دین یهود شرح داده می‌شوند.

Shalom!

aleph-tav.org

یک دانشنامه کوچک درباره مفهوم‌هایی از آیین یهود است که به آموزه معاد و آخرت باوری ارتباط می‌یابد.

Learn Hebrew

shemayisrael.co.il

همان‌گونه که از نام سایت برمی‌آید برای آموزش زبان عبری راه‌اندازی شده است. شیوه مناسبی در این سایت برای آموزش زبان عبری در پیش گرفته شده که می‌تواند به آسانی از راه دور به علاقه‌مندان این زبان را بیاموزاند.

Jewishnet

jewishnet.net

یک شبکه اطلاع‌رسانی بسیار گسترده و با بخش‌های گوناگون است که به فعالیت‌های یهودیان چه با رویکردی دینی و چه با رویکردی غیردینی به زندگی اختصاص دارد.

Aleph & Tav Bible Prophecy

aleph-tav.org

در این سایت یک متن تفسیری از مفهوم نبوت در آیین یهود به سه زبان عبری، انگلیسی و روسی ارائه می‌شود.

YASHANET

yashanet.com

این سایت دارای ۵ بخش مهم است که در هر یک از این بخش‌ها دستاوردهای پژوهشی اندیشمندان یهودی درباره کلام یهودی و به ویژه، خدا در آیین یهود، به علاقه‌مندان ارائه می‌شود.

OU.ORG orthodox Union

ou.org

یک شبکه اطلاع‌رسانی عمومی درباره آیین یهود، به ویژه، مراسم مذهبی، نیایش‌ها و آداب و رسوم یهودیان می‌باشد.

منبع: روزنامه ایران ۸۲/۶/۸ - مجید اکبری (گروه اندیشه)



جمعی از اعضای انجمن «حیرا» در زیارتگاه سارح بت اشر اصفهان، ۱۳۱۷ [از کتاب فرزندان استر]

یهودیان اصفهان

(بخش دوم)

اکبر شیرانی*

قاجاریان و یهودیان اصفهان

دوره ننگین قاجاریه با فشار بر مردم ایران و اقلیت‌های دینی آغاز شد و در این میان زرتشتیان و یهود متحمل دشواری‌های بیشتری شدند و کم‌کم از اواخر این سلسله و در آستانه قرن بیستم میلادی و انقلاب مشروطیت از شدت این مشکلات کاسته شد. اگر چه پایتخت به تهران منتقل شده بود ولی اصفهان، هنوز یکی از شهرهای مهم کشور به شمار می‌رفت و کانون توجه بود. بنابراین یهودیان اصفهان هم زیر چنگال استبدادی بیگانه تبارهای قاجار به سر می‌بردند. در اوایل حکومت قاجاریه، به خصوص آغا محمدخان قاجار، بر اثر کشتار، مهاجرت و تغییر مذهب، از جمعیت یهودیان اصفهان و ایران کاسته شد.^{۵۵} در زمان فتحعلی‌شاه (۱۷۹۸-۱۸۳۴ م.) یهود بیش از هر دوره دیگر آزار و شکنجه شدند. عشایر و قبایل دائماً به محله یهودی‌ها حمله می‌کردند، مردان را می‌کشتند و به ناموس زنان دست‌درازی می‌کردند، خانه‌ها را غارت می‌کردند و به آنچه قابل حمل نبود صدمه می‌زدند.^{۵۶} این سلطان پلید (که بخشی بزرگ از خاک ایران را به بیگانگان سپرد و از مردانگی تنها ریش و سبیل و هرزگی جنسی را با خود داشت) از بین یهودیان نیز دخترانی را به اجبار برای حرمسرای خود انتخاب کرده بود.^{۵۷}

مسلمان کردن اجباری و یا تحت فشار قرار دادن و ناچار نمودن یهودیان برای مسلمان شدن در این عصر با شدت دنبال شد. در اینجا به چند نمونه از این نو مسلمانان اشاره می‌کنیم: در زفره، در ۱۴ فرسنگی جنوب شرقی اصفهان و در راه

یزد، قصبه‌ای است که همه آن یهودی‌نشین بوده است و در آن ایام آنها را مسلمان کرده‌اند و کنیسه آنجا که تبدیل به مسجد شد هنوز باقی است.^{۵۸} یهودیان اطراف کاشان که بیش از ۷۰۰۰۰ نفر بودند مجبور به ترک مذهب شدند چنان که هنوز هم دهات آران، بیدگل،... و ایپانه به زبان مخصوص یهودیان کاشان صحبت می‌کنند.^{۵۹} مردم سه قصبه اطراف اصفهان که به نام‌های «خیزان»، «پریشان» و «بنه اصفهان» خوانده می‌شوند تماماً یهودی‌زاده هستند و زبان آنها، «ژارگونی»، از زبان یهودیان اصفهان است.^{۶۰} در همین راستا، ارنست هولتزر آلمانی که اواخر ۱۸۶۳ م. به ایران آمده بود می‌نویسد: بر همه معلوم است که اهالی دهکده «گز» در چهار فرسنگی اصفهان یهودی نسب هستند زیرا لهجه مخصوصی دارند و نوک زبانی حرف می‌زنند.^{۶۱}

چریکوف، سرهنگ روسی، که در ۱۸۵۰ م. به ایران آمده بود یهودی‌های اصفهان را ۳۰۰ خانوار می‌داند و می‌نویسد: از قراری که یهود ذکر می‌کنند، قبر «ساره» زن ابراهیم در اصفهان [پیربرکان] می‌باشد.^{۶۲} و در همان سال بنیامین در اصفهان ۴۰۰ خانوار یهودی، ۳ کنیسه و ۸ خاخام یافت.^{۶۳}

ارنست هولتزر آلمانی در ۱۸۶۳ م. نوشت: اصفهان دست کم سی هزار نفر جمعیت دارد که سه هزار نفرشان یهودی هستند. یهودیان می‌توانند تنها در یک محله، در جوباره و عده‌ای نیز در «دردشت» منزل داشته باشند... هیچ دولت معظمی از خارج به یهودیان مساعدت نمی‌کند. به محض این که آنان آزادی بیشتری از آنچه معمولاً به آنها تعلق می‌گیرد برای خود قائل می‌شوند، فوری و سخت، مجازات می‌شوند. یک نظر به خانه‌های یهودی ثابت می‌کند که اهالی

در عصر آغا محمد خان به یهودیان اصفهان فشار آوردند که مسلمان شوند...^{۶۴}

«جوییش انسیکلو پدیا» (دایره المعارف یهود) می‌نویسد: پس از مرگ فتحعلی‌شاه، در اصفهان آشوب‌هایی در گرفت که طی آن ۱۳۰ نفر یهودی از جمله «اباناسی» (ثروتمندترین یهودی شهر)، «ملاآقابابا» (خاخام بزرگ اصفهان) و یک زن (همسر شخصی به نام حرقیا)

حکومت اصفهان منفصل شد وضع یهودیان بدتر گردید.^{۷۰} در همین سال و پس از کوشش ناموفق «محمد علی میرزا» در برانداختن مشروطه، هرج و مرج رخ داد و طی آن در اصفهان، بختیاری‌ها با تجاوز به یهودیان صدمات زیادی بر آنان وارد کردند.^{۷۱}

یهودیان اصفهان در دوران پهلوی

پس از انقلاب مشروطه که دو نتیجه آن گسترش شهرنشینی و افزایش آزادی‌های مدنی به ویژه برای اقلیت‌های دینی بود، در دودمان پهلوی نیز همین روند پیگیری شد و شهر اصفهان هم در شمول این کلیت قرار داشت.

با نیرو گرفتن نهادهای حقوقی و

سیاسی یهودیان اروپایی، دولت قاجار زیر فشار قرار گرفت تا شرایط را برای یهودیان آسان‌تر نماید و از این رو دیده می‌شود که در اواخر سلسله قاجار شرایط تا حدی برای یهود مناسب‌تر گردید. با این وجود نیروهای متعصب، افراد نادان و اشرار فرصت‌طلب هرگاه بهانه یا فرصتی دست می‌داد از تجاوز و ستمگری کوتاهی نمی‌کردند

یهودیان جوباره که پیشتر حتی نمی‌توانستند در قسمت‌های مسلمان‌نشین شهر زندگی کنند و یا مغازه داشته باشند، دگرگونی‌های عمیقی را تجربه کردند. یکی از محققین در سال ۱۳۴۴ همین موضوع را بیان می‌دارد: «امروزه وضع دگرگون شده، یهودیان می‌توانند در همه قسمت‌های شهر خانه و مغازه داشته باشند و در حال حاضر بیشتر متمکنین آنها از جوباره به نقاط دیگر شهر رفته‌اند».^{۷۲}

محقق دیگری نیز در همان سال با اشاره به مهاجرت یهودیان اصفهانی به تهران، اسرائیل و یا برخی کشورهای دیگر می‌نویسد: «یهودیان در اصفهان یک انجمن خیریه و فرهنگی دارند که وزارت فرهنگ کمک مختصری به آن می‌کند. آنها دارای ۲۱ باب کنیسه می‌باشند».^{۷۳} وی در

در محله‌های «جوباره»، «گلپه‌ار» و «دردشت» سکونت دارند. آنان از راه دوره‌گردی، پبله‌وری و عرق‌فروشی امرار معاش می‌کنند. این افراد از فرط استیصال و گرسنگی در بدترین وضع به سر می‌برند من در تمام عمرم کمتر تا این اندازه فلاکت و بدبختی دیده‌ام. محله آنها کثیف و مملو از گدا است و خاخام‌ها نفوذ و اعتبار خود را از دست داده‌اند.

یکی از تاجران چون ثروتمندتر است رئیس جامعه یهودیان شناخته می‌شود. مدرسه آلیانس (اتحاد) در ۱۹۰۱ م. (۱۲۸۰ خورشیدی) تأسیس شده است و دارای ۲۹۰ دانش‌آموز پسر و ۲۱۰ دانش‌آموز دختر است.^{۷۴}

با نیرو گرفتن نهادهای حقوقی و سیاسی یهودیان اروپایی، دولت قاجار زیر فشار قرار گرفت تا شرایط را برای یهودیان آسان‌تر نماید و از این رو دیده می‌شود که در اواخر سلسله قاجار شرایط تا حدی برای یهود مناسب‌تر گردید. با این وجود نیروهای متعصب، افراد نادان و اشرار فرصت‌طلب هرگاه بهانه یا فرصتی دست می‌داد از تجاوز و ستمگری کوتاهی نمی‌کردند.

در زمان ناصرالدین شاه، هنگامی که روز شنبه، دهم ماه عبری «آب»، مسلمانان ده «سنگان» یهودیان را متهم کردند که به آخوند سنگ پرتاب کرده‌اند و در مسجد عرق خالی کرده‌اند، به زوار یهودی مکان مقدس «سارح بت אשר» حمله کردند که دست و پای حدود صد نفر یهودی شکست و بقیه شبانه در حالی که مجروح و مصدوم شده بودند به شهر فرار کردند. خبر این اتهام را در اصفهان نیز پخش کردند و به یهودیان حمله نمودند و دو نفر از آنان، که به منظور تهیه غذا بیرون رفته بودند، کشته شدند. روز بعد به زن‌ها تجاوز کردند و [...] حکم قتل‌عام یهودیان را صادر نمودند و نزد «ظل‌السلطان» بردند تا امضا کند ولی وی آن را رد کرد.^{۷۵} و هنگامی که در فوریه ۱۹۰۷ م. او از

برای چنین مواردی آماده هستند. خانه‌ها را از جهت آبادی در وضعی بسیار نامطلوب و بد قرار می‌دهند... لباس مردان و زنان یهودی شبیه لباس بقیه مردم است تنها باید دارای علامتی باشد و گرنه سخت مجازات می‌شوند. آنان حق ندارند مانند مسلمانان کلاه پوستی به سر بگذارند، رنگ لباس‌های آنها نباید سفید یا سبز باشد. وقتی باران می‌آید حق ندارند در بازار راه بروند و نباید پابرهنه باشند (وگرنه مجازاتشان اعدام است)، دستشان نباید به اموال و اشیای مسلمانان بخورد... یهودیان حق ندارند مالک دکان باشند یا دکانی باز کنند. آنان کنشت (کنیسه) دارند که اغلب زیرزمین واقع است و نور از سقف به آن می‌رسد، سالانه ۸۰۰ تومان بابت مالیات به شاه می‌پردازند و از هرگونه کسب و کار پرمفعت محروم هستند. تعداد یهودیان در تهران بیشتر از اصفهان است... در تابستان هر کس از یهودیان وسعت مالی داشته باشد سر قبر «استرا» یا به اصطلاح اصفهانی‌ها «استرا خاتون» که یک روز راه از شهر فاصله دارد می‌روند. گورستان آنها نیز در همان محل است. فقط تعداد کمی از گورها با سنگ مشخص شده‌اند.^{۷۶}

دکتر ویلز انگلیسی در ۱۸۶۹ م. گزارشی استثنایی به یادگار گذاشته است: در اینجا من برای نخستین بار شاهد اجرای عدالت و دادرسی کامل در مورد یهودیان شدم. تعداد زیادی از یهود، از اخاذی، آزار و کتک سربازان شاکی بودند. دکتر میرزا عبدالوهاب حکیم باشی بعد از بررسی موضوع، چوب و فلک را آماده کرد و سربازان را شلاق زد تا اعتراف کردند.^{۷۷}

و سرانجام «اوژن اومن»، سیاستمدار فرانسوی، که همزمان با اوج‌گیری انقلاب مشروطه، ۱۹۰۵ م. در ایران به سر می‌برد می‌گوید: در اصفهان ۶۰۰۰ یهودی وجود دارد، این تعداد بزرگترین گروه اسرائیلی ساکن ایران در یک شهر واحد است. آنها

ادامه تعدادی از پزشکان کلیمی شاغل در بیمارستان‌های اصفهان اشاره می‌کند.

یک گروه کارشناسی به نام «مهندسين مشاور ارگانیک» که در طرح «اصفهان بزرگ» با سازمان برنامه و بودجه همکاری می‌کردند در سال ۱۳۴۶ گزارش جالبی از یهودیان اصفهان ارائه می‌دهند: «جوباره با کوچه‌های باریک با دیوارهای گلی، همه پیچ در پیچ و هر چند قدم تافکی گلی، دکان‌های خنزر و پنزری، خواروبارفروشی، محقر و تاریک. در خانه‌ها چوبی است و بیشتر به دالان‌های تاریک و مسقف باز می‌شوند، دیوارها کوتاه است، اتاق‌ها کوچک، حیاط‌ها گود. یهودیان جوباره بیشتر ظاهری نزار داشتند. چهره‌های تکیده، شانه‌هایی استخوانی، و لباس‌های نژند، اصفهانی را با غلظت بسیار حرف می‌زدند و یکدیگر را به نام‌های مسلمانی صدا می‌زدند.»^{۷۴} در جوباره خانه‌های مسلمانان و یهودیان کنار یکدیگر جای دارد و این، هم به خاطر آن است که مسلمانان به دین یهود احترام می‌گذارند.^{۷۵} اکنون بیشتر یهودیان به مغازه‌داری مشغولند، اغنیاشان عتیقه‌فروشی یا تجارت می‌کنند و فقرشان خنزر و پنزر فروشی. شکافی عمیق جامعه یهود را دو نیم می‌کند، یا بسیار متمکن هستند یا بسیار تهی دست. کمتر به حرفه فنی عنایت دارند و اغنیاشان به سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی توجه ندارند و جالب آن است که سخت خود را از جامعه عیسوی کنار می‌کشند و بیشتر میل به آمیزش با مسلمانان دارند.^{۷۶}

در پژوهشی دیگر آمده: یهودیان اصفهان در تیمچه‌ها و خیابان‌ها مغازه دارند و با آزادی کامل با مسلمانان معاشرت می‌کنند. اطفال آنان در مدارس پذیرفته می‌شوند و مدرسه مخصوصی به نام «آلیانس» دارند. کنیسه‌های آنان به نام بانیان آنهاست و هیچ یک از لحاظ ساختمان قابل توجه نیستند.^{۷۷}

در پایان به یک پژوهش دانشگاهی قابل توجه که در اوایل دهه پنجاه خورشیدی تهیه شده است می‌پردازیم تا به چهره روشن‌تری از جامعه یهود اصفهان در آن زمان برسیم. براساس یک نمونه‌گیری ۱۱۰۰ خانوار که در ۱۱ نقطه اصفهان انجام گرفت، به طور متوسط ۸۱ درصد اصفهانی‌ها فرزندان خود را به مدرسه می‌فرستند در حالی که همین موضوع در ارامنه جلفا ۸۵ درصد و در یهودیان جوباره ۸۸ درصد بود.^{۷۸} مطالعات دقیق نگارنده جمعیت یهودیان اصفهان را در تیرماه ۱۳۵۰ حدود ۲۳۰۰ نفر می‌داند که عبارتند از ۲۷۰۰ نفر خردسال، ۵۰۰ نفر محصل (۲۷۵ پسر و ۲۲۵ دختر)، ۶۴۰ زن خانه‌دار، ۸۳۰ نفر زن و مرد شاغل و ۶۰ نفر معمر و از کار افتاده که شامل ۳۹۷ خانوار بودند و در ۳۲۹ واحد مسکونی اقامت داشتند. بیشتر یهودیان در جوباره زندگی می‌کردند و بقیه در «عباس‌آباد»، محله و کوی «چرخاب»، میدان مجسمه [انقلاب کنونی]، دردشت، میدان شاه [نقش جهان]، خیابان حافظ، خیابان رضا پهلوی [ولی عصر کنونی] و محله گلبهار مسکن دارند. ثروتمندان و باسوادان یهودی در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم از محله جوباره به سایر نقاط شهر و به خصوص عباس‌آباد و کوچه‌های واقع در خیابان چهارباغ نقل مکان نمودند.^{۷۹}

آنگاه یک گزارش مستند از چگونگی زندگی مسلمانان و یهودیان اصفهانی ارائه می‌نماید: «اختلاف و بدبینی نسبت به یهودیان تقریباً از بین رفته است و حتی در تیرماه ۱۳۵۰ از ۱۰۰ واحد مسکونی نمونه‌گیری به عمل آمده در «کوی پامنار»، «لتر»، «ماهی فروش‌ها»، «کوی حاج سلیمان» و «بن‌یست ذکائی» چند واحد مسکونی وجود داشت که خانواده‌های مسلمان و یهودی با هم زندگی می‌کردند. از ۳۲۹ واحد مسکونی یهودیان اصفهان، ۱۱۷ واحد در جوباره و بقیه در نقاط

دیگر شهر و به ویژه مرکز آن پراکنده‌اند.»^{۸۰}

نکته‌ای جالب‌تر بیانگر بالاترین سطح ارتباط و تفاهم میان دو جامعه (اکثریت مسلمان و اقلیت یهودی) در آن مقطع زمانی است: «حمام عمومی کلیمیان در کوچه پیرپینه‌دوز جوباره واقع است. این حمام تنها مورد استفاده یهودیان جوباره است و ساکنان مناطق مرکزی شهر از حمام مسلمانان استفاده می‌کنند یا در منازل شخصی خود حمام دارند. این آزادی در سال‌های اخیر بدست آمده است و در گذشته چنین کاری غیرممکن بود. حمام مزبور به واسطه کم بودن جمعیت تنها هفته‌ای سه روز دایر است. سه‌شنبه و چهارشنبه برای بانوان و جمعه برای مردان.»^{۸۱} و پس از آن به مؤسسات و مراکز عمومی آنان اشاره می‌کند: امروز ۲۱ کنیسه (جمع‌گاه) در اصفهان وجود دارد. ۱۶ کنیسه در جوباره، ۲ کنیسه در درشت، ۱ کنیسه در کوچه گلبهار، ۱ کنیسه در دبیرستان اتحاد و ۱ کنیسه دیگر در چهارراه شاه‌عباس [فلکه فلسطین کنونی] واقع شده‌اند.^{۸۲}

در حال حاضر یهودیان دو قبرستان دارند، یکی در «گرگون»، در حدود ۵ کیلومتری شرق اصفهان نزدیک مزرعه گرگون بخش قهاب، که در مواقع ناامنی به واسطه نزدیکی به اصفهان از آن استفاده می‌کرده‌اند و همچنین اطفال خود را در آن دفن می‌نمودند ولی امروزه، که امنیت بیشتری وجود دارد، از قبرستان پیربکران - زیارتگاه «سارح بت آشر» (استراخاتون) - در ۳۰ کیلومتری جنوب‌غربی اصفهان استفاده می‌کنند. انجمن کلیمیان اصفهان مرکب از ۱۳ نفر است که اغلب از معتمدین و متمولین یهودی هستند. کار انجمن جنبه فرهنگی، بهداشتی و امور خیریه دارد به طوری که هر سال مقداری از بودجه آن در دبیرستان اتحاد (آلیانس)، که خاص یهودیان است، و همچنین درمانگاه خصوصی کلیمیان

که در امرداد ماه ۱۳۸۱ توسط نگارنده به عمل آمده است. هم‌اکنون جمعیت یهودیان اصفهان حدود ۶۵۰ نفر می‌باشد.
۸۷

برپایه تحقیق دکتر هرمز انصاری، عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان، که در آغاز دهه ۶۰ انجام شده بود، و با درگذشت ایشان در سال ۱۳۶۵ چاپ آن با ۱۴ سال تأخیر انجام پذیرفت، در آن زمان هنوز بخش اعظم جامعه

یهودیان اصفهان در محله جوباره زندگی می‌کرده‌اند،^{۸۸} حال آن که در سال ۱۳۸۱ این میزان تا ۳۷ درصد (۴۸ خانوار از ۱۳۱ خانوار کلیمی ساکن شهر اصفهان) افت کرده است.

دکتر انصاری در بخشی دیگر از کتاب خویش به جایگاه اجتماعی و شیوه زندگی یهودیان اصفهان می‌پردازد: از میان اقلیت کلیمی اصفهان، بازرگانان روشنفکر، صنعتگران خوب، معلمان و هنرمندان دانا و زبردست و پزشکان حاذق و مردم‌دوست برخاسته‌اند. روش کلیمیان اصفهان همواره معتدل و توأم با احتیاط و محافظه‌کاری فراوان بوده است. آنان به صورت «اجتماعی درسته» زندگی کرده و بیشتر زندگی خصوصی‌شان صرف حشر و نشر با همکیشان خود می‌باشد. از لحاظ اجتماعی و شغلی و امکانات آنها در شهر اصفهان، محدود است و تعداد افراد مبرز آنان در میان جامعه شهری اصفهان انگشت‌شمار می‌باشد.^{۸۹} سپس به کارها و حرفه‌های یهودیان اشاره می‌کند: مشاغل یهودیان اصفهان در حال حاضر، بیشتر ابریشم‌بافی، عتیقه‌فروشی، لباس‌فروشی (یا به قول یهودیان محلی «تلیکه



گورستان یهودیان (سارح بت انسر)

داشتند افزون بر اینکه فشار نوعی از تبعیض و محدودیت را بر شانه‌های اجتماعشان متحمل می‌شدند و این شرایط برای یهودیان دوچندان بود و روند مهاجرت آنان که طی سده گذشته ادامه داشت در دو دهه اخیر شتاب بیشتری گرفت.

در اصفهان نیز همین فرآیند رخ داد. جمعیت کلیمیان شهر اصفهان که در آستانه انقلاب مشروطیت ۶۰۰۰ نفر بود و پیش از شهریور ۱۳۲۰ تا ۷۰۰۰ نفر برآورد شده است، در سال ۱۳۳۵ خورشیدی به ۴۴۹۶ نفر و در سال ۱۳۵۰ به ۲۳۰۰ نفر رسید.^{۹۰} در حالی که بنابر استعلام خانم «شهناز باقریان» دانشجوی کارشناسی جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان، از اعضای انجمن کلیمیان، [جمعیت کلیمیان اصفهان] در سال ۱۳۷۰ به حدود ۱۳۰۰ - ۱۲۰۰ نفر کاهش یافته بود.^{۹۱} به استناد آمار دکتر ایمانوئل خلیلی، در پایان نامه دکترای علوم پزشکی ایشان، در پائیز ۱۳۷۱ خورشیدی، [همین آمار] ۱۱۰۰ نفر اعلام گردید.^{۹۲} آنگاه در آخرین سرشماری ایران، در آبان ماه ۱۳۷۵، به ۱۰۴۶ تن تنزل داشت و براساس پژوهشی

واقع در جوباره که کودکان نیز ضمیمه دارد صرف می‌شود. علاوه بر کمک به فقرای یهودی، از وظایف مهم انجمن، شغل‌یابی نیز می‌باشد. همه کلیمیان اصفهان خود را عضو انجمن مزبور می‌دانند.^{۹۳}

در جوباره خانه‌های مسلمانان و یهودیان کنار یکدیگر جای دارد و این، هم به خاطر آن است که مسلمانان به دین یهود احترام می‌گذارند

مقایسه وضع موجود با آنچه در آن زمان نوشته شده است می‌تواند بخشی از واقعیت‌های جامعه را در برابر دیدگان ما قرار دهد.

جمهوری اسلامی و یهودیان اصفهان
با انقلاب اسلامی گروهی از ایرانیان که شرایط تازه را برنمی‌تابیدند. میهن خویش را ترک نمودند. بیشتر این افراد به طبقات ثروتمند، تحصیل‌کرده، متخصص و جوانان فعالی که رشد اجتماعی و علمی خود را در وضعیت انقلاب، جنگ و بحران‌های اقتصادی - سیاسی در خطر می‌دیدند وابسته بودند. اقلیت‌های دینی هم دقیقاً چنین وضعیتی

سرپرست خانوار یهودی
اصفهان بدین ترتیب
بوده است: ۵ نفر پزشک،
۱ نفر داروساز، ۱ نفر
دندان‌ساز، ۱ نفر مهندس
معمار و هنرمند نقاشی،
۱ نفر خاخام، ۱ نفر
هنرمند صنایع دستی، ۲
نفر کارمند، ۲ نفر کارمند
بازنشسته، ۲ نفر دبیر
بازنشسته، ۱ نفر بیوه
استاد دانشگاه، ۱ نفر بیوه
کارمند، ۱ نفر بیوه معلم،
۲ نفر بیوه پوشاک‌فروش،
۱ نفر آرایشگر، ۲ نفر
معمار، ۲ نفر قصاب
(کاشر)، ۱ نفر گاودار، ۲
نفر تعمیرکار موتور، ۲

نفر تعمیرکار صوتی و تصویری، ۱ نفر
لوازم یدک فروش، ۵ نفر عتیقه‌فروش، ۳
نفر پتروفروش، ۳ نفر نختاب، ۳ نفر فرش
فروش، ۷ نفر پارچه‌فروش دوره‌گرد، ۳
نفر بنکدار پارچه، ۷ نفر پارچه‌فروش
مغازه‌دار، ۳ نفر پوشاک فروش دوره‌گرد،
و ۶۷ نفر پوشاک فروش.

از میان اقلیت کلیمی اصفهان،
بازرگانان روشنفکر، صنعتگران
خوب، معلمان و هنرمندان دانا و
زبردست و پزشکان حاذق و
مردم‌دوست برخاسته‌اند. روش
کلیمیان اصفهان همواره معتدل و
توأم با احتیاط و محافظه‌کاری
فراوان بوده است

همچنین مشخص شد یهودیان
اصفهان ۱۷ نفر دانشجو دارند (۷ دختر و
۱۰ پسر) که ۵ نفرشان در دانشگاه‌های
دولتی درس می‌خوانند و بقیه در دانشگاه
آزاد.

انزوای اجتماعی و احساس
«رانده‌شدگی» اندک اندک منجر به دوری
گزینی از جامعه مادر و «قوم‌گرایی»
می‌گردد. این در حالی است که جوامع
پیشرفته کوشش می‌کنند ضمن به رسمیت



کنسای حاجی یعقوب (ملاماری)، جویاره اصفهان، جنب آرامگاه کمال اسماعیل

اصفهان اشاره می‌کنیم: «کانون جوانان
یهود اصفهان» یک بولتن داخلی زیر نظر
انجمن کلیمیان اصفهان تهیه کرده است و
یا، کتابخانه «منورا» (شمعدان مقدس
یهودیان) با خرید کتب جدید و دریافت
کتاب‌های گوناگون اهدایی از طرف یک
همکیش و انجمن کنسای اصفهان تجهیز
گردیده است.^{۹۲}

مدرسه یهودیان اصفهان، اتحاد، از
طرف آموزش و پرورش تصاحب شده و
به «شهید حلبیان» تغییر نام داده است، ...
فعالیت‌های فرهنگی و همکاری‌های
خیرخواهانه آن جامعه ضعیف شده و
ارتباط آنان با همکیشان تحصیل‌کرده یا
ثروتمند مهاجرت‌کرده‌شان قطع است و یا
در حد قابل قبولی نیست، جامعه آنان به
تدریج کهنسال‌تر می‌شود و عدم استخدام
جوانان یهودی در اداره‌ها و سازمان‌های
دولتی باعث رکود و کندی روند توسعه
این جماعت می‌گردد و پس از مهاجرت،
بازنشسته شدن یا مرگ معدود شاغلین
بخش خدمات بقیه از جریان جامعه عقب
می‌مانند.

براساس پژوهشی که در تابستان
۱۳۸۱ صورت گرفت، مشاغل ۱۳۱

فروشی، خدمات بهداشتی و پزشکی،
معلمی و مترجمی است.^{۹۳} و در پایان با
خوشبینی می‌گوید: کلیمیان اصفهان در
انجام فرائض مذهبی خود محدودیتی
ندارند. اگر چه در ادوار هیجانات سرکش
سیاسی و اجتماعی ممکن است به
عملیات و اقداماتی متهم شده و مورد آزار
و اذیت قرار گرفته باشند؛ ولی واقعیت
تاریخی این است که یهودیان اصفهان قبل
از آن که به صهیونیسم و جنبش‌های
یهودی بین‌المللی و کشور اسرائیل نظر
داشته باشند، به شهر اصفهان و زادگاه
قدیمی خود- جویاره اصفهان- تعلق
خاطر دارند.^{۹۴}

در مواقعی از تاریخ گذشته، اصفهان
بزرگترین کانون یهودی‌نشین ایران بود
ولی امروزه پس از تهران و شیراز جایگاه
سوم کشور را به خود اختصاص داده
است. مهاجرت گسترده و سال‌های رکود
پس از انقلاب، ضربات خردکننده‌ای بر
پیکر این جامعه وارد آورده و اگر چه
تلاش‌هایی صورت می‌گیرد ولی کافی
نیست. برای نمونه به چند خبر از تنها
نشریه یهودیان ایران، افق بینا، [ارگان
انجمن کلیمیان تهران] در مورد یهودیان

در پایان این بخش نتایج یکی دیگر از پژوهش‌های انجام شده ارائه می‌گردد. برپایه یک نمونه گیری که از ۱۰۰ نفر یهودی اصفهانی انجام شد، گروه خونی آنان بدین ترتیب بدست آمد:

گروه خونی	A	B	AB	O
درصد	۲۵	۳۸	۱۷	۲۰

بنابراین گروه خونی غالب در این اقلیت «قومی - مذهبی B» می‌باشد حال آن که گروه خونی غالب مردم اصفهان O* است. ■

- * - کارشناس ارشد جامعه‌شناسی
- ۵۵- جغرافیای اصفهان (بخش نخست)، ص ۴۰۸.
 - ۵۶- مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی اصفهان، ص ۹۶.
 - ۵۷- تاریخ یهود ایران (جلد ۳)، ص ۵۲۹.
 - ۵۸- همان، ص ۵۲۲.
 - ۵۹- همان، صص ۵۲۱-۵۲۰.
 - ۶۰- همان، صص ۳۹۹-۳۹۸.
 - ۶۱- اصفهان از دید سیاحت خارجی، ص ۴۴۱.
 - ۶۲- تاریخ یهود ایران (جلد ۳)، ص ۵۲۵.
 - ۶۳- همان، ص ۵۸۹.
 - ۶۴- احتمالاً منظور بنیامین تودولایی است. (سردبیر)
 - ۶۵- مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی اصفهان، ص ۹۶.
 - ۶۶- همان، صص ۴۴۱-۴۳۹.
 - ۶۷- همان، ص ۵۸۹.
 - ۶۸- همان، صص ۶۰۵ و ۶۰۴ و ایرانیان یهودی، صص ۱۲۸ و ۱۲۷.
 - ۶۹- تاریخ یهود ایران (جلد ۳) ص ۳۲۹.
 - ۷۰- همان، ص ۸۳۰.
 - ۷۱- همان، ص ۸۴۰.
 - ۷۲- راهنمای اصفهان، ۱۳۴۴، ص ۵۲.
 - ۷۳- تاریخ دو اقلیت مذهبی یهود و مسیحیت در ایران، ۱۳۴۴، صص ۴۳-۳۸.
 - ۷۴- اصفهان بزرگ (پروسی و تجزیه و تحلیل: اقلیت‌های مذهبی و تاثیر متقابل آنها در اقتصاد و مسائل اجتماعی اصفهان)، ۱۳۴۶، ص ۳۵.
 - ۷۵- همان، ص ۳۶.
 - ۷۶- همان، ص ۳۸.
 - ۷۷- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ۱۳۵۰، ص ۱۷۸.
 - ۷۸- جغرافیای اصفهان (بخش نخست)، سیروس شغفی، ۱۳۵۳، ص ۳۷۴.
 - ۷۹- همان، صص ۴۱۰ و ۴۰۹.
 - ۸۰- همان، ص ۴۱۱.
 - ۸۱- همان، ص ۴۲۳.
 - ۸۲- همان، ص ۴۲۲.
 - ۸۳- همان، ص ۴۳۴.
 - ۸۴- جغرافیای اصفهان (بخش نخست)، سیروس شغفی، ۱۳۵۳، ص ۴۰۹.
 - ۸۵- مطالعه جامعه یهودیان ایران از دیدگاه جامعه‌شناسی (نمونه جویبار اصفهان)، شهنار باقریان، ۱۳۷۵، ص ۷۶.
 - ۸۶- بررسی میزان شیوع بیماری دیابت ملیتوس در جامعه کلیمیان و ارائه اصفهان، ایمانول خلیلی و سواک سوکیازیان، ۱۳۷۳، ص ۳۵.
 - ۸۷- به نظر می‌رسد که رقم مذکور صحت ندارد و بنا به دلایلی (مانند آن که غذای از یهودیان، دین خود را هنگام سرشماری یا در پرسشنامه‌ها ذکر نمی‌کنند) و نیز آثار فعلی تولد، ازدواج، و فوت در کلیمیان اصفهان، جمعیت آنها در حال حاضر بیش از ۱۵۰۰ نفر تخمین زده می‌شود. (سردبیر)
 - ۸۸- مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی اصفهان، هرمز انصاری، ۱۳۷۹، ص ۹۷.
 - ۸۹- همان، صص ۹۷-۹۶.
 - ۹۰- همان، ص ۹۸.
 - ۹۱- همان، ص ۹۸.
 - ۹۲- اخبار جامعه کلیمیان اصفهان، بینا اردیبهشت و خرداد ۱۳۷۹، ص ۷.

سال‌های رونق و آسایش پیش از انقلاب اسلامی، یهودیان نیز، هم‌نوا با ارزش‌های ملی، نام‌های ایرانی بر کودکان خود می‌نهادند، حال آن که در سال‌های رکود و سختی پس از انقلاب تمایل آنان به جدایی‌گزینی و بازگشت به هویت قومی خودشان تشدید گردیده است.

همچنین یهودیان اصفهان ۲۱ کنیسا دارند که نام‌های آنان چنین است: دردشت بزرگ، دردشت کوچک، کترداود، اتحاد، گلپهار، ملانیسان، موشه گلی، حاجی الیاهو، شموئل آسیابان، خورشیدی (خاکشوری)، سلیمان کلی، شکری (یعقوب مسجیدی)، سنگ بست، حاجی یعقوب (ملاماری)، کنجی، جماعت، موشه حیا، یوسف شموئل شموئل، آقادات (حق‌نظر)، آقاحزقیا و ملاری که اکنون ۴ کنیسی دردشت بزرگ، دردشت کوچک، آقاحزقیا و ملاری خراب هستند و در بقیه کنیساها مراسم مذهبی انجام می‌گیرد، که بزرگترین کنیسی آنان، کترداود، در فلکه فلسطین واقع است.

جمعیت کلیمیان شهر اصفهان به تفکیک دوره‌های تاریخی		
سال - دوره	تعداد	به نقل
۱۳۷۵	۱۰۴۶	سرشماری
۱۳۷۱	۱۱۰۰	دکتر خلیلی
۱۳۷۰	۱۳۰۰	انجمن کلیمیان
	۱۲۰۰	
۱۳۵۰	۲۳۰۰	دکتر شغفی
۱۳۴۴	۳۳۵۰	دکتر تاج‌پور
۱۳۳۵	۴۴۹۶	سرشماری
۱۳۲۰	۷۰۰۰	دکتر کلیسی
۱۳۱۰	۲۰۰۰۰	دکتر انصاری
۱۲۸۴	۶۰۰۰	اوزن اومن
۱۲۸۲	۵۰۰۰	جکسون
ق. ۱۳۲۳	۴۰۰۰	هنری فیلد
ق. ۱۳۰۴	۳۷۰۰	لرد کرزن
ناصرالدین شاه	۲۰۰۰	تزر ربانی
۱۲۴۲	۳۰۰۰	هولنزر
۱۲۲۹	۱۵۰۰	چریکوف
۱۲۰۶	۵۰۰	ربی داود
شاه عباس دوم	۶۰۰	تاوریته
۵۴۷	۱۵۰۰۰	ربی بنیامین
۴۳۱	۱۵۰۰۰	ناصر خسرو

شناختن اصل «تکثر فرهنگی» و احترام به هویت اقوام و اقلیت‌ها، آنان را با «جامعه ملی» همگرا نمایند و زمینه‌های «جذب اجتماعی» و «ذوب فرهنگی» را برایشان فراهم سازند.

واقعیت تاریخی این است که یهودیان اصفهان قبل از آن که به صهیونیسم و جنبش‌های یهودی بین‌الملل و کشور اسرائیل نظر داشته باشند، به شهر اصفهان و زادگاه قدیمی خود- جویبار اصفهان- تعلق خاطر دارند

در همین راستا به عنوان یک شاخص، پژوهشگر به بررسی ۲۰۰ نام (۱۰۰ نام مردانه و ۱۰۰ نام زنانه) یهودیان اصفهانی پرداخت تا چگونگی گرایش آنان را به فرهنگ ملی در مقاطع گوناگون زمانی پیگیری نماید. بنابراین نام‌های آنان را به سه دسته ایرانی، عبری و مشترک (عبری-عربی) بخش نمود، برای نمونه سه نام مردانه «آرش»، «گابریل» و «یعقوب» و یا سه نام زنانه «مزگان»، «ربه‌کا» و «زلیخا». شدت گرایش به نام‌های عبری می‌تواند شاخصی باشد برای «قوم‌گرایی» و «جدایی فرهنگی» و افزایش فراوانی نام‌های ایرانی شاخصی است برای «همگرایی فرهنگی» و «کل‌گرایی». در حالی که ۲۸/۵ درصد از نمونه آماری نام فارسی، ۳۰/۵ درصد نام عبری و ۴۱/۰ درصد نام مشترک داشته‌اند، طی دو دهه پیش از انقلاب این نسبت‌ها به ترتیب ۶/۳۶ درصد، ۲۶/۸ درصد و ۳۷/۶ درصد می‌باشد و در دو دهه پس از انقلاب ۳۵/۷ درصد، ۳۷/۵ درصد و ۸/۲۶ درصد است. یعنی گرایش به نام‌های عبری از ۲۶/۸ درصد در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ خورشیدی به ۳۷/۵ درصد در دو دهه ۶۰ و ۷۰ افزایش یافته است و این میزان از میانگین ۳۰/۵ درصد کل سنین هم بالاتر است.

این واقعیت را می‌توان از لحاظ جامعه‌شناختی چنین تفسیر کرد که در

یهودیت از نگاه

Edward Said

ادوارد سعید



در اسلام، یهودیان «اهل کتاب» خوانده می‌شوند. درست است که در کشورهای مانند عربستان و مصر، کوشش‌هایی برای ورود آثار یهودستیزانه از اروپا، مانند «پروتکل‌های بزرگان صهیون» وجود دارد، اما این کاملاً استثنایی است و ریشه‌هایی متفاوت با یهودستیزی کلاسیک اروپا دارد

سازمان‌یافته بر یهودیان رفته است و نیز آنچه مردم در باب اعمال وحشتناکی چون اشغال فلسطین احساس می‌کنند، تمایز قائل شود. فراموش نکنید که آنچه اسرائیل انجام می‌دهد، آشکارا به نام یهودیان انجام می‌شود. اسرائیل خود پیوند میان یهودیان و اسرائیل و رفتار اسرائیلی‌ها را تبلیغ می‌کند و به آن دامن می‌زند.

به یاد می‌آورم زمانی هنگام تهیه فیلمی در نوار باختری بولدوزرهای اسرائیلی بعضی از زمین‌های کشاورزی متعلق به اعراب را تخریب می‌کردند. از یک اسرائیلی پرسیدم: «چگونه می‌توانید این کار را انجام دهید؟ این زمین‌ها متعلق به این مردم است و آنها سال‌ها روی آن کار کرده‌اند؟» او پاسخ داد: «این زمین آنها نیست، زمین مردم اسرائیل است». گفتم: «شما عبارت «مردم اسرائیل» را به کار می‌برید تا مردم دیگری را سرکوب کنید و انتظار دارید همه به خاطر رنج این یهودیان در اروپا با شما باشند. شما نمی‌توانید آن ماجرا را به این جا بیاورید و پوششی برای ستم بر مردمی دیگر کنید».

فکر می‌کنم درباره یهودستیزی باید بسیار دقیق قضاوت شود. باید میان یهودستیزی در اروپا و آنچه اکنون اسرائیل در خاورمیانه انجام می‌دهد و به یهودیت باز نمی‌گردد تمایز نهاده شود. اهمیت یهودستیزی در کشورهایی چون

سامی‌ستیزی هرگز برای توصیف مردمی که به اعراب حمله می‌کنند به کار نمی‌رود. من فکر می‌کنم ما باید تمرین کنیم و سخنان نفرت‌آمیز علیه اعراب را سامی‌ستیزی بنامیم. از لحاظ تاریخی، در اروپای قرن نوزدهم سامی‌ستیزی هم اعراب و هم یهودیان را فرا می‌گرفت.

* این مسئله دارای زمینه‌ای دقیق و روشن است، زیرا مردمانی هستند که از یهودیان متفرند.

- به گمان من، آدمی باید به وجود تاریخ هولناک یهودستیزی اذعان کند، به ویژه به یهودستیزی اروپایی و مسیحی. در اروپا این یهودستیزی در هولوکاست به اوج خود رسید. غیرقابل قبول است که کسی تجربه دهشتناک یهودستیزی و هولوکاست را انکار کند. ما نمی‌خواهیم تاریخ رنج‌های هیچ‌کس ثبت نشده بماند و پذیرفته نشود. به عبارت دیگر، میان اقرار و اذعان به ستمی که بر یهودیان رفته و استفاده از آن به عنوان پوششی برای سرکوب مردمانی دیگر، تفاوتی عمیق است. آدمی باید بتواند میان آنچه در جنگ جهانی دوم و در اروپای دوران یهودستیزی گسترده و

اشاره : ادوارد. و. سعید، اندیشمند مسیحی فلسطینی تبار، در ۱۹۳۵ در اورشلیم به دنیا آمد. محیط زیست ادوارد سعید، او را از ابتدا به اندیشیدن به تب و تاب‌ها و رویارویی‌های عقیدتی و می‌داشت. خانواده سعید در سال‌های ۴۸-۱۹۴۷ به دلیل آشفتگی اوضاع فلسطین، به قاهره مهاجرت کرد. او در دانشگاه پرینستون آمریکا، زبان انگلیسی و تاریخ خواند و دکتری خود را در دانشگاه هاروارد در ادبیات تطبیقی گذراند.

در همین سال‌هاست که او سخن‌گوی جنبش فلسطین در آمریکا می‌شود و در عین حال به عنوان یک صاحب‌نظر ماهر در جلوه‌های تلویزیونی، روزنامه‌نگار و استاد برجسته دانشگاه کلمبیا، می‌کوشد تا کلیشه «شرق» و نیز عرب را به عنوان یک «تروریست» و سری سودایی و خردستیز، از اندیشه عوام‌الناس آمریکایی و اروپایی بزداید.

سعید، ۵ مهر ماه در آمریکا درگذشت. مطلب زیر بخشی از یک گفتگوی انجام شده در رسانه‌های آمریکایی با اوست:

* دانیل پاپس در فیلادلفیا کارگردان برنامه‌ای به نام «بحث خاورمیانه» است. یکی از جملات او این است که اعراب سامی‌اند.

غیرقابل قبول است که کسی تجربه دهشتناک یهودستیزی و هولوکاست را انکار کند



در صهیونیسم عدالت و اخلاق

آنهاست باید به این مسئله توجه کنند و بی‌پروا نظر خود را بیان دارند. در حال حاضر نیروی مخالفی وجود ندارد و دولت ائتلافی به رهبری آریل شارون حق دارد که سکوت پیشه کند. در کشوری که آدم‌های وراج در آن فراوانند، ناگهان همگی زبان به دهان گرفته‌اند. چون دیگر چیزی برای گفتن نمانده است. ما در واقعیتی زندگی می‌کنیم که رعدآسا به شکست انجامیده است.

**بنایی که بر بی‌رحمی نسبت به
انسان‌ها ساخته شده باشد لاجرم فرو
خواهد ریخت**

درست است ما زبان عبری را احیا کردیم، نظام پولی مستحکمی به وجود آوردیم، ذهن یهودی ما مثل همیشه دقیق و هوشیار است، با انجمن ملی امنیت استعلام بها برای کارگزاران اوراق بهادار تجارت می‌کنیم، اما آیا واقعا به این خاطر کشور خود را تاسیس کرده‌ایم؟ قرار نبود قوم یهود در مالکیت جنگ‌افزارهای نوین، برنامه‌های امنیتی رایانه‌ای و موشک‌های ضد موشک پیشتاز باشد. قرار بود ما چراغ راه ملت‌ها باشیم ولی ناکام مانده‌ایم.

مبارزه ما برای بقای قوم یهود، به کشوری از شهرک‌نشینان قانون‌شکن و فاقد اصول اخلاقی تقلیل یافته است که گوش شنوایی برای شهروندان خود و دشمنان خویش ندارد. دولتی که عادل نیست بقا نخواهد یافت. اسرائیلی‌ها از فرزندان خود می‌پرسند که انتظار دارند ۲۵ سال دیگر در چه جایی

اوراهام برگ*
به قول پنیانگزاران مکتب صهیونیسم، «انقلاب صهیونیستی همواره به دو اصل استوار بوده است. یکی راه درست و دیگری رهبری اخلاقی». اما امروزه عدالت و اخلاق دو مقوله‌ای است که صهیونیست‌ها تعهدی نسبت به آن ندارند. ملت اسرائیل امروز بر شالوده‌ای از فساد، سرکوب و ناعدالتی قرار گرفته است. به گونه‌ای که پایان صهیونیسم بسیار قریب‌الوقوع است. احتمال زیادی وجود دارد که نسل حاضر آخرین نسل صهیونیست باشد. ممکن است که بعد از این در اینجا کشوری یهودی و همچنان پا برجای باشد، اما زشت و ناآشنا خواهد بود.

**قرار نبود قوم یهود در
مالکیت جنگ‌افزارهای نوین،
برنامه‌های امنیتی رایانه‌ای و
موشک‌های ضد موشک پیشتاز
باشد. قرار بود ما چراغ راه
ملت‌ها باشیم ولی ناکام مانده‌ایم**

باید رویه را تغییر داد، اما این چندان موثر نخواهد بود. آنچه بدان نیاز داریم دیدی تازه نسبت به جامعه‌ای مبتنی بر عدالت و اراده‌ای سیاسی برای تحقق بخشیدن بدان است. مهاجران یهود که اسرائیل رکن اصلی هویت

* اوراهام برگ (یا بورگ) رئیس مجلس کنست مجلس نمایندگان اسرائیل بین سال‌های ۲۰۰۳-۱۹۹۹ و رئیس سابق آژانس یهود بوده است.
کاردین، ۸۲/۶/۲۴

اتریش و فرانسه به علت تنفر آنها از یهودیان و آن هم تنها به دلیل یهودی بودن آنها بوده است. اما امروز اسرائیل به نام یهودیان، اعمالی مرتکب می‌شود و این دو با هم متفاوت‌اند....

در اسلام، یهودیان «اهل کتاب» خوانده می‌شوند. درست است که در کشورهای مانند عربستان و مصر، کوشش‌هایی برای ورود آثار یهودستیزانه از اروپا، مانند «پروتکل‌های بزرگان صهیون» وجود دارد، اما این کاملا استثنایی است و ریشه‌هایی متفاوت با یهودستیزی کلاسیک اروپا دارد.

**«اصولا رنج دیدن چگونه می‌تواند
اندازه‌گیری یا مقایسه شود؟»**

- شرم‌آور و اهانت‌آمیز است که انواع رنج را با هم مقایسه کنیم. هرگز درست نیست که بگوییم: «آنچه آنان با فلسطینیان می‌کنند همانی است که آنها با یهودیان کرده‌اند». آنچه بر یهودیان رفته وحشتناک و واقعا بی‌سابقه بوده است. اما از دیگر سو، این مسئله نمی‌تواند به عنوان راه کوچک جلوه دادن آزار وحشتناک فلسطینیان به دست اسرائیل به کار رود. مسئله مقایسه کردن نیست، بلکه رد هر دو موضوع است.

**«من خصوصا به عنوان یک
آمریکایی به این موضوع علاقه‌مندم.**

- زمانی من در [دانشگاه] یو.سی.ال.ای سخن می‌گفتم، یک ارمنی از من پرسید: «آیا نسل‌کشی ارمنی‌ها را با آنچه بر یهودیان رفته یا با آنچه بر فلسطینیان می‌رود پیوند می‌دهید؟» البته موارد مشترکی مثل کشتار و رنج مردم و وجود گونه‌ای جنایت در آنها هست. اما اینها، همه، اشکالی از رنج‌اند، غیرقابل پذیرش هستند و نباید ادامه پیدا کنند. ■

منبع: همشهری، خردادماه، ۸۲/۷/۲۳

فیلم فلسطینی

فصل برداشت زیتون

نمایش فیلم فصل برداشت زیتون اثر حنا الیاس، کارگردان فلسطینی ساکن کالیفرنیا، در کرانه باختری رود اردن، یعنی همان محل وقوع داستان، واکنش‌های مختلفی را در پی داشته است. داستان فصل برداشت زیتون در روستایی در کرانه باختری و در زمینی محصور شده توسط شهرک‌های یهودی‌نشین با ایست‌های بازرسی رخ می‌دهد.

موضوع فیلم درباره روابط اعراب و اسرائیلی‌ها نیست، این یک داستان عاشقانه فلسطینی درباره زنی است که دو برادر عاشق او می‌شوند.

کامران الهیان، یک سرمایه‌گذار ایرانی-آمریکایی از «سیلیکون ولی» سافرانسیسکو، که همچنین به اداره چندین موسسه خبریه در این ناحیه کمک می‌کند، هزینه ساخت این فیلم را تأمین کرده است.

وی گفت: در آمریکا شما تنها زمانی از فلسطینی‌ها می‌شنوید که یک بمب‌گذاری انتحاری اتفاق افتاده باشد. این فیلم آنها را به عنوان آدم‌های عادی و معمولی نشان می‌دهد و روزنه‌ای به سوی موسیقی، فرهنگ و نظام ارزش‌های آنها باز می‌کند.

یک زن پس از دیدن فیلم گفت: خیلی خیلی قشنگ است، ما پیش از هر چیز انسان هستیم و باید به عشق فکر کنیم نه فقط به ارتش اسرائیل و زندان، برای همین هم این فیلم خیلی قشنگ است.

همه تماشاگران فیلم از این که فیلم صرفاً بر مسائل انسانی متمرکز است راضی نبودند.

حنا الیاس که پیش از تحصیل در رشته فیلمسازی در دانشگاه کالیفرنیا، در دانشگاه بیت‌المقدس روانشناسی خوانده است، پس از اکران فیلم به سؤال‌های مخاطبان پاسخ داد.

این پرسش و پاسخ به بحثی داغ کشیده شد. ممکن بود تماشاچیان از داستان عاشقانه فیلم لذت برده باشند اما بسیاری احساس می‌کردند که فیلم باید تصویر سیاه‌تری از اسرائیلی‌ها ارائه می‌داد یا به کل آنها را از فیلم حذف می‌کرد.

مضمون عمومی انتقادات این بود که جهان باید بداند که اینجا چه می‌گذرد، بداند خشونت از کجا می‌آید و اسرائیلی‌ها چه مقصودی دارند.

این فیلم که جایزه دوم جشنواره فیلم سافرانسیسکو را دریافت کرد برای مخاطبان اسرائیلی هم به نمایش درآمد. تماشاگران اسرائیلی هم به این فیلم واکنش‌های متفاوتی نشان دادند، برخی آن را فیلم تبلیغاتی ارزیابی کردند و برخی دیگر آن را اثری هنری دانستند.

منبع: BBC Persian

نژادها تأسیس کنید و به همراه آن محیط‌های محصور و اردوگاه‌هایی برای اسیران.

خواهان اکثریت یهودی هستید؟ مسئله‌ای نیست. یا اعراب را بر واگن قطار، اتوبوس، شتر و الاغ سوار کنید و همه را دسته‌جمعی بیرون کنید یا خود را به طور مطلق از آنها جدا کنید. راه میانه‌ای وجود ندارد.

خواهان دموکراسی هستید؟ مسئله‌ای نیست. یا ایده سرزمین بزرگ اسرائیل را رها کنید، و همه شهرک‌ها و پست‌های بازرسی را بردارید، یا به همه، از جمله اعراب، حق کامل شهروندی و حق رای بدهید. البته نتیجه آن خواهد شد که کسانی که خواهان دولت فلسطینی در همسایگی ما نبودند، باید به واسطه صندوق‌های رای، دولت فلسطینی را در دل اسرائیل بپذیرند.

نخست‌وزیر باید گزینه‌ها را صریح و بی‌پرده مطرح سازد: نژادپرستی یهودی یا دموکراسی.

پس چرا مخالفین ساکتند؟ شاید برخی از آنها مایلند به هر قیمتی، حتی به بهای مشارکت در امری نفرت‌انگیز، به دولت ملحق شوند. اما تردید و دودلی آنها باعث می‌شود نیکان و خویان امید خود را از دست بدهند. هر کس نتواند موضعی کاملاً مشخص اتخاذ کند - سیاه یا سفید - در انحطاط شریک است. مسئله حزب کارگر در برابر حزب لیکود، یا چپ در برابر راست نیست. مسئله شارون نیست، بلکه تصویری امیدوارانه است. درستی در برابر نادرستی و ملتزمین به قانون در برابر قانون‌شکنان است. آن چه بدان نیاز داریم جایگزینی سیاسی برای دولت بدیلی است برای نابودی صهیونیسم و ارزش‌های آن به وسیله افرادی کر و گنگ و بی‌رحم.

دوستان اسرائیل در خارج از کشور - یهودیان و غیریهودیان، روسای جمهور و نخست‌وزیران، خاخام‌ها و عوام - نیز باید انتخاب کنند. همه باید کمک کنند تا بتوانیم از طریق نقشه راه به تقدیر ملی که برایمان مقدر شده، جامعه‌ای در صلح و عدالت و برابر، که چراغ راه ملت‌ها باشد، رهسپار شویم. ■

شرق ۸۲/۶/۲۱

زندگی کنند، و فرزندان آنها در مقابل شگفتی والدیشان صادقانه اعتراف می‌کنند که نمی‌دانند، و این هر روز شمار بیشتری از اسرائیلی‌ها را به درک شرایط موجود رهنمون می‌سازد. شمارش معکوس برای مرگ جامعه اسرائیل آغاز شده است. راحت است که صهیونیست باشی و در شهرک‌های کرانه باختری «بیت ال» و «افراه» زندگی کنی. چشم‌اندازی که در کتاب مقدس توصیف شده زیباست.

می‌توان از میان گل‌های شمعدانی و کاغذی نگاه کرد و اشغال‌گری را ندید. این نمی‌تواند سرانجامی داشته باشد. حتی اگر اعراب سر فرود آورند و شرم و خشم خود را فرو خورند، این نمی‌تواند سرانجامی داشته باشد. بنایی که بر بی‌رحمی نسبت به انسان‌ها ساخته شده باشد لاجرم فرو خواهد ریخت. به خاطر داشته باشید این تنها دیوانگانند که به هنگام فروریزی ستون‌ها در طبقه بالا، خود را به رقص سرگرم می‌دارند، اسرائیل که توجهی به کودکان فلسطینی ندارد نباید متعجب شود که آنها سرشار از نفرت خود را در مراکز تفریحی اسرائیل منفجر می‌کنند، چون زندگی‌شان چیزی جز شکنجه نیست. بین اردن و دریای مدیترانه دیگر اکثریت یهودی وجود ندارد.

نخست‌وزیر باید گزینه‌ها را صریح و بی‌پرده مطرح سازد: نژادپرستی یهودی یا دموکراسی

از این رو هموطنان من! بدون پرداخت هزینه نمی‌توان کشور را حفظ کرد. نمی‌توانیم اکثریت فلسطینی را به زیر چکمه‌های اسرائیلی بگذاریم و هم‌زمان تصور کنیم که ما تنها دموکراسی خاورمیانه هستیم. بدون حقوق برابر برای یهودیان و اعراب، دموکراسی نمی‌تواند وجود داشته باشد. ما نمی‌توانیم کشور و اکثریت یهودی را در تنها کشور یهودی جهان حفظ کنیم.

خواهان سرزمین بزرگ اسرائیل هستید؟ مسئله‌ای نیست. از دموکراسی دست بکشید. در این کشور، نظامی کارآمد برای جدایی

رسانه ملی و مبحث یهود

فرزاد طویبان

... با نگاهی اجمالی به برنامه‌های سیمای جمهوری اسلامی در دهه اخیر درباره یهودیان، روندی منفی‌نگر و گاه خصمانه را شاهد هستیم. که علت اولیه آن، خلط مبحث صهیونیسم با اعتقادات یهود است. به طوری که به بهانه صهیونیسم برنامه‌هایی بر ضد یهودیت و اعتقادات یهودیان ساخته می‌شود.

میانگین سالانه تقریباً یک برنامه در مورد یهودیت که بیشتر اعتقادات مذهبی این قوم ریشه‌دار در تاریخ ایران را نشانه رفته‌اند، این ذهنیت را به بیننده یهودی متبادر می‌کند که شاید سوءنیتی از جانب مسئولان آن سازمان متوجه این مردم است.

سریال «معصومیت از دست رفته»، قبل از یهودیت، مسلمانان را مورد توهین قرار می‌دهد. این سریال که در دل آن هزاران توهین به زنان پاک و نجیبه یهودی است، قبل آن که به زنان یهودی توهین کند، ابتدا مرد مسلمان را مردی بوالهوس جلوه می‌دهد

بررسی دقیق‌تر این گونه برنامه‌ها از دو جنبه قابل بررسی است. جنبه اول یا باید بپذیریم که نوعی عناد و دشمنی با یهودیان وجود دارد و جنبه دوم در صورت رد حالت اول بایستی قبول کنیم که ناآگاهانه در این خصوص فیلمسازی می‌شود که در این حالت از یک دستگاه فرهنگساز مانند سیمای بعید و باعث تأسف است. سریال‌هایی مانند «بازمانده» (سیف‌الله داد)، «مریم مقدس» (شهریار بحرانی)، «سامری و ساحری» و «معصومیت از دست رفته» (میرباقری) به هیچ عنوان با روح سیمای ملی سازگار نیستند.

علاوه بر این که تهیه‌کنندگان این سریال‌ها و برنامه‌ها دیدگاهی منفی را از یهودیان به نمایش می‌گذارد، دائماً نمادهای بد انسانی را تجلی نمادهای دینی یهود قرار داده است. البته در برخی از این سریال‌ها نقض غرض‌های بسیاری نیز مشاهده می‌گردد. به عنوان مثال، «سامری و ساحری» به بهانه تحلیل هالیوود و فیلمسازی در آمریکا، دائماً یهودیان را می‌کوید و توجه ندارد که فیلم‌های هالیوودی بطور دائم از سیما پخش می‌شوند و یا فیلمسازان ما روش‌های فیلمسازی و فیلمنامه نویسی چه مثبت و چه منفی آن را تقلید می‌کنند.

برنامه‌هایی مانند «این سو، آن سوی سینما»، «سینما، ۳۰ نما»، و «سینما ۴» هر کدام به بهانه نقد و تحلیل از ساخته‌های یک فیلمساز، به فیلم‌هایی می‌پردازد که چه کامل و چه گزینش شده همگی از کمپانی‌های هالیوود بیرون آمده‌اند. در برنامه سامری و ساحری شدیدترین انتقادات و سرزنش‌ها به «اسپیلبرگ» می‌شود، و این در حالی است که فیلم دیگری از اسپیلبرگ از کانال دیگر در حال پخش کامل است. برنامه‌ساز «سامری و ساحری» توجه نمی‌کند که وقتی هالیوود را نه از دیدگاه سینماشناختی، بلکه از دیدگاه ایدئولوژیک مورد نقد قرار می‌دهد، علاوه بر توهین به مقدسات یهودیان، در واقع پرچم‌داری جنگ تمدن‌ها را نیز از رسانه ملی انجام می‌دهد و بدون توجه به احساسات هزاران ایرانی، شهروندی یهودی و یا ایرانی آزاده‌ای را بازیچه قرار می‌دهد.

در حالی که «سامری و ساحری» بی‌توجه به پیرامون خود در حال هتاک‌ی به یهودیان است، بهترین فیلمساز ایرانی در

طول ۲۰ سال اول انقلاب یک یهودی شناخته می‌شود که به فرهنگ همین نظام جمهوری اسلامی خدمت می‌کند.

در مثال دیگر «معصومیت از دست رفته» که اخیراً به نمایش درآمد، آن قدر به خطا رفته که جای آشتی دیگر بین خود و یهودیان نگذاشته است. «معصومیت از دست رفته»، قبل از یهودیت، مسلمانان را مورد توهین قرار می‌دهد. این سریال که در دل آن هزاران توهین به زنان پاک و نجیبه یهودی است، قبل آن که به زنان یهودی توهین کند، ابتدا مرد مسلمان را مردی بوالهوس جلوه می‌دهد که دین را ابزاری برای بوالهوسی خود درآورده است.

و آخر اینکه: از قدیم در تاریخ یهودیان ایران شاهد بودیم هرگاه تعرضی به یهودیان می‌شد، از طرف افراد ناآگاه و فریب‌خورده بوده و یهودیان نیز چاره‌ای جز پناه بردن به مراجع تقلید شیعه نداشته‌اند. به طوری که محله‌های یهودی همواره در کنار بیوت ایشان بوده است. این اعتماد تا حدی بوده است که اولین نماینده مجلس یهودیان فردی مسلمان و روحانی بوده است. شایسته است مسئولین سیما توجه داشته باشند این گونه برنامه‌ها علاوه بر این که عموم یهودیان ایران را دلزده و دلسرد می‌کند، وجهه بین‌المللی نظام را نیز مخدوش می‌سازد.

چقدر خوب است مسئولین رسانه ملی همراه با دکرین گفتگوی تمدن‌ها باب آسایش و آرامش روانی جامعه کلیمی ایران را باز کنند تا یهودیان ایران از این پس مجبور نباشند با صورت سرخ سیلی زده شده از حقوق بشر و حق شهروندی خود در ایران اسلامی سخن بگویند. ■

معرفی و بررسی

دو کتاب جدید درباره یهودیت

مریم حنا سبازاده



خوشبختانه، در سال‌های اخیر، گسترش مراکز آموزش عالی، در سراسر کشور، موجب بالندگی فرهنگی - اجتماعی فضای تحقیقات و مطالعات گشته است. هر چند در تمامی بررسی‌ها، وجود منابع مستند علمی، نقش کلیدی در انجام تحقیقات و مطالعات را ایفا می‌نمایند، وقتی حوزه محوری «شناخت ادیان» و «آشنایی با پایه‌های دینی - فرهنگی» آنها باشد، این نقش پررنگ‌تر می‌گردد. بی‌تردید معتبرترین منبع برای شناخت ادیان، کتاب‌های آسمانی که توسط پیامبران توحیدی آمده است، می‌باشد. با این همه و به منظور کمک به دانش‌پژوهان این حیطه، نیاز به وجود منابعی به زبان فارسی احساس می‌گردد.

۲- یهودیت

عبدالرحیم سلیمانی اردستانی
انتشارات: آیات عشق
چاپ اول: بهار ۱۳۸۲

این کتاب که در انجمن معارف اسلامی ایران تهیه شده است، یکی از مجموعه کتب آشنایی با ادیان، از سلسله مجموعه‌های «نگاه نو» می‌باشد که به شکل کامل‌تر و غنی‌تر از کتاب «دین یهود» وارد مباحث مهم تاریخی و دین یهود می‌گردد.

نویسنده در مقدمه آغازین کتاب تحت عنوان «قوم اسرائیل» و دیانت یهود آورده است:

«یهودیت دینی است که با این که پیروان زیادی در میان ادیان زنده جهان ندارد، به جهاتی بیش از ادیان دیگر مورد توجه و مطالعه قرار گرفته است. این دین کهن‌ترین دین از ادیان بزرگ سامی، یعنی یهودیت، مسیحیت و اسلام است، ادیانی که به سبب انتساب به حضرت ابراهیم گاه ادیان ابراهیمی نیز خوانده می‌شود».

بخش اول این کتاب «به سوی سرزمین موعود» به شکل‌گیری قوم یهود، چگونگی اسارت و حرکت به سرزمین موعود می‌پردازد که از ۵ فصل تشکیل یافته است در فصل اول: «از ابراهیم تا اسرائیل» بحث از ماجرای زندگی حضرت ابراهیم شروع و در پنجمین فصل این

بخش «تعالیم موسی» با مبحث شریعت موسوی ختم می‌گردد.

بخش دوم «در سرزمین موعود» مشتمل بر شش فصل می‌باشد که در فصل اول، نویسنده با گفتاری پیرامون «عصر داوران» وارد بحث شده و با فصول «عصر پادشاهان بنی‌اسرائیل»، «اسارت بابلی‌ها»، «بازسازی معبد و حکومت کاهنان»، «کتاب مقدس یهودی» و بالاخره از «یونان تا روم» آن را ادامه می‌دهد.

در بخش سوم کتاب با عنوان «عصر پراکندگی یهود» با سه فصل روبرو هستیم: «تخریب دوم معبد و پیامدهای آن»، «اوضاع یهودیان در قرن وسطا» و «یهودیت در عصر جدید».

در یک جمع‌بندی کلی به نظر می‌رسد کتاب دوم «یهودیت» در مقایسه با کتاب «دین یهود» به دلایل وجود بخش‌ها و فصول کامل‌تر و دقیق‌تر، ویژگی امانت در نقل از منابع و نیز سود جستن از مآخذ و منابع متعدد و بیشتر، به عنوان یک مرجع علمی و پایه‌ای برای تحقیقات آتی، ارجح باشد. ■

جهت آشنایی با دین یهود به عنوان یکی از ادیان بزرگ الهی که اخیراً مورد توجه صاحب‌نظران و محققان متعددی قرار گرفته، مطالعه تاریخ دین یهود، تورات، کتاب آسمانی یهودیان و احکام و قوانین شرعی آن اهمیت به سزایی دارد که امید است، مطالعات در این زمینه به شکل کاملاً مستند و مستدل و به دور از هرگونه تعصب و پیش‌داوری صورت پذیرد. در این راستا دو کتاب جدید (هر دو چاپ ۱۳۸۲) در زمینه دین یهود و یهودیت به علاقمندان معرفی می‌گردد:

۱- آشنایی با دین یهود

تألیف و تلخیص: مهرداد ایزدپناه
انتشارات: محور

چاپ اول: بهار ۱۳۸۲

مطالب این کتاب به چهار بخش: «سرزمین کنعان و عبرانی‌ها قبل از

گزارش تحقیقی کتابخانه مرکزی کلیمیان تهران

منصوره کشاورز افشار، فارغ التحصیل رشته کتابداری و کارشناسی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی، در سال گذشته همکاری‌های ارزنده‌ای با کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان داشته و مطالعات سودمندی در این زمینه انجام داده است. متن حاضر چکیده و گزیده‌ای از تحقیقات وی در کتابخانه انجمن کلیمیان است.

کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان که زیر نظر کمیته فرهنگی و با بیش از ۸۰۰۰ عنوان و ۱۴۰۰۰ جلد کتاب در حال فعالیت می‌باشد، یکی از نهادهای برجسته انجمن کلیمیان است که به دلیل تعدد عناوین و موضوعات کتب و تهیه آخرین کتب چاپ شده و جدیدالانتشار داخلی و خارجی، مراجعین بسیاری را به خود جذب می‌نماید.

صرف‌نظر از مراجعین یهودی، بسیاری از مراجعان این مرکز را محققان و دانش‌پژوهان غیریهودی تشکیل می‌دهند که با راهنمایی کمیته فرهنگی و مسئولین کتابخانه به منابع غنی و جامع به ویژه در بخش دین و فرهنگ دست می‌یابند.

در سال ۸۱ در یک بررسی مقدماتی که روی میزان مراجعه‌کنندگان و نیز عناوین کتب صورت پذیرفت، نتایج به موارد جالبی راهبری شد که مروری خلاصه بر آنها خواهیم داشت.

* تعداد مراجعه‌کنندگان بخش امانت در سال ۷۹ و ۸۰ جمعا ۴۶۸۷ نفر بوده است. که از این تعداد ۲۶۱۲ نفر مربوط به سال ۷۹ و ۲۰۷۵ نفر سال ۸۰ می‌باشند.

* از میان حدود هشت هزار عنوان کتاب موجود ۲۴۹۴ مورد آن به عنوان نمونه مورد پژوهش قرار گرفت که از بین آن حدود ۱۰۰ عنوان کتاب بیش از ده بار تقاضا شده‌اند.

* بررسی روی موضوعات کتبی که به عنوان نمونه تحقیق مورد پژوهش قرار گرفته بودند و به ۸ دسته کلی علوم، رمان فارسی، مسایل غریبه، روان‌شناسی، ادیان، پزشکی و رمان خارجی طبقه‌بندی شده بودند نشان داد که بیشترین تقاضا برای امانت در درجه اول برای عناوینی با موضوع رمان خارجی و پس از آن به ترتیب رمان فارسی، روان‌شناسی، مسایل غریبه، پزشکی، علوم و نهایتا ادیان می‌باشد. در خصوص مطالعه ذکر ۲ نکته لازم به نظر می‌رسد: اولاً یافته فوق باید در پرتو تعداد کل کتب هر بخش در همان موضوع مورد تفسیر قرار گیرد.

* ثانياً ارقام فوق نشانگر میزان واقعی تقاضا برای خواندن کتب نبوده و تعداد موارد مطالعه آزاد باید به آن اضافه گردد. مثلاً در خصوص عناوینی با موضوع ادیان که با توجه به سیستم فعالیت کتابخانه معمولاً کتاب‌های مرجع به امانت داده نمی‌شوند و محققان و علاقمندان جهت بهره بردن از این گونه کتاب‌ها ملزم به مطالعه آزاد آن در سالن مطالعات می‌باشند.

میزان تقاضا برای عناوین کتب برحسب موضوعات طبقه‌بندی شده (مربوط به بخش امانت)

عنوان تقاضا	درصد تقاضا
رمان خارجی	۴۰
رمان فارسی	۲۱
روانشناسی	۱۴
مسایل غریبه	۶
پزشکی	۵
علوم	۳
ادیان	۱/۰
متفرقه	۱۰/۰

فعالیت‌های

پروفسور گوئل کهن پژوهشگر کلیمی در حوزه نشر به روایت خود:

آثار من به دو حوزه مجزای مدیریت استراتژیک در انتقال تکنولوژی (Technology Transfer: Strategic Management in Developing Countries) است که توسط انتشارات SAGE منتشر خواهد شد. «مدیریت استراتژیک...» به عنوان کتابی درسی تعیین خواهد شد. در ضمن امسال کتاب «تنویرهای سازمان و مدیریت» توسط انتشارات اطلاعات به چاپ دوازدهم رسیده است. در زمینه تاریخ مطبوعات و تاریخ معاصر ایران هم به دنبال انتشار «شهریور ۲۰ و مطبوعات آن» در سال گذشته، پیگیر ادامه «تاریخ سانسور در ایران» هستم. علاوه بر آن کتاب دیگری تحت عنوان «معمای اعدام حیم» در دست دارم که هفده سال وقت مرا گرفته است و حتی برای تکمیل آن به آرشیوهای ملی آمریکا و انگلستان هم سر زده‌ام. حیم یک یهودی روزنامه‌نگار و نماینده مجلس دروان رضاشاه بود، توسط سرهنگ محمود پولادین نظامی تحصیل کرده‌ای متهم به جاسوسی شد و ...

چالش‌های مطبوعاتی چپ هم یکی دیگر از کارهایی است که در دست دارم.

کتاب هفته ۸۲/۷/۵

انتشار یک خودآموز علوم رایانه‌ای توسط جوان کلیمی

خودآموز «فتوشاپ»، کتابی است که اخیراً مهندس مردخای امین شمولیان به علاقمندان علوم رایانه‌ای عرضه کرده است. این کتاب با عنوان کامل «خودآموز گرافیک دیجیتال استاندارد» با آخرین نسخه فتوشاپ، توسط انتشارات بهادران وابسته به مجتمع آموزشی امیر بهادر در بهار ۸۲ در ۲۸۸ صفحه و با قیمت ۲۰۰۰۰ ریال منتشر شده است. شمولیان در مقدمه کتاب، آن را حاصل تجربیات تدریس در کلاس‌های فتوشاپ اعلام و از فرید طویبان و مرکز کامپیوتر انجمن کلیمیان تهران به خاطر پشتیبانی علمی و از النا لاویان به جهت ویراستاری متن سپاسگزاری کرده است.

این جوان کلیمی، قبلاً یک نرم‌افزار کامپیوتری را در قالب یک CD شامل تقویم یکصد ساله عبری، فارسی و میلادی همراه با اوقات شرعی تقیلا (نماز یهودیان) به افق تهران تدوین نموده است. این CD جهت فروش در مرکز کامپیوتر انجمن موجود است.



تار و پودی از جنس عشق

نقدی بر فیلم «فرش باد» آخرین ساخته کمال تبریزی

فرانک عراقی

می‌آید. زمانی که فرش سفارشی آقای ماکوتا لحظه به لحظه به پایانش نزدیک می‌شود تنها کسی که آرزو می‌کند این فرش هرگز به پایان نرسد همانا روزبه است چرا که با پایان یافتن این فرش او نیز باید از دلدارش خداحافظی کند.

از صحنه‌های زیبای فیلم که خالی از لطف نیست، درگوشی حرف زدن روزبه با کیمیا اسبش است. گویا با او درد دل می‌کند و درگوش او از خدا می‌خواهد هرگز از دلدار ژانیش جدا نگردد و این فرش هرگز تمام نشود. جالب این که دختر ژاپنی نیز به تقلید از روزبه در مقابل او در گوش کیمیا چیزهایی زیر لب زمزمه می‌کند.

ساکورا دختری است تا حدی خرافاتی، چرا که با هر آرزویی و با هر نذری که دارد یکی از کاردستی‌های کاغذی خود را بر جا می‌گذارد و اعتقاد دارد خداوند به این صورت به حرف‌های او گوش می‌دهد.

جلوه‌های زیبای شهر اصفهان به همراه رنگ و وارنگ بودن کلاف‌های تاروپود قالی، فیلم فرش باد را به صورت رنگین کمانی از زیبایی‌ها درآورده است. خانه‌های سنتی شهر اصفهان، حیاط‌های بزرگ و حوض‌های پر از آب و ماهی‌های قرمز، کاشی‌کاری‌های اصفهان، سقف‌های رنگارنگ و منظره‌سی و سه پل و میدان چهارباغ و درشکه‌ای آذین بسته همه و همه چشم‌نواز و زیبايند و این امر

ایرانی جاودانه خواهد کرد. این طرح از طرف یک واسطه در ایران (رضا کیانیان) مورد قبول و پیگیری قرار می‌گیرد و او با چکی که از مرد ژاپنی دریافت کرده سفارش فرش را به مرادخان که عهده‌دار یک کارگاه فرش‌بافی است می‌دهد.

فرش باد بیشترین امتیازی که دارد همانا احساسی بودن فیلم است و از بینندگان ایرانی هم که دنبال تلنگری بر احساساتشان می‌گردند بعید نیست که آخرین ساخته کمال تبریزی را بهترین فیلم جشنواره بدانند

طراح فرش تصادفی از دنیا می‌رود و مرادخان چک و سفارش را در صندوقخانه منزلش از خاطر می‌برد و هنگامی که مرد ژاپنی برای تحویل گرفتن فرش به ایران و به شهر هنر و زیبایی (یعنی اصفهان) وارد می‌شود، درمی‌یابد که نه تنها کار او را به اتمام نرسانده‌اند بلکه اصلا آن را فراموش کرده‌اند و فیلمنامه زیبای کمال تبریزی از همین جا شکل تازه‌ای به خود می‌گیرد.

روزبه (فرید احمدجو) که اخیرا بازی زیبای او را در سریال تفنگ سرپر شاهد بودیم با وجود سن کم محور این قسمت از داستان است او بدون این که خود بخواهد و یا توجهی به سن کمش داشته باشد عاشق و بی‌قرار دختر ژاپنی شده که به تازگی مادر خود را نیز از دست داده است. اما این دختر (که به علت ناراحتی عمیقی که از غم از دست دادن مادرش بر دل دارد توجهی به هیچ کس ندارد) جذب روزبه شده و با این که زبان یکدیگر را نمی‌فهمند پیوندی عمیق بینشان به وجود

فیلم فرش باد ساخته کمال تبریزی بهترین فیلم از دیدگاه تماشاگران در بیست و یکمین جشنواره فیلم فجر بود.

این روزها فیلم‌هایی که گوشه چشمی به موسیقی و حرکات موزون ایرانی و خارجی دارند و اجازه نمایش دارند کم نیستند.

فیلم‌های صورتی، عروس خوش قدم، هفت ترانه و ... فیلم‌هایی هستند که با بهره‌گیری از موسیقی و حرکات موزون موفقیت‌هایی در جلب مخاطب کسب کرده‌اند.

اما فرش باد بیشترین امتیازی که دارد همانا احساسی بودن فیلم است و از بینندگان ایرانی هم که دنبال تلنگری بر احساساتشان می‌گردند بعید نیست که آخرین ساخته کمال تبریزی را بهترین فیلم جشنواره بدانند.

یکی از نقاط قوت فیلم، بازی روان و دوست‌داشتنی رضا کیانیان است. کیانیان بارها و بارها در انواع نقش‌ها ظاهر شده و به حق از عهده انجام آنها خوب برآمده و در واقع یکی از استعدادهای سینمای ایران است.

در این میان بازیگر ژاپنی فیلم در کنار بازیگران ایرانی به خوبی ایفای نقش کرده و به حدی این بیگانگی را کنار می‌زند که حرکات موزون ایرانی را به نحو زیبایی حتی از خود رضا کیانیان نیز بهتر اجرا می‌کند. انتخاب بازیگران در این فیلم با دقت و ظرافت انجام یافته است. انتخاب فریبا کامران با شباهتی که به زن‌های ژاپنی دارد، با چشم‌های مشکی و تنگش ساکورا را به یاد مادرش می‌اندازد و فکر نمی‌کنم این انتخاب کارگردان اتفاقی بوده باشد.

ماجرای فیلم از این قرار است که یک طراح ژاپنی (یعنی مادر ساکورا) طرحی را برای بافتن یک فرش ایرانی بر روی کاغذ می‌آورد چرا که معتقد است وجود خود را در یک فرش

هارون یشایایی

داور ایرانی جشنواره بین‌المللی فیلم «آسیا - پاسیفیک»



یشایایی پرداخته است که چکیده آن در زیر می‌آید:

هارون یشایایی، در ۱۳۱۴ در تهران متولد شده است. وی فارغ‌التحصیل رشته فلسفه و علوم اجتماعی است. در ۱۳۳۴ موسسه کوچکی برای فعالیت‌های تبلیغاتی در سالن‌های سینما تأسیس کرد و آغاز نمایش اسلاید و فیلم‌های تبلیغاتی در سینما از سوی موسسه او منجر به تأسیس شرکت بزرگ تبلیغاتی پرسپولیس شد که بعدها به «تبلی فیلم»، و در ۱۳۵۳ به «پخشیران» تغییر نام داد. نخستین فیلم‌های تبلیغاتی و مستند در بخش خصوصی، در همین شرکت ساخته شد. یشایایی در ۱۳۴۶ با سه تن از همکارانش لابراتوار فیلمساز را پایه‌گذاری کرد و در زمینه‌های فنی سینمایی نیز به فعالیت پرداخت. او پس از انقلاب فعالیتش را روی تولید فیلم‌های سینمایی متمرکز کرد که از جمله فیلم‌های او، می‌توان به «اجاره‌نشین‌ها» و «هامون» (داریوش مهرجویی)، «ناخدا خورشید» و «ای ایران» (ناصر تقوایی)، «کیمیا» (احمد رضا درویش) و «نون و گلدون» (محسن مخملباف) اشاره کرد. در هفدهمین جشنواره فجر، بخشی به بزرگداشت و مرور آثار او اختصاص داشت. ■

چهل و هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم «آسیا - پاسیفیک» از ۲۸ مهر الی اول آبان در «عقیق‌آباد» شیراز برگزار شد. هارون یشایایی، رئیس انجمن کلیمیان تهران که از تهیه‌کنندگان با سابقه فیلم در ایران و نیز عضو آکادمی سینمای ایران نیز هست، داور ایرانی این جشنواره بین‌المللی بود.

این جشنواره که از سوی اتحادیه تهیه‌کنندگان فیلم‌های سینمای آسیا (FPA) هر سال در یکی از کشورهای عضو این اتحادیه برگزار می‌شود، با هدف ارتقای سطح و معیارهای فیلمسازی در این منطقه جغرافیایی و ترویج مبادلات فرهنگی از طریق واسطه بیانی سینما، نزدیک به نیم قرن پیش پایه‌گذاری شد.

امسال برای اولین بار، شهری به غیر از پایتخت یکی از کشورهای عضو به عنوان میزبان انتخاب شده و شهر فرهنگ‌پرور شیراز توانسته این افتخار را برای ایران به دست آورد.

روزنامه «بانی فیلم» (۱۳۷/۳۰) در ویژه‌نامه خود به مناسبت این جشنواره، در بخش معرفی داوران، به زندگی سینمایی

کمک زیادی به جلب مخاطبان فرش باد کرده است.

موسیقی فیلم که تلفیقی از موسیقی ایرانی و ترازدی‌های ژاپنی است به خوبی و به جا کار گذاشته شده است.

از دیگر صحنه‌های فیلم مراسم چهارشنبه‌سوری است که تقریباً به روش سنتی زینت یافته است و شور و شعفی در میان بافندگان فرش و همه بچه‌ها به وجود آورده است. پریدن از روی آتش و استفاده از قشقه بدون آن که خطری ایجاد کند در واقع یک نصیحت است به جوان‌های پر شر و شوری که می‌توان چهارشنبه‌سوری را به روش بهتری نیز اجرا کرد.

اما اکبر و فریا با وجود تمام دلفک‌بازی‌های اکبر و دل زنده بودن فریا، غمی بر دل دارند که هرگز در کل فیلم به آن اشاره نشد. تنها با زبان نگاه و برق اشکی که در دیدگان آنها بود می‌شد به غم درون آنها پی برد. فریا زمانی که از بچه‌ها مواظبت می‌کرد تا مادرانشان کار را پیش ببرند در واقع آرزوی بچه‌دار شدن خود را تحقق می‌بخشید اما این مسئله از دید تیزبین و شوخ شوهرش هرگز پنهان نماند. همین طور وقتی اکبر برای بچه‌های این و آن تبدیل به اسب شده بود و یورتمه می‌رفت برق اشک فریا از پشت پنجره غم کمبودی را که در زندگی داشت حکایت می‌کرد. در صورتی که هیچ یک از آنها در کل فیلم این مسئله را اقرار نکردند چرا که عاقلان را اشارتی بس است.

سرانجام گریه‌های روزبه و دعا‌های او اثر خود را نبخشید و فرش بالاخره تمام شد. جشنواره ژاپنی فرش ایرانی را با سربلندی و اقتدار دور تا دور ژاپن حمل می‌کرد. و بالاخره دو نشان عشق یکی صورتی و یکی آبی در حاشیه فرش که همان تاروپود عشق روزبه و ساکورا بود خودنمایی می‌کرد و آنها عشق خود را در تاروپود «فرش باد»، جاودانه کردند همان طور که مادر ساکورا خود را در طرح فرش جاودانه ساخت. ■

داستان آقا عزیزالله تویسرکانی

هارون یشایایی

یک قصه پیش نیست غم عشق وین عجب
از هر زبان که می شنوم نامکر است

(حافظ)

خواهد کرد، در هر حال چیزی از دست نمی‌دهم، برمی‌گردم خیابان گردی‌ام را ادامه می‌دهم.

حالا دیگر نزدیک به مغازه‌ای که پیرمرد نشانم داد رسیده بودم، در ویتترین مثل بقیه مغازه‌ها چند تکه پارچه آویز کرده بودند و یک لامپ از وسط ویتترین بیرون دکان را روشن می‌کرد. به درون مغازه نگاه کردم که ببینم کسی هست یا نه. هیچ کس را به جز آقا عزیزالله ندیدم، تصمیم خود را گرفته بودم، انگار که می‌خواستم خودم را در یک استخر آب سرد بیاندازم. وارد مغازه شدم و در نگاهی به اطراف چیز غیر معمولی ندیدم. نگاهم را از اطراف کندم و متوجه آقا عزیزالله شدم که وسط مغازه ایستاده بود و منتظر بود تا بفهمد من چه چیز می‌خواهم

قبل از اینکه لب باز کنم پیش دستی کرد:

- بفرمائید چیزی می‌خواستید؟

حالا دیگر اعتماد به نفس پیدا کرده بودم. به آرامی گفتم:

- مزاحم نشده باشم؟ آقا عزیزالله شما هستید؟

با شک و تردید مرا برانداز کرد و دوباره گفت:

- بله چه فرمایشی داشتید؟

وقتش رسیده بود که وارد اصل مطلب شوم، بی رودربایستی گفتم:

- همکاران چند مغازه پایین‌تر شما را معرفی کرد.

راستش می‌خواستم ببرسم در تویسرکان خانواده یا افراد کلیمی

وجود دارد یا نه. خودم کلیمی هستم، دو سه روزی اینجا هستم، از

سر کنجکاو می‌پرسم، می‌بخشید

صاحب مغازه که حالا نسبت به وجود من علاوه بر شک و تردید،

احساس ترس می‌کرد، مردی بود که سال‌های میانه عمر را گذرانده بود،

موهایش به سفیدی می‌زد، کوتاه قامت و کمی قره با ابروهایی درهم و

خطوط چهره‌اش آشکارا و زمخت بود، سیه چرده و ترش‌رو به نظر

می‌رسید. نگاهش را مستقیم به نگاه من دوخت. چهارپایه کنار

قفسه‌های پارچه را پیش کشید و تعارف کرد بنشینم. خودش روی

صندلی مقابل نشست و با نگاهی پرسش‌گرانه گفت:

- به چه درد شما می‌خورد؟ حالا که در این شهر یهودی

وجود ندارد، یا اگر وجود داشته باشد من نمی‌دانم

دانستم که بی‌میل به صحبت کردن نیست، گفتم:

- بالاخره آدم علاقه دارد که وضع نزدیکانش را بداند. مثلا وقتی به

یک کشور خارجی می‌رویم دنبال ایرانی می‌گردیم و یا در تهران

شهرستانی‌ها می‌خواهند همشهری‌های خودشان را ببینند، در تهران

چندین جمعیت شهرستانی‌های مقیم تهران وجود دارد، شاید

تویسرکانی‌ها هم داشته باشند.... باور کنید هیچ دلیل دیگری

وجود ندارد

روی صندلی جابجا شد. به نظر می‌رسید حرف‌هایم را باور کرده

است، نگاهش را عمیق‌تر از پیش به من دوخت، طوری که انگار

می‌خواهد حقانیت خودش را ثابت کند. شروع کرد:

از آن روز سال‌ها می‌گذرد.... من ناخواسته مجبور بودم دو سه روزی در تویسرکان بمانم، تابستان رو به پایان بود و نسیم خنک پائیزی ارتفاعات الوند را می‌بیمود و شهر کوچک و آرام تویسرکان و مردم آن را نوازش می‌کرد. کوچه‌ها و ساختمان‌های اطراف خیابان با همه غبارآلودگی و غمباری خود رهگذران را صمیمانه در آغوش می‌گرفتند. حوصله ماندن در اطاق محقر مسافرخانه را نداشتم....

هر چه باشد آدم‌ها در کوچه و خیابان رفت و آمد می‌کنند و می‌توان کسی را برای حرف زدن پیدا کرد.... هر مسافری می‌داند که بازارهای سنتی در کوچکترین شهرهای ایران گردشگاهی مناسب برای تماشا و وقت گذرانی است و یک غریبه در بازارهای سنتی احساس آرامش و امنیت می‌کند

در اولین گشت و گذار در خیابان‌های تویسرکان مثل هر غریبه دیگری به دنبال آشنا می‌گشتم، سوالی که به طور معمول برای هر مسافر یهودی در هر مکان ناشناخته‌ای پیش می‌آید این است که آیا در این شهر خانواده یا فرد یهودی زندگی می‌کند یا نه....؟

با این انگیزه در دکان‌های خیابان و بازار سرک کشیدم تا از نشانه‌ها چیزی دستگیرم شود که نشد قیافه‌ها همه مثل هم بود و کسب و کار خوب یا بد برای همه یکسان!

- چهره پیرمردی اعتماد را جلب کرد.... وارد مغازه‌اش شدم، سلام و علیک را با یک نوع احوالپرسی و تواضع قاطی کردم که صاحب مغازه فوراً فهمید مشتری نیستم. «بفرمائید» را طوری بیان کرد که به من جرات داد بگویم:

- ببخشید مزاحم شدم، چند روزی مهمان شما در این شهر هستم. می‌خواستم بدانم در شهر شما خانواده و یا فرد کلیمی هم وجود دارد....؟ من خودم کلیمی هستم و فکر کردم اگر بشود از همکشانم احوالپرسی کرده باشم

پیرمرد به شیوه همه مردان شهرهای کوچک ایران بی‌آنکه عجله‌ای در جواب دادن داشته باشد، بعد از سکوتی طولانی تعارف به نشستن کرد، انگار زوایای ذهنش را جستجو می‌کرد. به آرامی گفتم:

- قبلاها بوده‌اند، ولی حالا فکر نمی‌کنم

با قدم‌های سنگین از پشت پیشخوان مغازه بیرون آمد و با اشاره انگشت چند مغازه آن طرف‌تر را به من نشان داد:

- بروید آنجا از آقا عزیزالله بپرسید، او بهتر می‌داند، قدیم‌ها کلیمی بوده است.

به سرعت به طرف مغازه‌ای که نشان داده بود حرکت کردم. ناگهان نشانی پیرمرد که «قدیم‌ها کلیمی بوده است» مرا به فکر واداشت که شاید کسی که می‌خواهم به ملاقاتش بروم دوست نداشته باشد مرا ببیند. می‌خواستم برگردم که کنجکاوای مجال نداد، به خودم گفتم: در نهایت جواب سلامم را نخواهد داد و یا اصلا همه چیز را انکار

یک روز که مادرم در خانه تنها بود موضوع را برایش گفتم، جدی نگرفت. فقط یادآوری کرد که اگر این حرف را به پدرم بگویم از خانه بیرونم خواهد کرد و تا دنیا دنیا است مرا نخواهد بخشید.

برای آرام کردن مادرم مدتی سکوت کردم، حدود یک سالی از ماجرا گذشت و رابطه من و پدری بدون یک کلام حرف بین ما دو نفر، هر روز معنی دارتر می شد.

من به دقت گوش می دادم، صحبت که به اینجا رسید، متوجه شدم زنی با سلامی کوتاه وارد مغازه شد. من نگاهم را از صورت آقا عزیزالله برداشتم تا به کاسی اش برسد، ولی او معطل نکرد، از روی صندلی اش خودش بلند شد و گفت:

- «پدری خانم زنم هستند». از روی چهارپایه بلند شدم سلامی کردم، ظاهرش مثل همه خانم معلم ها بود. زحمت کشیده، بلند بالا و جدی بنظر می رسید، چند تار مویی که از زیر روسری پیدا بود به سفیدی نزدیک بود، رنگ و رخی مهتابی و چشمانی نافذ داشت که رنگ به کیودی می زد. جواب سلامم را داد و با نگاهی استفهام آمیز رو به شوهرش کرد که یعنی «این کیست؟». میرزا عزیزالله صاف و ساده همه چیز را تعریف کرد و من جرئت کردم بگویم:

- خانم واقعا از دیدن خانم خوشحالم، آشنایی با همسر شما برای غریبه ای مثل من خوش شانس بزرگی است.

با لحنی گله آمیز و با طعنه ای زنانه گفت:

- شما اولین کلیمی ای هستید که این را به من می گوئید.....!

سکوت کردم، آقا عزیزالله برای همسرش صندلی آورد و با همان سادگی قبلی گفت:

- داشتم داستان زندگی مان را تعریف می کردم.

پدری خانم استقبال نکرد، فکر کردم بهتر است چند دقیقه ای موضوع صحبت را عوض کنم تا شرایط مناسب شود. علت حضورم را در تویسرکان توضیح دادم و از زندگی شخصی و کار و بار و خانواده ام صحبت کردم. حس کردم پدری خانم هم علاقمند به شنیدن شده است. در مورد اخلاق و اعتقادات خودم راست و پوست کنده گفتم:

- من در یک خانواده یهودی متولد شده ام، اعتقادات و سنت های یهودی گری را دوست دارم. فرایض مذهبی ام را در حد اعتدال رعایت می کنم و یهودی بودن برایم مثل رنگ پوستم می ماند، نمی توانم یا نمی خواهم عوضش کنم، اما قبل از همه اینها به انسان بودن فکر می کنم و به عشق که امانت اولیه خداوند به انسان است

پدری خانم به سخن آمد که:

- حتما عزیزالله چیزهایی برایتان گفته است که اینطور صحبت می کنید.....!

تائید کردم و خواهش کردم موافقت کند همسرش بقیه ماجرا را برایش بگوید.

با اخم و تخم معلمانه گفت:

- من کی گفتم نگوید! آقا عزیزالله ادامه داد:

- همه چیز را برایتان گفتم..... بقیه این که یک روز به اداره پدری رفتم و با گریه و زاری از او کمک خواستم. پدر خدا بیامرز پدری با حوصله به حرف هایم گوش کرد و با آرامش و خونسردی گفت باشد من با پدری صحبت می کنم. انگار که در بهشت را برویم باز کرده باشند، پیش خودم گفتم اگر پدری و خانواده اش راضی بشوند و من به آرزوهایم برسم، قید همه چیز را می زنم، زدم..... و شد.

خدا خواست پدری دست و بالم را گرفت و کارمان به اینجا که هست رسید. پدرم مرا از خانه بیرون کرد و تا وقتی که فوت کرد هرگز با من صحبت نکرد، بقیه فامیل هم همین طور. فقط وقتی بچه هایم به

- یقین به شما گفته اند که من قبلا کلیمی بودم، اما حالا همسر مسلمان و فرزندان مسلمان دارم و با جامعه کلیمی ارتباطی ندارم. عکس العمل مرا سبک سنگین می کرد، چیزی نگفتم. برای اینکه گفتگویمان قطع نشود گفتم:

- حتما عاشق همسرتان شده اید.....؟

از این که دلیلی برای اثبات حرفش گفتم خوشحال شد و در حالی که روی صندلی نیم خیز شده بود گفت:

- خوب فهمیدید، ولی کسان دیگر این را نمی گویند، معلوم شد در عقیده به هم نزدیک تر شده ایم، گفتم:

- پیش می آید آدم، آدم است.....!

ناگهان چهره اش تغییر کرد. صمیمانه و از سر حوصله سفره دلش را باز کرد. گوئی سال ها منتظر مانده بود تا داستان زندگی اش را برای کسی بگوید. بی مقدمه شروع کرد: داستانش مفصل است اگر حوصله کنید برایتان می گویم.

- با خوشحالی گفتم من که کار خاصی ندارم مزاحم شما نشده باشم.....؟

عزیزالله خان شروع به صحبت کرد:

- بعد از اینکه دیپلم گرفتم در مغازه پدرم کمی بالاتر از اینجا مشغول به کار شدم، به پدرم کمک می کردم. ما یک خانواده یهودی در میان حدود چهل، پنجاه خانوار در تویسرکان بودیم. مثل همه زندگی می کردیم، مادرم در خانه بود، خواهر و برادر کوچک تر به مدرسه می رفتند و من و پدرم مغازه را اداره می کردیم. همه در فکر رفتن از اینجا بودند. با وجود این دویست، سیصد نفری با هم زندگی می کردیم و همدیگر را می شناختیم. روزها به آرامی می گذشت خبر تازه ای به جز این که امروز فلان خانواده به تهران کوچ کرده اند، شنیده نمی شد.

یک روز مثل بقیه روزها مادر و دختری برای خرید به مغازه پدرم آمدند. فرصتی پیش آمد تا من با دختر چند جمله ای حرف بزنم. نمی دانم چه پیش آمد، ولی با همان چند دقیقه صحبت و نگاه به دختر، وضع زندگی ام به کلی عوض شد..... مهرش در دلم جای گرفت و همه چیز را زیر و رو کرد و چنان آتشی به جانم افتاد که تا امروز هم روشن است. از آن به بعد همه چیزم عوض شد، خدا می داند چه دنیایی داشتم.....

موضوع برایم جالب شده بود. سعی کردم تشویقش کنم بیشتر صحبت کند:

- خوب، خدا را شکر راضی هستید.

با آرامش گفت:

- بله دوران سختی را گذرانده ایم، زنم معلم است، خودم هم اینجا لک و لک می کنم، الحمدالله بچه ها بزرگ شده اند، دو پسر دارم. یکی تهران است و دانشگاه می رود و پسر دیگر و دخترم اینجا هستند. ولی به این آسانی هم نبوده است، بعد از این که «پدری» را دیدم همه زندگیم پدری شد و روز و شب در فکر بودم، سرگشته و درمانده نمی دانستم چکار باید بکنم. جرئت گفتنش را به هیچکس نداشتم.

آدرس مدرسه و خانه پدری را پیدا کردم و هر روز به بهانه ای سر راهش قرار می گرفتم. حرفی بین ما رد و بدل نشده بود، ولی رفته رفته متوجه شدم پدری هم مرا می پاید، به این ترتیب هر روز آشفته تر می شدم. پدر و مادرم تغییر رفتار و اخلاق مرا فهمیده بودند ولی به روی خودشان نمی آوردند، شاید فکر می کردند هیجان جوانی است و می گذرد..... ولی نگذشت.....!

زمان هر روز مرا بیشتر گرفتار پدری می کرد. می خواستم خودم را سر به نیست کنم ولی جرئت نداشتم چه می توانستم بکنم، بالاخره دلم را به دریا زدم.

پسر آقا عزیزالله آدرس بیمارستان را داد، و یادآور شد که ما منتظر شما می‌شویم. بی معطلی کفش و کلاه کرده و راه افتادم. در محوطه بیمارستان چهار نفری دور هم نشسته بودند، من بچه‌ها را نمی‌شناختم، ولی بدری خانم که با دخترش زیر چادر مشکی‌های خودشان گریه می‌کردند مرا شناخت، سرش را تکان داد، به طرف آنها رفته، تسلیت گفتم و بدری خانم تشکر کرد و اشاره به پسر بزرگشان کرد که یعنی با او صحبت کنم. کنار صندلی پسر نشستیم، با آرامش و شمرده صحبت می‌کرد، مثل پدرش. رو به من کرد و گفت:

- خودتان را ناراحت نکنید، اگر نمی‌شود قبول نکنید، بالاخره مادرم را راضی می‌کنم

نمی‌دانم چه انگیزه‌ای مرا بر آن داشت تا بگویم:
- شما خیالتان راحت باشد، مادرتان آدرس گورستان ما را می‌داند، کارهای بیمارستان را تمام کنید، من خودم آمبولانس خبر می‌کنم. بچه‌ها همه راضی شدند و مادر با سپاسگزاری نگاهش را متوجه من کرد و گفت:

- من از طرف عزیزالله تشکر می‌کنم
فرصت تعارف بیشتر نبود، آنها به طرف دفتر بیمارستان رفتند و من تلفن کردم آمبولانس بیايد و به مسئولان گورستان خبر دادم که یکی از دوستانم فوت کرده است، مدارک فوت پیش من است و خودم با آمبولانس می‌آیم.

تا وقتی به گورستان برسیم بیش از یک ساعتی طول کشید، در گورستان چند نفری جمع شده بودند. مراسم کفن و دفن به طور معمول انجام گرفت و آقا عزیزالله را کنار قبر پدر و مادرش به خاک سپردیم. پس از آن جمعیت حاضر در مراسم متفرق شدند و من به عادت خودم چند دقیقه‌ای زیر سایه درختان گورستان نشستیم، به مرگ فکر نمی‌کردم، چرا که در گورستان مرگ همه جا گسترده است، همه ذهنم متوجه وصیت آقا عزیزالله بود، عشق او و سرانجامش وفاداری بدری خانم به وصیت شوهرش برایم شگفت‌انگیز بود و این که انسان عجب موجود پیچیده‌ای است.....!

سکوت گورستان را ترک کردم و به طرف در خروجی آمدم. از کنار در گذشتم. بدری خانم در حالی که خودش را در چادر مشکی پیچیده بود در کنار دیوار گورستان چهار زانو نشسته و گریه می‌کرد. مرا که دید از جایش بلند شد. به طرفش رفتم و باز هم تسلیت گفتم. در حالی که نگاهش به دوردست‌ها بود و گویی گذشته را مرور می‌کرد، با گریه پرسید:

- تمام شد؟

گفتم:

- بدری خانم برای همه تمام می‌شود، چرا اینجا نشسته‌اید؟

- بچه‌ها آنجا نشسته‌اند، من قرار نمی‌گرفتم، آمدم اینجا.

همراهی‌اش کردم که به طرف ماشین بچه‌ها برویم. ما را که دیدند از ماشین پیاده شدند. پسر بزرگ‌تر سؤال کرد:

- مشکلی پیش نیامد؟

گفتم:

- بحمدالله هیچ مشکلی پیش نیامد، با احترام کامل او را در جوار پدر و مادرش به خاک سپردیم.

پسر کوچک‌تر که می‌خواست مسئولیت خودش را در برابر پدر بیان کند اضافه کرد:

- ما هم از همین جا دعای میت خواندیم.

گفتم:

- خدا رحمتش کند، قبول باشد. ■

• توضیح: این متن تنها یک داستان بوده و هرگونه شباهت اسامی مذکور با افراد حقیقی، تصادفی است.

دنیا آمدند مادرم مخفیانه به خانه ما می‌آمد و به بدری کمک می‌کرد. ولی او هم همراه پدرم به تهران رفت و بعد از مدتی هر دو به رحمت خدا رفتند. حالا بعضی وقت‌ها که با بدری به تهران می‌رویم به «بهشتیه» برای زیارت آنها سر می‌زنیم

این نکته برایم جالب بود. رو به بدری خانم کردم:

- پس شما گورستان ما را در تهران دیده‌اید؟

بدری خانم به علامت تأیید سرش را تکان داد. مدتی سکوت بین ما گذشت، شاید حرف دیگری برای گفتن نبود و کم کم وجود در بین آنها سنگینی می‌کرد. حس کردم اگر پیش از این مزاحم نشوم بهتر است. به قصد خداحافظی بلند شدم، بدری خانم تعارف کرد که به منزلشان بروم، تشکر کردم و گفتم اگر فرصت پیش آمد چشم ...! و خواهش کردم اگر به تهران آمدند حتماً سری به ما بزنند. آدرس و شماره تلفن خودم را دادم و خداحافظی کردم و روز بعد به تهران آمدم.

سال‌ها من و خانواده آقا عزیزالله رابطه سلام علیک و احوالپرسی داشتیم. هر وقت آقا عزیزالله به تهران می‌آمد تلفنی جویای حال و احوال و کار من می‌شد. یکی دو بار هم تصادفاً در تهران همدیگر را دیدیم. من هم لااقل سالی یک بار عید نوروز به منزل آنها تلفن می‌کردم و با بدری خانم سلام و احوالپرسی کرده و تبریک عید می‌گفتم. می‌دانستم پسرهایش بزرگ شده‌اند و هر دو در تهران زندگی می‌کنند و کار و بارشان بد نیست و گاهی هم دسته‌جمعی به تویسکان می‌روند پیش پدر و مادرشان، که نوه‌ها اسباب سرگرمی پدربزرگ و مادربزرگ هستند و نیز می‌دانستم که دختر خانواده نیز ازدواج کرده و با پدر و مادرش زندگی می‌کند و رابطه خانواده صمیمی و محترمانه است. خاطره آنها همیشه در ذهن من باقی بود.

ارتباط من با خانواده عزیزالله در این سال‌ها بیش از این نبود.

تا این که یک روز صبح زود با صدای تلفن بیدار شدم، صدای ناآشنایی سلام و علیک کرد و برای اینکه مطمئن شود اسم مرا پرسید و بعد مرد آن طرف تلفن به آرامی گفت:

- من پسر آقا عزیزالله هستم... سلام و علیک را صمیمانه کردم و از حال و احوال پدر و مادرش پرسیدم، کمی مکث کرد و گفت:

- می‌خواستم به شما اطلاع دهم پدرم فوت کرده است.

- با ابراز تأسف و تسلیت گفتم:

- واقعا ناراحت شدم، من یک دوست عزیزم را از دست داده‌ام، خدا رحمتش کند. بقای عمر شما و خانواده باشد.

- و بلافاصله اضافه کردم:

- مایلیم برای تسلیت حضوراً خدمت مادرتان برسیم، کی و کجا بیایم؟

گویی می‌خواهد راز پنهانی را به من بگوید، گفت:

- می‌بخشید، مادرم پیغامی برای شما داده است. می‌دانم برایتان دردسر خواهد شد، ولی پیرزن بی‌قراری می‌کند، می‌خواهد جواب شما را بداند.

با دستپاچی گفتم:

- هر کاری در امکانم باشد انجام می‌دهم، مطمئن باشید، مرد آشفته حال بلافاصله وارد اصل مطلب شد که:

- پدرم وصیت کرده است کنار قبر پدر و مادرش دفن شود، مادرم سخت هیجان زده شده، اصرار دارد وصیت شوهرش را حتماً انجام دهد، می‌گوید شما می‌توانید. مادرم بی‌قراری می‌کند، می‌خواستم از شما کمک بگیرم.

بهت زده شده بودم، آمادگی جواب نداشتیم ولی می‌دانستم که اگر لحظه‌ای در جواب دادن مکث کنم بدری خانم را مایوس کرده‌ام، بی هیچ مقدمه‌ای گفتم:

- باشد، بگوئید کجا هستید، من می‌آیم.

گل رز برای مادر

الهام مؤدب

مردی جلو گل فروشی ماشینش را نگه داشت. او می خواست برای مادرش گلی سفارش دهد و به منزل مادرش که در ۲۰۰ مایلی آنجا بود، بفرستد.

در حین ورود به گل فروشی پسر کوچکی را دید که با گریه از آنجا خارج می شد. از او پرسید: «چرا گریه می کنی؟» پسرک جواب داد: «پول کمی دارم و نمی توانم برای مادرم گل رز بخرم.»

مرد خندید و گفت: «با من بیا، من برات گل رز می خرم.»

مرد برای پسرک گل خرید و گل خود را هم سفارش داد. هنگام خروج از گل فروشی از او پرسید: «می خواهی تو را برسانم؟»

«بله، لطفا مرا پیش مادرم ببرید.»

و سپس نشانی گورستان را داد. آنان با هم بر سر مزار مادرش که هنوز خاکش خشک نشده بود رفتند.

مرد به گل فروشی بازگشت. گلی که سفارش داده بود گرفت و ۲۰۰ مایل رانندگی کرد تا آن را شخصا به مادرش بدهد.

هرگز نمیر مادر

یوسف ستاره شناس

به ستاره ها نگاه کن
که شب را شکسته اند
بی تو شب من شبی بی ستاره است
آفتاب را ببین
که غول تاریکی از مقابلش می گریزد
بی تو روز من آفتاب ندارد
چمنزار را بنگر با لاله ها
و جویبار کوچکی که
زمزمه کنان روان است
بی تو دنیای من
از چمن و لاله و زمزمه خالیست
بی تو من هیچم، نیستم
اگر می خواهی من بمانم
اگر می خواهی نمیرم
هرگز نمیر مادر

شمیم عطر گل

ابراهیم سعیدیان

در آن لحظه که ایزد دخترم داد
بهشت و کوثر و هم زمزم داد
گل و ریحان و مشک و عنبرم داد
طلا و شب چراغ و گوهرم داد
مرا طبع روان و برترم داد
نشان و شهرت و شعر ترم داد
زیخت و طالعش شادی فزون شد
غم و درد و فغان هم سرنگون شد
غم و دردش بجان خود نهفتم
بگوشش رمز و راز اینگونه گفتم
سر و جانم فدای دخترم باد
فدای مونس و تاج سرم باد
که مهرش از زمین تا آسمان است
شمیم عطر گل در آن نهان است

فعالیت های اخیر پرویز نی داود، شاعر و مترجم از زبان خود :

قبلا کتاب های «مشاهیر ادب معاصر» و «مجموعه مقالات رادیویی» را منتشر کرده ام و آخرین کتاب من «اشک لیلی» مجموعه ای از شعرهای من است که در سال ۷۹ منتشر شد.

حالا کتاب «و پاییز بود...» را که ترجمه یک رمان است در تدارک انتشار دارم. غیر از این هم «مهناب در مرداب» مجموعه داستان و رمان «لادن، پنجره ای به باغ نیلوفر» و «روزی که راد به زندگی برخاست» و «حجم پوک» را آماده چاپ دارم. ضمن این «زندگی ها و شوخی های ادیبانه» اثر جیمز ستلرند را ترجمه کرده ام که هنوز به ناشری نداده ام.

الان هم سه کتاب «برنامه های رادیویی» قسمت دوم و کتاب «رعنا» را که داستانی برای فیلم است را آماده کرده ام. بهترین کتابی که حالا آماده دارم و در پی ناشری فعال و معتبر هستم «خاطرات هنرمندان» است. در این کتاب من از آخرین خاطرات خود با هنرمندان سرشناسی چون استاد پرویز یاحقی و استاد همایون خرم و استاد تجویدی و نوشته ام که امیدوارم هر چه زودتر چاپ و منتشر شود. این خاطرات مربوط به ده سال اخیر می شود. البته هنرمندان بسیاری در این کتاب حضور دارند که در زمان انتشار مورد توجه بسیاری قرار خواهد گرفت.

چگونه

عزت نفس خود را افزایش دهیم؟

لیورا سعید



یا رد درخواست کار و یا تحقیر شدن از سوی اطرافیان، در خطر از دست دادن اعتماد به نفس خود هستند. اما این نکته را نیز باید مورد توجه قرار دهیم که این عوامل موقتی و گذرا هستند و نباید اجازه دهیم که این تزلزل، دائمی شود.

- مهمترین خصوصیات افرادی که اعتماد به نفس پایینی دارند به این قرار است:

- ۱- خود را قبول ندارند.
- ۲- اطرافیان را قبول ندارند و نمی‌پذیرند.
- ۳- به دیگران وابسته‌اند چون تحمل ترک شدن از سوی او را ندارند.
- ۴- خود را با دیگران مقایسه می‌کنند.
- ۵- همه چیز را در حد مطلوب و با کیفیت بالا می‌خواهند. و به عبارتی کمال‌گرا هستند.
- ۶- در تصمیم‌گیری‌های هر چند ساده، ناتوان می‌باشند.
- ۷- در برقراری ارتباط با اطرافیان، ناتوان هستند.
- ۸- در برخورد با انتقاد از سوی دیگران، منطقی نیستند و برخورد تدافعی دارند.

عزت نفس پدیده‌ای اکتسابی است نه ارثی

۲- **ظاهر جسمانی:** به نظر می‌رسد کودکانی که ظاهری جذاب و خوشایند دارند، بیشتر مورد توجه همگان قرار می‌گیرند تا بچه‌هایی که ظاهر خوشایندی ندارند. اما برای افراد بالغ کیفیت ظاهر، اهمیتی ندارد بلکه برداشت او از ظاهر خود، مهم تلقی می‌شود. بنابراین یکی از عواملی که در بزرگسالی باعث می‌شود فرد عزت نفس بالا یا ضعیفی داشته باشد، خصوصیات و ظاهر فیزیکی او است که تحت تأثیر برداشت‌های اطرافیان قرار می‌گیرد.

۳- **جنسیت:** دیدگاه‌های مختلفی در این خصوص وجود دارد. در گذشته اعتقاد بر این بود که زنان از عزت نفس پایین‌تری نسبت به مردان برخوردارند. اما پژوهش‌های جدید هیچگونه تفاوتی برای عزت نفس میان دو جنس قائل نمی‌شود.

۴- **رویدادهای جاری:** باید بپذیریم که حتی افرادی هم که از عزت نفس بالایی برخوردارند، روزانه به واسطه رویدادها و وقایع پیش‌بینی نشده‌ای مانند پذیرفته نشدن در دانشگاه، اخراج از کار

عزت نفس ارزشی است که ما برای خود قائلیم. اگر برای خود به عنوان یک انسان با ویژگی‌ها، توانایی‌ها و محدودیت‌هایی که داریم ارزش قائل شویم، فردی هستیم که عزت نفس بالایی داریم. فردی از عزت نفس زیاد، برخوردار است که به دنیا نگرش مثبت داشته باشد، از استعدادهای خود به خوبی استفاده کند و نه تنها برای خود احترام و ارزش قائل شود بلکه احساس کند دیگران نیز او را دوست دارند. این افراد شایسته محبت هستند و انتظار دارند اطرافیان نیز برای آنها احترام قائل شوند و آنها را دوست داشته باشند. عزت نفس پدیده‌ای اکتسابی است نه ارثی. یعنی با تولد کودک، عزت نفس پا به دنیا نمی‌گذارد بلکه این پدیده طی دوران زندگی او، بخصوص در دوران کودکی و نوجوانی تحت تأثیر محیط بیرونی شکل گرفته و ساخته می‌شود.

به ویژگی‌ها و توانایی‌های هر چند کوچک که تنها از عهده شما برمی‌آیند، افتخار کنید.

عزت نفس تحت تأثیر عوامل بسیاری ساخته می‌شود، از جمله:

۱- **شیوه فرزندپروری:** در سال‌های اولیه زندگی، کودک به شدت تحت تأثیر برداشت دیگران بخصوص والدین خود قرار دارد. اگر احترام کودک را حفظ نمائیم، به حرف‌های او گوش دهیم، برای او وقت بگذاریم، رفتار خوب او را تشویق کنیم و نه اینکه فقط به دنبال

گزارشی از مرکز آموزش موسیقی انجمن کلیمیان تهران



جانب آن کمیته به عنوان مرجع رسیدگی کننده به امور آن نهاد معرفی گردید. از تابستان ۱۳۸۰ آزاده ماخانی به عنوان منشی مرکز آموزش موسیقی استخدام و فعالیت خود را آغاز نمود.

در تاریخ ۲۲ اسفند ۷۹ جشن افتتاحیه این مرکز در محل تشکیل این کلاس ها در ساختمان سرابندی برگزار گردید که در آن جشن، هنرجویان کلاس های مختلف هنرنمایی نمودند.

همچنین جشنی نیز به مناسبت «پایان کتاب اول موسیقی» در تالار محبان در تاریخ ۹ مهر ۸۱ برگزار گردید که هنرجویان کلاس موسیقی برنامه های خود را اجرا نمودند. مدیریت این برنامه برعهده نوید یمینی بود.

جشن پیشرفت هنرجویان این مرکز، برنامه اخیر مرکز آموزش موسیقی بود که چهارشنبه ۷ آبان در تالار محبان برگزار شد. از برنامه های آتی این نهاد تشکیل کتابخانه تخصصی موسیقی است که تاکنون تعدادی کتاب نیز خریداری شده است و از هم اکنون نیز آماده ارائه خدمات به هنرجویان و هنردوستان عزیز می باشد. همچنین در نظر است اولین مرکز صوتی نیز در این محل راه اندازی گردد تا دوست داران موسیقی نیز از امکانات جدید و نوین آن در آشنایی بهتر و بیشتر با موسیقی مورد علاقه خود سود جویند. ■

در زمستان ۱۳۷۸ پیشنهاد تشکیل یک مرکز آموزش موسیقی در کمیته جوانان مطرح شد. این طرح با کوشش و تلاش بسیار و پیگیری فراوان پرویز گرامی و همکاری فرزین شادپور و کیوان هارونیان جامه عمل پوشید و مرکز آموزش موسیقی انجمن کلیمیان در اول تیرماه ۱۳۷۹ در طبقه دوم مجتمع سرابندی فعالیت خود را آغاز نمود. در ابتدا قرار بر این بود که حتما کلاس «آرف» تشکیل شده و تمام هنرجویان در این کلاس شرکت جویند، اما به علت مخالفت هنرجویان و خانواده های ایشان، از تشکیل این کلاس صرف نظر شد. این کلاس ها در ابتدا با همکاری اساتید: دکتر منشوری (ارگ)، تبریزی (تمبک)، دانیالی (گیتار) و درخشان (ویولن) تشکیل گردید و اینک پس از گذشت دو سال و نیم از تشکیل این مرکز، نظر به استقبال شایان توجه همکیشان و گسترش زمینه فعالیت آن، کلاس های ذیل زیر نظر اساتید به نام و پرتجربه دایر می باشد: سیمونی و لاله زاری (ارگ)، سیمونی (پیانو)، افشار (سازهای سنتی شامل تمبک، دف، ستور و سه تار)، دانیالی (گیتار) و عسکری (ویولن).

در تابستان ۱۳۷۹ و به دنبال تشکیل این مرکز، طبق نظر کمیته جوانان پرویز گرامی به عنوان مسئول کل این کلاس و فریدون طوبی، فرزاد طوبیان و شهاب شهامی فر مسؤولیت رسیدگی به امور این مرکز را به عهده گرفتند، که از پاییز ۱۳۷۹ شهامی فر از

• اگر می خواهید عزت نفس مطلوبی داشته باشید:

۱- خود را به عنوان شخصی منحصر به فرد با توانایی های خاص دوست داشته باشید.

۲- به ویژگی ها و توانایی های هر چند کوچک که تنها از عهده شما برمی آیند، افتخار کنید.

۳- برای غلبه بر ترس ها و نگرانی های خود از یک موقعیت خاص، با آن موقعیت روبرو شوید.

۴- احساسات خود را مخفی نکنید و سعی کنید به شیوه ای مناسب آن را بروز دهید.

۵- روزانه در هنگام انجام هرگونه فعالیت، به خود اطمینان داشته باشید.

۶- سعی در تغییر دادن افکار و رفتار دیگران نداشته باشید.

۷- بر شغل یا موقعیت اجتماعی خود کنترل داشته باشید، نه اینکه موقعیت ها بر شما حکمرانی کنند.

۸- به عنوان یک انسان با ویژگی های منحصر به فرد، به رشته تحصیلی، شغل و مقام خود ارزش بدهید نه اینکه رشته یا شغل به شما ارزش دهد.

۹- در برقراری روابط با دیگران پیشقدم شوید.

۱۰- از پیشداوری عجولانه و قضاوت های بی اساس در مورد دیگران دوری کنید.

۱۱- در موقع صحبت با دیگران، تماس چشمی با مخاطب خود برقرار کنید.

۱۲- به جای تکیه بر نتایج سنجش دیگران، بهتر است به معیارها و ارزش های محکم خود در زندگی تکیه کنید. ■



سارا حی

ما هنوز نفس می‌کشیم

مصاحبه با نخبه‌هاست. آنها خواستار ادامه این نوع گفتگوها شدند.

از نکات جالب توجه این جلسه، این بود که اکثر نوجوان‌های شرکت‌کننده در این جلسه بخش نوجوان را با دقت نمی‌خواندند. شما را به خدا این قدر ما را تحویل نگیرید.

وقتی ساعت گویای آقای سردبیر، پایان جلسه را خبر داد، ما دلمان نمی‌خواست از هم جدا بشویم دلمان می‌خواست بمانیم و تا شب گل بگوییم و گل بشنویم. اما دیگر وقتی نمانده بود. موقع رفتن دلمان می‌خواست باز هم دور هم جمع شویم و باز هم دسته‌جمعی نفس بکشیم.

نوجوان‌ها یکی از کمبودهای این بخش را نداشتن خبر دانستند. تصمیم بر این شد که هر شماره اخباری درباره نوجوان‌ها چاپ شود. همچنین در این جلسه مطرح شد که از بهترین مطالبی که می‌توان برای بخش نوجوان تهیه کرد، درد دل‌های نوجوانان است. حرف زدن از مشکلات آنها در خانه، مدرسه، اجتماع و ... از این موارد هستند.

آقای سردبیر که از حضور فعالانه نوجوان‌ها بیمناک شده بود، قول داد که صفحات بخش نوجوان بیشتر شود، مثلاً به جای یک صفحه بشود یک صفحه و یک خط!

چون به تعدادی از دوستان فعال بخش نوجوان دسترسی نداشتیم با عرض شرمندگی نتوانستیم برای جلسه به آنها خبر بدهیم. البته در این جلسه تعدادی نویسنده جدید هم داشتیم. بعضی از دوستان خوبان هم کم‌لطفی کردند و نیامدند تا ثابت کنند که ما هنوز نفس می‌کشیم. البته این دوستان و دیگر نوجوانان می‌توانند آثارشان را برای چاپ شدن در مجله برای ما ارسال کنند.

نوجوان‌های حاضر در جلسه پیشنهاد دادند برای بیشتر شدن استقبال خوانندگان داستان دنباله‌دار چاپ کنیم، البته آنها فراموش کرده بودند که بینا، هر ۶ ماه یکبار چاپ می‌شود.

محیط صمیمی بود و دوستانه. ما با هم حرف می‌زدیم، می‌خندیدیم. برای مطالب یکدیگر دست می‌زدیم. اشتباه می‌کردیم. بچه‌ها موقع خواندن از خجالت سرخ می‌شدند، تیق می‌زدند اما با همه این حرف‌ها از کنار هم بودن و آثار یکدیگر، لذت بردیم.

بروبچه‌های نوجوان بر این عقیده بودند که از بهترین مطالب بخش نوجوان

می‌خواستیم نوجوان بودن خودمان را ثابت کنیم، می‌خواستیم حرف بزنیم، انتقاد کنیم، پیشنهاد بدهیم، می‌خواستیم بگوییم ما هنوز نفس می‌کشیم و شاداب و سرزنده هستیم به همین خاطر بیست و ششم آخرین ماه تابستان، برای اولین بار دور هم جمع شدیم و جلسه صفحه نوجوان مجله/اقی بینا را راه انداختیم.

شرکت‌کنندگان در جلسه این دوستان بودند: المیرا و آیدا مصری، سیا گرامی، آزاده و الناز بن ذکریایی، پیمان مسیح اسرائیلیان، یاسمن رحیمیان، سارا سنبلیان، میترا مرادیان، نغمه کدخدا، الناز و الیزابت گیدانیان و صبا گلشنی.

جلسه ما با جلسه آدم بزرگ‌ها خیلی فرق داشت. جلسه به موقع شروع شد. ابتدا، آقای سردبیر توضیحاتی در مورد مجله بینا داد. مهم‌ترین بخش صحبت‌های او در مورد چگونگی کار کردن با قیچی بود. او همچنین در مورد انواع حذف، سانسور، خط خوردن، قیچی کردن و ... توضیحات مفیدی داد که مبادا دل نازک ما نوجوانان بشکند.

اینجا هم باز، دخترخانم‌ها از آقاپسرها جلو زدند، البته ما تصمیم داریم برای آقاپسرها سهمیه و مزایا در نظر بگیریم تا شاید تشویق بشوند و فعالیتشان را بیشتر کنند.

نوجوان‌ها ۱۳ تا بودند اما ۱۳۰ تا پیشنهاد ارایه کردند و ۱۴۰ تا حرف مهم زدند. بچه‌ها خیلی مستقل بودند. نظرات مفیدی هم داشتند. آنها پیشنهاد دادند که اصلاً خودمان برویم یک بینا چاپ کنیم: «بینای نوجوان». البته وقتی بچه‌ها این پیشنهاد را دادند، آقای سردبیر در جلسه نبود، وگر نه با همان قیچی مخصوص گوششان را می‌برد.



روز مهم

نغمه کدخدا

هر چه سعی کردم به دیگران بفهمانم که امروز چه روزی است موفق نشدم. فکر می‌کردم اعضای خانواده بدانند اما نه، هیچ‌کدام چیزی نمی‌دانستند. در ضمن هر کدام قرار بود جایی بروند. شب به خانه برگشتم. چراغ‌ها خاموش بود. کلید برق را زدم اما چراغ روشن نشد. نوری از داخل آشپزخانه سوسو می‌زد. نزدیک شدم. چراغ‌ها روشن شدند:

تولدت مبارک

جواب مسابقه کودکان

بینای ۲۰

آیدا مصری

۱- زیر نور ماه ۲- شبهای تهران
۳- مرد بارانی ۴- خواب و بیدار ۵- دو نیمه
سیب ۶- خواهران غریب ۷- شب یلدا
۸- شلیک نهایی ۹- فرار بزرگ
۱۰- شام آخر ۱۱- رودخانه برفی
۱۲- مزرعه‌داران ۱۳- پزشک دهکده
۱۴- تعطیلات آخر هفته ۱۵- زیر بازارچه
۱۶- شیخون ۱۷- گیوم‌تل ۱۸- افسانه
شجاعان ۱۹- می‌خواهم زنده بمانم.

اسامی تعدادی از دوستانی که جواب

مسابقه را به دفتر مجله ارسال کرده‌اند:

رایان احدوت - رابین احدوت -
صدف شلومو - یاسمن داوود طیبی -
شائیت بابائیان - نورا رحیمی - آرش هاسید
سینا هاسید - دانیال یزدانیور - الناز لاله‌زار.
با برندگان مسابقه برای اهدای جایزه
تماس گرفته می‌شود.

رهنم دوستی

الهام مودب

دو دوست در بیابان همسفر بودند. در طول
راه با هم دعوا کردند.
یکی به دیگری سیلی زد. دوستش که
صورتش به شدت درد گرفته بود بدون هیچ
حرفی بر روی شن نوشت: «امروز بهترین
دوستم مرا سیلی زد». آنان به راهشان ادامه
دادند تا به چشمه‌ای رسیدند و تصمیم گرفتند
حمام بگیرند.

ناگهان دوست سیلی خورده، به حال غرق
شدن افتاد.

اما دوستش او را نجات داد. او بر روی سنگ
نوشت: «امروز بهترین دوستم مرا سیلی زد. نجات
داد».

دوستی که او را سیلی زده و نجات داده بود،
پرسید: «چرا آن موقعی که سیلیات زدم، بر
روی شن و حالا بر روی سنگ نوشتی؟»

دوستش پاسخ داد: «وقتی دوستی تو را
ناراحت می‌کند باید آن را بر روی شن بنویسی تا
بادهای بخشش آن را پاک کند. ولی وقتی به تو
خوبی می‌کند، باید آن را روی سنگ حک کنی
تا هیچ بادی آن را پاک نکند».



باور کنم؟ چرا من باید در فیلم‌های
مذهبی صدا و سیما به دنبال اثری از
پیامبران باشم؟ چرا من نمی‌توانم
داستان‌هایی درباره دین خود بخوانم؟
نمی‌دانم چرا به جای دیدن نمایش
مذهبی در کنیساها، به جای برنامه
عمومی‌های پر بار در مورد شعرای دین
خود در سازمان‌ها، من فقط با تئاترهای
سرگرم کننده و خنده‌دار و برنامه
عمومی‌هایی که در مورد موضوعات
ساده است آشنا شده‌ام؟ مگر ما حضرت
داوود آن شاعر فهمیده یا حضرت
سلیمان آن که آن قدر دلش صاف بود
که حتی می‌توانست با حیوانات صحبت
کند را نداریم؟
خدایا ببخش مرا که حتی نام
فرزندان حضرت موسی را نمی‌دانم.
خدایا مرا به دلیل نادانسته‌هایم عفو کن.
آخر من چیز مهمی را در زندگی‌ام گم
کرده‌ام...

شاگرد ممتاز



داوید رفوا
کلاس اول ابتدایی
دبستان راه‌دانش
معدل ۲۰

مگر شما

باور ندارید؟

یاسمن رحیمیان

دلم می‌خواست یک نفر را داشتم
که از صبح تا شب برایم از زیبایی‌ها
حرف می‌زد. دلم می‌خواست یکی بود
که زیبایی‌های این جهان را می‌دید و به
من گوشزد می‌کرد. می‌گویند خدا دنیا
را زیبا آفرید، خدا حضرت یوسف را هم
زیبا آفرید. خدا حتی لحظه‌ها را هم زیبا
آفرید: «لحظه شکسته شدن بت‌ها
توسط حضرت ابراهیم آن بزرگ مرد
تاریخ» و «لحظه خروج اجدادمان از
مصر توسط حضرت موسی، آن مخلوق
برتر».

هر موقع فکر می‌کنم به یاد نیمه
پنهان و زیبای زندگی‌ام می‌افتم که همان
دین یعنی مکمل زندگی است. من رنگ
قرمز شریان خون و تمام زندگی را در
دین می‌بینم. دین زیبایی زندگی است.
مگر شما باور ندارید؟؟

چرا این روزها کسی نیست که هر
روز لحظات زیبای زندگی را یادآوری
کند؟ یعنی هیچ کدام از همکیشان من
دلش نمی‌خواهد این زیبایی‌ها را با من
قسمت کند؟ من به عنوان یک نوجوان
کلیمی اگر شب شنبه، صبح شنبه و یا
شب یکشنبه به کنیسا می‌روم فقط برای
حرف زدن و یا حتی تفیلا خواندن نیست.
من اگر بگویم «خدایا دوستت دارم» یا
«خدایا متشکرم»، حمد و ثنای خدا را
گفته‌ام و شاید دیگر لزومی نداشته باشد
که هر روز به کنیسا بروم.

من به کنیسا می‌روم تا از دینم
بشنوم، از معجزات پیامبرانم لذت ببرم،
از زندگی دانشمندان عبرت بگیرم، اما
چه فایده؟ هنگامی که شب شبات است و
همه مردم می‌خواهند حرف‌های شالیح
صیپور را بشنوند در کنیسا صدای او به
ما نمی‌رسد. صبح شنبه چون مراسم
شبات عروسی است یا قرائت تورات
مقدس طول کشیده است همه
درخواست می‌کنند زودتر برای صرف
صبحانه به منازلشان بروند و اما می‌ماند
شب یکشنبه که ...

چرا من به عنوان یک کلیمی برای
شنیدن داستان حضرت یوسف زیباروی
دین خود باید به تئاتر شهر بروم و تئاتر
«در مصر برف نمی‌بارد» که حتی معلوم
نیست برحسب واقعیات است یا نیست را

بچه‌ها سلام



שלום ילדים

دوست قوچم سلام:

میاد فکر کنی ما اصلاً به فکر تو نیستیم و تو را فراموش کرده‌ایم. نه اصلاً این طوری نیست. راستش الان پند ما می‌است که ما عقل‌هایمان را ریخته‌ایم روی هم که چه طوری بچه‌های بفش کودکان را دور هم جمع کنیم تا این که بالاخره فکری در ذهنمان برقه زد. «آها، یک جلسه برای علاقه‌مندان بفش کودکان می‌گیریم.» آره، دوباره قصد داریم یک جلسه با حضور کودکان علاقه‌مند به این بفش بگیریم. شما دوست قوچ (۷ تا ۱۴ ساله) که دوست داری در این جلسه که با حضور همسن و سال‌هایت برگزار می‌شود شرکت کنی، در اولین فرصت که مجله به دستت رسید با دفتر مجله تماس بگیر و نام و نام‌فانادگی، سن و شماره تلفن تماس را در اختیار ما بگذار تا ان‌شاء... با کمک هم شماره بعدی بفش کودکان پر از مطالب تازه باشد. (سعی کن مثلاً تا سه هفته بعد از انتشار این شماره با ما تماس بگیر.)

دوست قوچ، اگر تو هم به بفش کودکان علاقه‌مندی اما برایمان مطلب ننوشتی، دست به کار شو و با ما تماس بگیر. امیدوارم دیر نشده باشد. راستی شرکت در این جلسه فقط یک شرط دارد، آن هم این است که باید حداقل ۲ اثر از نوشته‌ها، شعرها، داستان‌ها، نقاشی‌ها، مقاله‌ها، پیستان‌ها و لطیفه‌هایی که فوتت آنها را نوشته‌ای همراه بیاوری. در ضمن جوایز برندگان مسابقه شماره پیش نیز در این جلسه اهدا خواهد شد.

مسابقه



مسابقه

دوست عزیز:

داستان مذهبی این شماره گزیده‌ای از «داستان‌های تلمود» است که آن را دوست قوچمان آنژلا کاهن به ما هدیه کرده است. شما هم آن را بفوانید و در پیدا کردن بهترین عنوان برای این داستان به ما کمک کنید. منتظر جواب‌های شما هستیم.

فراموش نکنید که متما فرم زیر را هم همراه بهترین عنوان برای ما ارسال کنید. جواب‌هایتان را متما تا یک ماه بعد از انتشار این شماره به دست ما برسانید و هدایای بارزش دریافت کنید.

ربی عقیوا عقیده داشت که انسان باید همیشه این جمله را بگوید: «هر کاری که خدای رحمان می‌کند، مقصود او خیر و نیکی است.» او در سفر، به شهری رسید و از مردم جایی خواست تا او همراهانش شب را در آن بگذرانند، ولی مردم آن شهر به آنها جایی ندادند. ربی عقیوا گفت: «هر کاری که خدای رحمان می‌کند مقصود او خیر و نیکی است.» آنها مجبور شدند شب را در صحرا به سر ببرند. آنها همراه خود یک خروس، یک الاغ و یک چراغ داشتند. باد سختی وزید و چراغ را خاموش کرد. گربه‌ای آمد و خروس را خورد. شبی حمله کرد و الاغ را درید. ربی عقیوا در هر یک از این موارد می‌گفت: «هر کاری که خدای رحمان می‌کند مقصود او خیر و نیکی است.» در همان شب دسته‌ای از راهزنان به شهر حمله بردند و آنجا را غارت کردند. ربی عقیوا به همراهان خود گفت: مگر من به شما نگفتم که هر کاری که خداوند می‌کند مقصود او خیر و نیکی است؟ اگر در شهر منزل کرده بودیم راهزنان اموال ما را نیز به غارت می‌بردند. اگر چراغ روشن بود، آنها ما را می‌دیدند و اگر خروس و الاغ زنده بودند صدا می‌کردند و راهزنان را متوجه ما می‌کردند.

پاسخ مسابقه

نام..... نام خانوادگی..... سن.....
عنوان داستان..... آدرس و تلفن.....

مثل فتر

لطیفه زیبایی را که می‌فوانید نوشین مناسب برایمان انتخاب کرده است. از نوشین فانم سپاسگزاریم و منتظر دیگر آثار او هستیم. آقا معلم به من گفته بود هر وقت صدایت کردم باید مثل فتر از جا بپری! دیروز صدایم کرد. جغرافی داشتیم. پرسید تاج محل کجاست؟ آن موقع من در کلاس نبودم، چون مثل فتر پریده بودم! و کیلومترها دورتر در کشور هندوستان فرود آمده بودم! راستی که تاج محل چه جای قشنگی است!

تعویض مسواک

لطیفه زیبای زیر را نیلوفر خاکشور برایمان فرستاده است. نیلوفر خانم، ما انتظار مطالب بیشتری از شما داریم.
دکتر: «کاوه، مگر به تو نگفته بودم که ماه به ماه مسواکت را عوض کن تا دندان‌هایت این طور نشود؟»
کاوه: «من هم همین کار کردم، ماه اول آن را با مسواک مادرم و ماه بعد با مسواک پدرم عوض کردم!!»

הימים הראשונים בכפר روزهای اولیه زندگی در روستا

عبری بیاموزیم

بخش بیست و یکم

כאנו אל המקום הזה לפני שלש שנים. כשבאנו הנה לא היה כאן כלום, רק אדמה.

ما سه سال پیش به این مکان آمدم. هنگامی که به اینجا آمدم، هیچ چیز نبود جز زمین.

אמרו לנו כי האדמה היא טובה וגם מים יש כאן.

به ما گفتند این زمین خوب (حاصلخیز) است و آب هم آنجا موجود است.

לא עברו ימים רבים וראינו כי לא די באדמה טובה ובמים, האדמה צריכה גם אדם הודע לעבוד.

روزهای زیادی نگذشته بود که متوجه شدیم فقط زمین خوب و آب کافی نیستند، زمین به فردی نیاز دارد که با کار آشنا باشد.

ואנחנו לא ידענו כלום בעבודה ולא ידענו כלום בחקלאות.

و ما نه چیزی از کار می‌دانستیم و نه هیچ چیز از کشاورزی.

מכפר אחד בא אלינו מדריו חקלאי ותיק, והתחלנו ללמד את עבודת-האדמה.

از یک روستا، یک معلم باتجربه کشاورزی نزد ما آمد و یادگیری کار زمین را شروع کردیم.

– "این-دבר، אמר לנו המדריך، – כל התחלות קשות. כשבאתי בכפר לפני עשרים שנה, היה לנו קשה יותר!"

آن معلم به ما گفت: « هیچ مسئله‌ای نیست، همه آغازها مشکل‌اند. حدود بیست سال پیش هنگامی که به آن روستا رفتم، اوضاع برای ما سخت‌تر بود. »

ימים קשים היו לנו הימים הראשונים בכפר. וקשה יותר היה בחרף, כשירד גשם.

روزهای اولیه در روستا برای ما ایام سختی بودند. سخت‌تر از آن در زمستان بود، هنگامی که باران می‌آمد.

בחדש שבט ירדו הרבה גשמים. הדרך אל הכפר היתה מלאה מים. והמכונות

המביאה לנו את הכל מן העיר, לא יכלה לעבוד בדרך.

در ماه شواط (بهمن) باران سنگینی می‌بارید، راه روستا پر از آب بود، و اتومبیلی که همه ما را از شهر می‌آورد، نمی‌توانست از آن راه گذر کند.

אז עוד לא היה לנו כביש. גם חשמל לא היה לנו. בערב ישבנו לאור מנורה.

آن زمان هنوز راه شوسه نداشتیم، برق هم نداشتیم. شب زیر نور چراغدان می‌نشستیم.

בימים של גשם לא הביאו לנו גפץ מן העיר והדלקנו נרות. ואם לא היה נר –

ישבנו בחשך.

در ایام بارانی، برایمان از شهر نفت نمی‌آوردند و شمع روشن می‌کردیم. و اگر شمع هم نبود، در تاریکی می‌خوابیدیم.

בן חיינו אז, רבים לא יכלו לחיות חיים קשים אלה, והלכו אל העיר.

آن زمان اینچنین زندگی می‌کردیم، خیلی‌ها نمی‌توانستند چنین سخت زندگی کنند، و به شهر می‌رفتند.

הם הלכו ובאו חדשים. עכשו אנחנו, ברוך השם, תשעים ושש משפחות.

آنها می‌رفتند و افراد جدیدی می‌آمدند. شکر خدا، ما اکنون ۹۶ خانوار هستیم.

יש לנו כביש, יש לנו חשמל, יש לנו בית-ספר וגן-ילדים.

ما راه داریم، برق داریم، مدرسه و مهدکودک داریم.

(صرف فعل - مؤنث - زمان گذشته)

مصدر	אָני	אַתָּה	היא	אַנקונ	אַתָּה	הן
خریدن	קניתי	קנית	קנתה	קנינו	קניתן	קנו
خواستن	רציתי	רצית	רצתה	רצינו	רציתן	רצו
نوشتن	שתייתי	שית	שתתה	שתינו	שיתן	שתו
دیدن	ראיתי	ראית	ראתה	ראינו	ראיתן	ראו
انجام دادن	עשיתי	עשית	עשתה	עשינו	עשיתן	עשו

کلمات جدید

אדם آدم آدم	מורה مدرّس معلم - راهنما	חקלאות חקלאות کشاورزی	אדמה آداما زمین	חפר خُورف زمستان
גשם گشم باران	כביש کویش راه شوسه	חשמל خشمَل برق	מורה مُورا چراغ - شمعدان	חפר خُورف تاریکی
כפר کفار روستا	בעל بعل صاحب	להדליק لهدلیق روشن کردن (آتش)	יכול یاخول می تواند	כפר کان اینجا
כי کئی کافی	בין بین میان	אז آز آنگاه	יותר یوتیر بیشتر	כי کی زیرا

Jewish Philosophy :A Historical Introduction

فلسفه یهودی: مقدمه ای تاریخی

از موضوع های قابل توجه این کتاب می توان به نگارش های یهودی، مدارش ها، تفاسیر ابتدایی خاخامی و کوشش های نوین در الهیات یهودی اشاره داشت. در میان فیلسوفانی که از آنها در این کتاب یاد شده می توان از این چهره های سرشناس نام برد: ابراهیم بن داوود، موسی میمون، باروخ اسپینوزا، هرمان کوهن، مارتین بوبر، فرانس روزن تسواریک و
هر بخش کتاب حاضر باشماره ای از رهنمودها، پرسش ها و توصیه ها جمع بندی شده است.

منبع: Continuum book .Com
کتاب هفته ۸۲/۵/۱۸

نویسنده: نوربرت م. سامونلسون Norbert M. Samuelson ۲۰۲۰
صفحه: ۱۵۰. Continuum. ۱۵ آگوست ۲۰۰۳.

این اثر به ارزیابی و مرور تاریخ فلسفه یهود، از زمان تکوین و نخستین نگارش های مذهبی عبری تا عصر حاضر می پردازد و آن را به عنوان کتابی ویژه در سیر فلسفه یهود باید دانست که می تواند به نحوی فراگیر تفکرات مذهبی در هر دو مبحث فلسفه یهودیت و اندیشه دینی را به خوبی مطرح سازد و فراتر از آن به مباحث عمومی فلسفه نیز پردازد. نویسنده به مباحثی پیرامون ذات و صفات خداوند، مبدا و موجد جهان هستی، ارزش های انسانی و ابعاد مجزا و متمایز تاریخ اندیشه یهود، پرداخته است.

the number of participants showed a growth of %25 as compared to the previous year.

The classes were held on odd days of week from 9:30 to 12:00 and these classes included Hebrew language instruction, reciting Sidur (the Jewish prayer book) as well as religious and Jewish cultural education. Thursdays were also dedicated to recreational and cultural visits and sightseeing including cinemas, theaters of Mind Education Center, walking in parks and visiting the Jews' Central Library.

The ending ceremony of this two-month program was a happy celebration in Mohebban Jews Hall, in which students, authorities, and instructors of the camps took part. ■

The Report on The Presence of Iranian Mission in the World Conference of Memorial Foundation for Jewish Culture

(19- 28 August 2003, Sweden)

The annual Judaism culture seminar is an annual training research plan, which is related to Memorial Foundation for Jewish Culture, with headquarters in New York. In order to make the young people and authorities of various Jewish communities of the world familiar with each other and interchanging experiences and dealing with problems, this foundation is held every year. The conference 2003 was the 12th round of this program, which was held in Sweden (camping be called "Glamsta", belonging to Sweden Jews' Association).

Upon recall for this seminar, of which familiarity with English language and religious-cultural training of Judaism were the principal pre-requisites, the application forms were sent for 10 young persons in Tehran and other cities, and finally, Marjan Yashayaei, Arash Abaie and Farhad Aframian were dispatched to the program on behalf of the Tehran Jewish Committee.

The programs started from Wednesday 20th of August, after introduction meeting with authorities and attendees (near 40 individuals from different countries of the world). The daily programs were totally divided into 3 sections: making presentation about different social and religious issues, training workshops for studying religious texts and social discussions, and meetings of work groups for understanding Jewish communities.

It is necessary to note that it was the first presence of Iranians in this seminar, so they were really welcomed by other participants. What they thought about the situation of Iranian Jews was really far from reality. The Iranian participants explained the current realities for them.

Establishing a 4-day exhibition from the cultural and art works of Iranian Jews including magazines, books, carpets made by the Jews and photos taken

from Iranian Jews' religious works caught the attention of all participants.

The representatives of Tehran Association had an active presence in all presentation meetings, group discussions, and training workshops. Where necessary, they either expressed their comments, or interchanged their views with those of the invited attendees and professors.

Overall, we can refer to the outcomes and results of this trip as the following:

- 1- Modern social-religious training plans of contemporary Jews, some of which are applicable in Iranian society.
- 2- Getting familiar with culture and problems of the Jews from other communities.
- 3- Making the representatives of Jews from other parts of the world familiar with the situation of Iranian Jews.
- 4- Benchmarking the experiences of other communities in training and uniting the Jewish youths.
- 5- A realistic evaluation of position and situation of Iranian Jewish society, comparing to other communities.
- 6- Presentation of new ideas to the audience by Iranian mission, regarding the world of Islam by Iranian mission.

Giving explanations about the world of Islam and the proximity of many of its precepts and doctrines with those of the Judaism, Arash Abaie, emphasized on the necessity of religious and cultural relation as well as dialogue with Moslem scholars, in a roundtable, which was held at the end days of the seminar. He mentioned some samples of the activities and negotiations made by the authorities of the Iranian Jewish community with religious-political leaders of the Islamic Republic in order to resolve the misunderstandings and solving the problems of the society, and identified these efforts as the symbol for the deep impact of dialogues and the mutual knowledge for a peaceful coexistence of a religious minority community in an Islamic country.

While emphasizing the spiritual sacredness of Israeli sacred lands and places before the Jews, Marjan Yashayaei explained the Iranian Jews' attitude towards the Israel's political events.

It was very remarkable that the information of participants about Iran and Iranian Jews, was very limited and few. Even many of them did not know the existence of the Jews' Prophets' Tombs (Ester-Mordechai, Habakkuk, and Daniel) in Iran, and the significant social and religious activities of the Jews and their usual and strong relations with their Moslem fellow compatriots and the state authorities surprised most of them.

On their return, the representatives of the Jewish Community explained the results and outcomes of their trip in various meetings with the Association's board of directors and Jewish Students' Organization. ■

part, discussions were made over the two lectures made. Participants in the discussion focused on the amalgamation of rationality with religion, taking into consideration the title "Religious Morality." ■

Police Week And Monotheistic Religions

On the occasion of honoring the Police week, a conference was held in the Armenians' meeting hall on October 7th, in which clergymen and authorities of the religious minorities' communities and Disciplinary Force's commanders took part.

In this meeting, in which a great number of Tehran Jews had been invited, Commander Talaei, the commander in chief of the great Tehran Disciplinary Force, took part while some of his subordinates were accompanying him.

Haroun Yashayaei, the head of Tehran Jewish Committee, in his speech, first congratulated the week of Disciplinary Force to all commanders and loyal personnel of this Force and added: in the recent years, police has reached what it is due, i.e. to be respected by people. The value of Iranian police comes from getting power from people. Later, he mentioned "Yom-Kippur" (the Jews' great fasting on October 6th), and added: in most of European countries, the Jews' synagogues are securely guarded and a person must pass different security and recognition parts in order to be present in such places, and this is while in "Yom-Kippur" in 23 synagogues of Tehran, which were full of people, there was no security problem, and the Jews carried out their religious duties very easily and peacefully. This peace of mind comes firstly from the respectful and moderate spirit of Iranian people and secondly from the strength of police force. Yashayaei referred to the presence of the commander of Yousef Abad Police Station (Colonel Rashidi) and his Ideological-political deputy in Kippur Ceremony of Yousef Abad Synagogue, and called it as an example of a friendly relation between people and police. At the end of his words, he said that the power of police and supporting its performance are enforced by execution of laws and observance of social scales.

The similarity and closeness of monotheistic religions, was the subject of the opening speech of Colonel Guardian General, Morteza Talaei, the chief commander of Great Tehran's Disciplinary Region. He emphasized that the belief in monotheistic values of the religions, would be the cause of coordination and cooperation of Iranian people and their challenge against Materialism.

Talaei said: "this common enemy, who is looking for denying the concept of religion and monotheistic beliefs, has been trying to deny our young people's beliefs through cultural, moral and social propaganda.

The target of the meeting with followers and authorities of other religions of the fellow compatriots is that they have dialogue and interchange of ideas with police, so that we could strengthen the security and peace of the society, through a cultural and mental Jihad.

The commander of Tehran's Police said: "the basis for social security and discipline, is the moral element and not a political and economical element. Security and discipline is an involuntary process, which automatically emerges from within the society. Morality guards the security and discipline and this moral system is only restricted to monotheistic religions... so we believe religion is able to manage an essential social, cultural and moral system in the society and this is the police's approach towards the social environment."

In this ceremony, the special tablet of Tehran's chief commander was given to Colonel General Talaei, by Rabbi Yosef Hamedani Cohen, the religious authority of Iranian Jews. ■

Ordinary Regular General Meeting of Tehran's Jews Association

Ordinary Regular General Meeting of Tehran's Jews Association was held in Tehran's Abrishami Synagogue on 25 July 2003, in which the representatives from Interior Ministry and a majority of Jewish people took part. At the beginning, Dr. Abraham Beral was elected as the age-wise chairman and Edmond Moallemi, Shahab Shahami-Far, Farid Yashar, Sepehr Yaghoubian, and Afshin Seleh were elected as the board of directors of the General Meeting, through polling.

According to the meeting agenda, Hamideh Masjedi, the secretary of the board of directors of Tehran's Jews' Association, read the Annual Report of the Board of Directors.

Later, the investigator of the board of directors, Manoochehr Omrani presented the financial balance report for 2002 until 2003, and Saeed Foroozanfar presented the investigators' statement.

After the questions and answers about the performance of the board of directors, through a written polling, Parviz Gerami, Manoochehr Omrani and Farzad Toobian were elected as the new investigators of the Board of Directors. ■

A Report From the Summer Camping Bases of Jewish Students

Training-Recreational camps of Jewish students were held with the presence of 300 students from elementary and guidance schools in four regions in July and August of summer 2003. According to the report provided by Eng. Robert Khaldar, the head of the camps, the classes and recreational programs were adequately welcomed in the current year and

country (since 2003, out of the Presidency Budget, a particular budget is supposed to be allocated for cultural, sports and social activities of the religious minorities of the country). Later, the Jews' deputy thanked Hojjat-ol-Eslam Mohammad Khatami for the efforts and coordination made by the Administrative Power in dealing with the problems of the religious minorities, and asked the president to visit and talk to Iranian Jews' Community, and the President agreed to be present in one of the Synagogues of Tehran in the near future.

* On October 28, in the open session of the Islamic Council, in his pre-agenda speech, Jasem Shadidzadeh, the deputy of Ahwaz spoke of the tribal problems and difficulties of Arabs dwelling in Khoozestan and attributed all these problems to the seditions of the Jews and the Judaism. He even recognized the discrepancies among Shi'as and Sunnis in the region, emerging from Judaism. In the meeting, the Jews' deputy severely protested against these words. Speaking in Majlis (Parliament), he briefly explained the history of ancient and rooted presence of the Jews in Iran and their coordination and cooperation with other fellow countrymen throughout the history, especially within the years after the war and called the claims of the deputy of Ahwaz as being null and void, and recognized these words as the evidence for destroying the rights of Jewish community and the bloods of Jewish martyrs in the Iran-Iraq imposed war.

Majority of the members of Parliament verified and supported the protesting statements of Morris Motamed, and the Head of Parliament, Hojjat-ol-Eslam Karroubi, while confirming the works of the Jews' deputy, once more emphasized the separating of Judaism and Zionism and congratulated the Hebrew New Year to the Iranian Jews, and referred to the cooperation and loyalty of this religious minority with Iranian nation. At the end of the meeting, making a friendly talk with Motamed, Shadidzadeh revised his words and asked the Jews' member of the parliament for removal of misunderstanding.

* Following many referrals of Jewish soldiers and their families including the problems in doing their religious duties and supplying Kosher food in far-reaching regions or non-Jewish dwelling cities, several visits have been made with the Parliamentary Deputy of the Disciplinary Force, and in an agreement with the Jews' member in the parliament, it was nearly agreed that the Jewish military soldiers -after passing their training course- could pass the remaining of their military service in the cities where they live, so that they do not face problems in doing their religious duties and supplying their food.

* As his Parliamentary missions, Eng. Motamed made two foreign trips in the first half of the year 2003. On his first trip, he traveled to Australia and visited the Australian parliaments in Sydney, Canberra, and Melbourne. The Jews' member in the Islamic Parliament is the vice-president of the friendship board of Iran-Australian parliaments, and the said trip was carried out in line with fulfilling the tasks of the board. In this mission, the member of Jews in the parliament could find a chance to visit and talk with the Jews and the authorities of Jews' Association in Sydney. The Australian Jews' Community significantly welcomed this visit. ■

Religious Talks With The Presence of The Head of Jewish Committee

On the occasion of Religions Dialogue Week (first week of September), a religious discussion meeting was held in the Institute for Inter-religious Dialogue on Monday, September 1st. Hojjat-ol-Eslam Seyed Mohammad Abtahi (Head of the Institute) and Haroun Yashayaei (Head of Tehran Jewish Committee) were the lecturers in this meeting.

In his lecture with the title of "Religious Reactions To Violence" Hojjat-ol-Eslam Abtahi emphasized the necessity of inter-religious dialogues, due to the growth of the violence made by religious motives. He identified radicalism and not religion as the main cause of these violent actions, since religion does not have a philosophy and target except peace.

Abtahi called the crisis of religious violence as the worst kind of violence. Due to non-existence of after-death element, in different kinds of non-religious violence, because of hope for life, the violent actions are likely to stop somewhere. But in religious violence, these violent actions are unlikely to end and stop due to penetration of spiritual and unworldly in the crisis.

"Common values, and moral and spiritual principles of the religions" was the title of the lecture made by Haroun Yashayaei. He focused on the religious moral principles around the following three areas: 1- Acceptance of Divine Religion 2- Moral Rationality 3- Social conventions

Yashayaei identified the moral principles in all common religions being almost the same, notwithstanding the difference in their execution. Mentioning the first clause of the Old Testament's 10 Commandments, including the necessity of human freedom, the head of Tehran Jewish Committee identified any radical violence as opposite to this religious order and Divine blessing. Later in this meeting, in which Moslem and Jewish thinkers and scholars from other religions had taken

A report on the activities of Iranian Jewish member of The Islamic Parliament

The Iranian Jews' member of the parliament, Eng. Morris Motamed, in the 6th period of the Islamic Council, is one of the active members, with two responsibilities: one as the member of Iranians in the parliament, and the other one as a representative of Iranian Jewish Community in the parliament. He is not only a member of the energy commission, but also engaged in follow-up of the technical and economical affairs of the energy section of the country within the legislative power, besides the usual political and cultural investigations.

Motamed informs people of his activities in Tehran's large synagogues usually every month. Meanwhile, his pre-agenda speeches are published in details in the newspapers' reports and sometimes broadcasted in the programs of the Islamic Republic of Iran's Television. The following is an abstract from the activities of the Jews' member of the parliament within the first 6-month time of 2003, which is extracted from his interview with Bina magazine.

* In April 2003, the members of religious minorities in the parliament met with the head of judiciary power, Ayatollah Shahroodi, in order to state some subjects. In this meeting, the Jews' member of the parliament referred to the problems of the religious communities of the minority in the judicial authorities of the country. Referring to the problems of executing rule 49 of the constitutional law and repeated rule 881 of the personal manners' law, the member of the parliament protested against the procedure of some judges- especially in the Revolution (Enghelab) Court- in recognizing the country's religious minorities as infidels and releasing votes contrary to religion and Justice, and the head of Judiciary power promised to cooperate in this regard.

* One of the most principal activities of the Jews' member of the parliament and other members has been to request and follow up the parliamentary bill indicating the parity of the blood money of the country official religious minorities with that of the majority of the fellow countrymen. The bill was considered in the council for two times, and was ratified in each turn with at least 80% of votes. The said bill was disagreed by the Guardian Council and was not ratified. Following the request made by deputies of the religious minorities including the remittance of the bill to the Expediency Council, the case was discussed in the judiciary and legal

commission of the parliament, and the members of the commission approved to send the bill to the Council with unanimity of votes.

In this regard, the deputies of the minorities in the parliament met with the head of the Expediency Council, Hojjat-ol-Eslam Hashemi Rafsanjani, in May, and sought for the coordination of the Assembly in ratifying the blood money's parity bill. Fortunately, the head of the assembly had a positive view over the religious minorities of the country and promised to give a priority to the bill, upon the arrival of the bill to the Assembly. Eng. Motamed believes the bill shall be ratified due to the positive atmosphere in the Assembly, and it will be notified to the legal authorities.

* Jews' deputy in the parliament along with some other members met with Ayatollah Khamenei, the great leader on May 17. Upon his chance to speak, the deputy thanked the favors of the great leader of the Islamic Republic in freeing the Jewish prisoners of Shiraz. Later, Motamed mentioned some of the current problems, some discriminations and injustices against the Jews, specially the understanding and interpretation of some judges regarding the rights of religious minorities without attention to the rule 13 and other rules of the Constitutional Law, specially the discrimination in the Iranian Jews' cases in the Revolution courts. The great leader was also told that unfortunately, some judges of the courts, recognized the official religious minorities as infidels and issued the verdicts against the interests of minorities' citizens.

At the end of the meeting, Eng. Motamed asked Mr. Khamenei to arrange a meeting with authorities and representatives of Iranian Jews' Community's organizations, and the Revolution Leader agreed to this meeting. The meeting is supposed to be held soon within the next few months.

* Regarding the problem of employment of instructors and training personnel from the religious minorities of the country in the Ministry of Education, which -due to particular reasons- has not been done for several years, negotiations were made between Motamed and Bet-Kolia (Jews' and Assyrians' members of the parliament) and the Minister of Education, Mr. Haji. The result of this meeting was the agreement of the Minister with employment of 200 individuals from the religious minorities.

* Following a request by Morris Motamed, a special meeting with the President was organized for August. Speaking about some problems and negotiating to resolve them, Eng. Motamed, in the meeting, thanked the President for coordinating and allocating a budget for religious minorities of the

they speak of whatever they like from the most radical Zionists' bands...!

However, the attitudes of respectable and clever Jews throughout the world against the adventurous movements of military bands (like Sharon and Mufaz) and the current violent actions in the region as well as the hatred from the immoral massacre of innocent people from both sides are increasingly becoming more significant. If the endless incitement and machination of Imperialists and destructive prejudices of some groups from both sides permit, the peaceful and brotherly life among Jews, Moslems and Christians would be possible and significant in the history.

There have been many signs for proving the possibility of a peaceful and brotherly life among the world Jews' Community and Israeli people. Recently (final days of September 2003) Shelomou Ben Aami, the Israeli former minister of foreign affairs in an interview with "Al-Mostaghbal" and "Ha-Aretz", newspapers, referring to an interesting issue, says: "there is no logic to say one should put off the war for the national independence, that has started with the incentive of Islamic national wills against the security, (a security that Palestinians are not able to provide it unless they gain it through a civil war)" and in another place (in an example which resembles Sharon as a magician who burns a lion with its mane and mace) says, "Let these kids (Sharon and other Israel's military politicians) play delusions before our eyes on the stage, so that it might reveal that all Right wing's methods have reached their end, as it is seen in any real democracy."

And this is while at the end of this month, 27 Israeli pilots, abstained from flying over the occupied regions, because they believed the acts of the Israel's Air Force in bombarding the Palestinians' camps, are immoral, and following their disobedience, they were threatened to be expelled from the army. Hundreds of articles and the like reactions were distributed among the Jews of the world and those dwelling in Israel. Of course, in reaction to all these events, the evil-thinkers state a proverb that they are all the same! However, Iran's magnanimous people never listen to these words.

On the other hand, fortunately there is a realistic, creative, and fair thought on course among our fellow-Iranians, which cancels this belief of the evil-thinkers. For example, following the invitation made by the ministry of foreign affairs,

two Jewish clergymen from USA (Rabbi Ben Purat and the Jewish scholar " Marshal Breger") traveled to Iran on middle days of June, and met with honorable clergymen of Shi'a in Qum. They planned for a conference on Comparative Laws' of Judaism and Islam's Jurisprudence. They also visited Islamic Communications and Culture's Organization. They also took part in an introduction and discussion meeting with representatives from Iranian Jews' Community. We have had such occasions since past and, God willing, we will have more and more.

In the introduction session, in which the representatives of the Iranian Jews' Community as well as the said Jewish clergymen took part, there was a subject, which was spread by some foreign news groups especially from U.S. In one of the discussion sessions, the authorities of Iranian Jews' Community asked the Jewish clergymen to tell the American Jews about whatever they have seen relating to Iranian Jews' Community in Iran. Rabbi Ben Purat honestly replied, " Our problem is that if we report whatever we have seen in Iran regarding the situation of Jewish Community, few people in USA may believe us. We could not even believe the existence of Jewish Community's organizations such as schools, synagogues, Kashrus, and various gatherings!" At the same meeting, Rabbi Ben Purat recognized Iran's government's authorities as well as authorities of Jewish Committee answerable, since they have not been able to reflect the realities of Iranian Jews' life to the world. Using this deficiency, the propaganda centers in USA could succeed in showing the situation of lives of the religious minorities- especially Iranian Jews- dark and intolerable in Iran. In the same meeting, the representatives of the Jewish community promised to compensate the past shortages.

I conclude this part with reminding the authorities of the Iranian Jewish Community with their responsibility against reflecting the realities of Iranian Jews' lives for addressees inside and outside of the country. I should explain that the Iranian Jewish Community could have healthy and brotherly relations with their fellow compatriots and authorities of the Islamic republic of Iran, and we continue our negotiations for removing some current discriminations and problems through legal channels.

Our young people in Stockholm have undertaken a part of this duty and have done their best. We do appreciate them... ■

OFEGH BINA

אפק בינה

Cultural, Social and News magazine of
TEHRAN JEWISH COMMITTEE
Vol. 5, No. 21, August - November 2003

"Ofegh-BINA" in Hebrew means "Horizon of Knowledge"

Managing Director: Haroun Yashayaei **Editor-in-chief:** Arash Abaie

Assistants in this Issue: Farhad Aframian (*Subscription*), Dr. Yunes Hamami Lalezar (*Religion*),

Sima Moghtader, Mahyar Cohen Bash, Liora Saeed, Sara Hai, Bijan Asef, Elham Moadab, Maryam Hanasabzadeh, Rahman Delrahim, Albert Shadpour, Shergan Anvarzadeh, Robert Shirazian.

Computer Support: Computer Center of Tehran Jewish Committee

Type setting & page layout: Nastaran Jazeb

Cover design: "Kadous Negareh" **Interior cover photos:** Davod Goharian

Add: # 385, 3rd Floor, Sheikh Hadi St. 11397-33317, Tehran - Iran

Tel: (+98 21) 6702556 **Fax:** (+98 21) 6716429

Internet Site: www.iranjewish.com

E-mail: bina@iranjewish.com

ABSTRACTS

Editorial

Iranian Jews and The World Jewish Community *Haroun Yashayai*

Three individuals representing Iranian Jewish Youths took part in a conference in Sweden, August 19-28, the report of which is published in this edition of "Ofegh-Bina."

Since this presence is in line with the activities of Tehran Jewish Committee for establishing a cultural contact with non-political sections of Jewish communities in different parts of the world, it is very important.

Establishing this communication with the World Jewish Community is essential in different aspects. Below you will find two important aspects of this communication:

First of all, because the people of the world, especially the Jews get to know that Jewish Iranians are not solitary people living in a far island, but they appreciate their valuable heritage of being an Iranian Jew. They guard their history and common reflection of Iranian honorable culture as well as principles of prophetic Judaism with their full strength and regard themselves both as Iranian and at the same time a part of the world Jewish community.

Secondly, the Jews' lives and other religious minorities' are not dark, as some overseas-dwellers and mouthpieces claim it. The reality is that all Jewish-dwelling cities of Iran have synagogues and there are no limitations for Jews to do their religious duties. In addition, there are various organizations, Jews' Associations, schools, kindergartens, gymnasiums for youths, Dr. Sapid Grand Hospital, the Jews' elders' house, religious slaughterhouses, and Kosher meat products, offices for registration of religious marriages, other issues indicating identities and requirements of Jews' Community in Iran. It is interesting to mention that you cannot find some of these facilities in some European countries.

In the recent years, the presence of the members of Iranian Jews' Community in the world conferences have become of essence due to some special reasons, the most important of which is frustrating the insistence of a few evil-thinkers for merging all Jewish communities and individuals, and laying stress on an unquestionable support from Zionists' organizations and Jews' lobby in USA or Europe. In the meantime, some of these evil-thinkers have made this vision and idea, as the basis for anti-Zionist violent propaganda and they constantly speak about the accusations, which disturb everybody, and identify these accusations as revealed revelations. In practice,

جشن تقدیر از دانش آموزان ممتاز کلمی

تالار مجاز
آبان ۸۲



OFEGHBINA

אפֿעגה
בינה
ד

Cultural, Social and News Magazine of
TEHRAN JEWISH COMMITTEE
Vol. 5, No. 21, August-November 2003



- Iranian Jews and The World Jewish Community
- A Report on The Activities of Iranian Jewish M.P
- Religious Talks With The Head of Jewish Committee
- Police Week and Monotheistic Religions
- A Report From The Summer Bases of Jewish Students
- The Presence of Iranian Mission in The World Fellowship of Memorial Foundation for Jewish Culture (Sweden)